

KAYHAN LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۹ مهرماه تا ۵ آبان ماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۵۰



اعتراض و اعتصاب در داخل انزوا در خارج





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۵۰ (۲۸۴)

جمعه ۲۹ مهرماه تا ۵ آبان ماه ۱۴۰۱

۲۵ اکتبر تا ۱ نوامبر ۲۰۲۲



مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

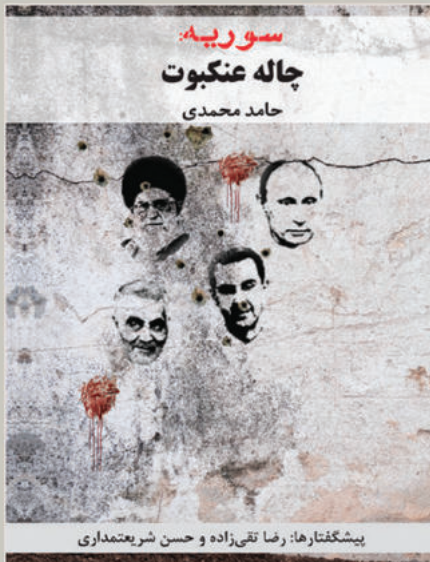
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisscau, 75018 Paris , FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

سر مقاله - آبان آزادی علیه بهمن از تجاع / الا هه بقراط ۴

اعتراض و اعتصاب در داخل؛ آنزوا در خارج ... / احمد رأفت ۴-۵

نامه شاهزاده رضا پهلوی به سازمان ملل متحد: از ایجاد کمیسیون تحقیق ... / ۵

ریزش و کمبود نیروی سر کوئیکر، جمهوری اسلامی را مجبور به استفاده از ... / ۶

«نبرد در خیابان‌های ایران» بین مردم و حکومتی که آن را ... / ۷

افزایش بازداشت و تهدید به محاکمه با اتهام «نشر اکاذیب» همزمان / ۸

آبادولت بایدن در حمایت از خیزش مردم ایران جدی است؟ ... / ۹

اعتراضات مردم ایران و بن بست‌های امنیتی رژیم ... / مصطفی فحص (شرق الاوسط) ۱۰

کالبدشکافی یک طفیان (۲۲) ... / احمد احرار ۱۱

معمایی به نام هویدا (۶) ... / عباس میلانی ۱۲-۱۳

مارچ سیمپسون هم در دفاع از مبارزات مردم ایران و علیه ... / احمد رأفت ۱۴

«زنان سرزمین ما ایران» حکومت را وادار کردند تا بلوی ... / ۱۵

سخنان تکانه‌دهنده و پر از امیددختری که فقط به خاطر شعار نویسی ... / فیروزه نوردستروم ۱۶-۱۷

درخواست دولت آرژانتین از قطر برای بازداشت محسن رضایی از عاملان انفجار ... / ۱۷

قطع پل‌های ارسال پیامک به سانسور حکومتی اضافه شد ... / ۱۸

حمله مأموران به دبیرستان دخترانه «شاهد» اردبیل ... / ۱۹

برجسته‌ترین ویژگی خیزش مردم علیه استبدادی مذهبی ... / محمود مسائلی ۲۰-۲۱

گزارش تصویری ارسالی از ایران؛ سپاه پاسداران بدون اجازه والدین ... / ۲۱

شلیک ۲۸ گلوله به سعید شریفی دستیار فیلمبردار و بازداشت نیک یوسفی و ... / ۲۲

کاهش سفرهای ورودی و خروجی از ایران؛ حتی یک مسافر ... / ۲۳

مجلس انقلابی؛ مهسا امینی مورد ضرب و جرح قرار گرفته است! ... / ۲۴-۲۵

آلبوم جدید لیراز، خواننده اسرائیلی ایرانی تبار در همکاری با ... / احمد رأفت ۲۵

سایه «زن، زندگی، آزادی» بر جشنواره فیلم لندن ... / احمد رأفت ۲۶

فراخوان تحصن در یکم و دوم آبان از سوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان / ۲۷

صولت مرتضوی یکی دیگر از چهره‌های امنیتی و فاسد جمهوری اسلامی با وجود ... / ۲۸

کامبیز صمدی قهرمان پرورش اندام به خاطر حمایت از اعتراضات مردم ... / ۲۹

گردآوری امضاء برای اخراج دیپلمات‌های جمهوری اسلامی از کشورهای عضو ... / ۲۹

واقعیتهای میدانی اعتراضات سراسری که حکومت برای پنهان نگه داشت ... / ۳۰-۳۱

تعلیق عضویت جشنواره فیلم کوتاه تهران در «کنفرانس فیلم کوتاه» ... / ۳۱

هشدار امنیتی وزارت اطلاعات به صنایع هوایی در پی تشدید اعتراضات ... / ۳۲

خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی به زندان اوین رسید ... / ۳۲-۳۳

«هرانا»: مأموران امنیتی تاکنون دست کم ۲۴۰ معترض را کشته‌اند ... / ۳۳

هراس بزرگ جمهوری اسلامی از ریزش در بدنه نیروهای مسلح ... / ۳۴

«پهپادهای انتحاری» نماد اتحاد شوم روسیه و جمهوری اسلامی ... / ۳۵

خودکشی برادر اسراپناهی دانش آموزی که توسط مأموران ... / ۳۶-۳۷

تأیید قتل اسراپناهی توسط مأموران جمهوری اسلامی ... / ۳۷

نمایش «اقتدار» در عراق برای پوشاندن شکست در ایران ... / ۳۸

گسترده شدن اعتصابات سراسری؛ مهمترین و بزرگترین مجتمع صنعت ... / ۳۹

تحریم ۱۵ فرادو نهاد جمهوری اسلامی توسط اتحادیه اروپا ... / ۴۰

لاف در غربی؛ زیان‌های اقتصاد داخلی به دلیل قطع اینترنت و ... / ۴۱-۴۰

صدای خانواده‌های آبان در گلوئی میلیون‌ها معترض است که فریاد ... / ۴۱

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان به دادخواهی از خون‌جانباختگان ... / ۴۲

استخوان‌های پیدا شده در کوه‌های شیراز متعلق به امین بذرگر دوست نوید ... / ۴۲-۴۳

رجز خوانی علی خامنه‌ای علیه مردم: غلط می‌کند کسی فکر کند درخت تناور ... / ۴۳

گفتگوی کیهان لندن با سپاهی مخالف جمهوری اسلامی ... / فیروزه نوردستروم ۴۴

تقاضای ۸۰ نام آشنای ورزش ایران از ملی پوشان فوتبال برای تحریم جام جهانی ... / ۴۵

ایران از فحش ویران نیست ... / رضاعرب ۴۶-۴۸

کانادا به دلیل نقض حقوق بشر، شورای نگهبان و مجلس خبرگان و مجمع تشخیص ... / ۴۸

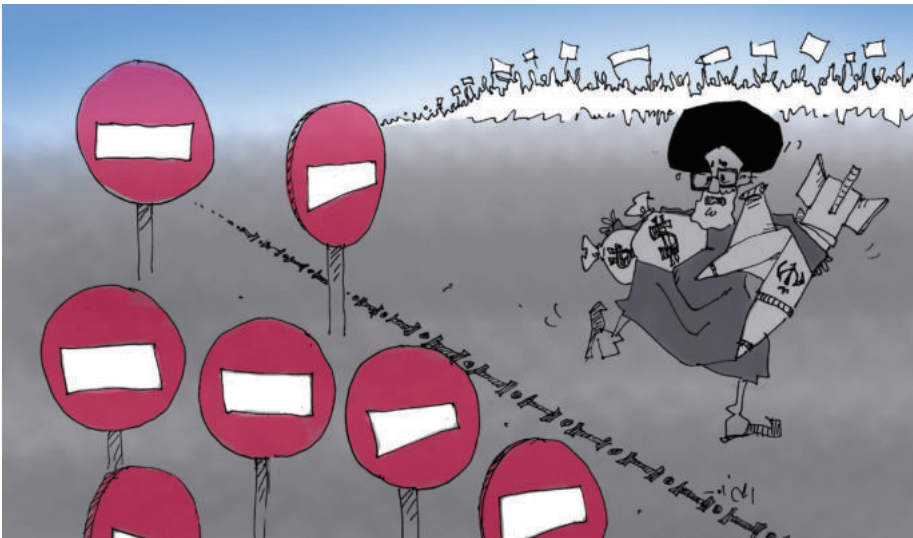
«احکام تحقیری» علیه سینماگران معترض؛ ساخت فیلم کوتاه درباره «شهدای امنیت» و ... / ۴۹

پشت جلد - عکس هفته / تهران / مهرماه ۱۴۰۱ ۵۰

بازنشر
بازنشر



تیتراول اعتراض و اعتصاب در داخل؛ انزوا در خارج



● آنچه جهان و به ویژه کشورهای غربی را مجبور به تغییر سیاست و کنار گذاشتن سیاست‌های مداخله‌گرانه با جمهوری اسلامی کرده، شهامت و پایداری هزاران هزار ایرانی در سراسر کشور است.

توانسته است قلب افکار عمومی جهانی را به دست آورد. ما در یک ماه گذشته شاهد حرکت‌های وسیع و مبتکرانه‌ای در حمایت از مردم ایران و در محکومیت جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف بودیم که تا چند هفته قبل از آن قابل پیش‌بینی و تصور هم نبود.

همبستگی زنان جهان با زنان ایران

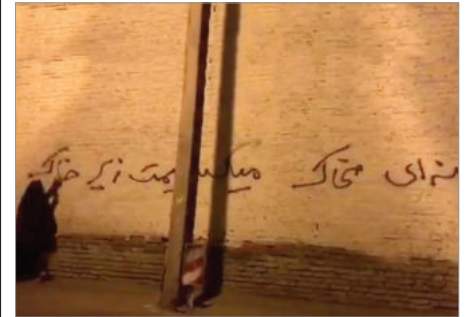
در روز پنجشنبه هر ۱۴ کشوری که وزاری خارجه آنها زن هستند، به دعوت ملانی جولی وزیر خارجه کانادا در یک نشست مجازی در ارتباط با حمایت از زنان ایران شرکت کردند. چنین اقدامی تا کنون بی‌سابقه بوده است. از جمله شرکت‌کنندگان در این نشست علاوه بر وزاری خارجه کشورهای غربی چون فرانسه، آلمان، نیوزلند، ایسلند و نروژ، می‌توان به حضور وزاری شیلی، آفریقای مرکزی، مغولستان و یا پاناما اشاره کرد.

تغییر رفتار و بیان دولت جو بایدن نیز قابل توجه است. برای اولین بار یک دولت دمکرات تنها لابی‌های جمهوری اسلامی را برای تبادل نظر به وزارت خارجه و کاخ سفید دعوت نکرد. اینبار نازنین بنیادی هنرپیشه سرشناس سینما و رویا حکاکیان نویسنده کتاب‌های پر فروش در آمریکا نیز در جلسه با آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا و مشاورین وی حضور داشتند و صدای مردم ایران را به گوش آنها رساندند. البته نازنین بنیادی با کاملاً هریس معاون جو بایدن و چیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید نیز جداگانه ملاقات کرد. از شخص جو بایدن نیز خطاب به تظاهرکنندگان ایرانی هنگام سفر اخیرش به کالیفرنیا صحبت‌هایی شنیده شد که تا چندی پیش دور از انتظار بودند. رئیس جمهور آمریکا از جمله خطاب به ایرانی-آمریکایی‌ها گفت «به مبارزه‌تان ادامه دهید ما با شما هستیم!» پوشش باراک اوباما رئیس جمهور سابق آمریکا نیز قابل توجه است. باراک اوباما بالاخره پس از سال‌ها پذیرفت که عدم پشتیبانی از اعتراض‌های سال ۸، موسوم به جنبش سبز، «اشتباه» بوده است. البته اعتراف باراک اوباما به این «اشتباه» می‌تواند بی‌ربط به انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا که در نیمه دوم ماه نوامبر ۲۰۲۲ برگزار خواهد شد، نباشد. دمکرات‌ها در موقعیت خوبی قرار ندارند و عدم حمایت از خیزش پرقدرد مردم ایران می‌توانست ریزش آرای

سرمقاله آبان آزادی علیه بهمن ارتجاع

فردوسی بزرگ سرنوشت و سرگذشت قهرمانان شاهنامه را گاه «بازی نغز روزگار» دانسته و به آنان که گمان می‌کنند همه چیز در چنته دارند، هشدار می‌دهد که این «بازی نغز» به آنها خواهد فهماند همچنان باید نزد آموزگار و تجارب زندگی بنشینند!

واقعیت این است که روایت‌ها و اسطوره‌ها و بطور کلی هرآنچه در عرصه فرهنگ و هنر و ادبیات آفریده می‌شود



نمی‌تواند از زندگی واقعی نشأت گرفته باشد حتی آنهایی که به علمی-تخیلی مشهورند! از داستان‌های ژول ورن که به علوم تجربی مربوط می‌شود و رمان‌های جرج ارول که به علوم انسانی بر می‌گردد تا میتولوژی یونان و افسانه‌های ادیان و اسطوره‌های ایران از جمله در شاهنامه که تصور می‌شود تخیل محض هستند در حالی که مضامین آنها نه تنها واقعی است بلکه مشترک و همیشگی است: نیاز به آزادی، آبادی، امنیت و جنگ همیشگی قدرت بین مردم و ضدمردم و چهره‌های شاخصی که این دو جبهه را در جغرافیای معین سرزمین‌ها نمایندگی می‌کنند.

آیا در دوران شگفت‌انگیزی زندگی می‌کنیم که از نزدیک شاهد یکی از این نبردهای همیشگی و اسطوره‌ای بین مردم و ضدمردم، جامعه و ضداجتماع، ترقی و ارتجاع، آزادی و استبداد و در یک کلام، بین نور و تاریکی، هستیم؟ دورانی که از روزهای انقلاب مشروطه در تاریکی قجر آغاز شد و به روزهای درخشان پهلوی رسید و سپس توسط سپاهی‌های انقلاب اسلامی بلعیده گشت تا در نبردی دیگر، ذره ذره نور آگاهی و آزادی در سراسر جامعه منتشر شود. نبردی که نه تنها رهبر جمهوری اسلامی را به «ضحاک» معروف کرده، بلکه کشتن کودکان و دانش‌آموزان برای سیر کردن افعی قدرتی که بر آن چنبره زده، داستان ضحاک قرن بیست و یکم را باورناپذیرتر از ضحاک تخیلی کرده است! این ضحاک از یکسو علاوه بر جان مردان جوان، دست تجاوز و تجاوز به دخترکان دانش‌آموز نیز دراز کرده و از سوی دیگر، کاوه و فریدونی که در طول این سال‌ها پرورش یافته و سرانجام به میدان آمده، نه یک تن یا یک مرد، بلکه یک ملت با هر دو نیمه زن و مرد خود است! آیا رویدادهای واقعی ایران معاصر فراتر از تخیل نیست؟! این روزها، بهمن، که در معنی نیک‌اندیش و نیک‌نهاد است ولی در انقلاب اسلامی و جمهوری‌اش با شر و خونریزی بر سر یک ملت و مملکت آوار شد، مغلوب آبان می‌شود؛ ماه آب و آبادانی که روز کوروش بزرگ بر تارک آن می‌درخشد. روزی که در سال ۹۵، بیش از یکسال پیش از دی ۹۶، با جمعیت انبوه در پاسارگاد به حکومت چنان هشدار داد که از آن به بعد آرامگاه کوروش را در این روز به روی مردم بستند! غافل از اینکه اعتراض و انقلاب در اذهان روشن شکل گرفته و میل به آزادی قدرتمندتر از همیشه در رگ‌های ایران جاری شده تا بنیاد این نظام ضدبشری را بر باد دهد.

بیش از یک ماه اعتراض و اعتصاب در ایران بالاخره سیاستمداران و دولت‌های غربی را از خواب خرگوشی بیدار کرد و سرانجام به این نتیجه رسیدند که فعلاً مذاکرات بیهوده برای احیای توافق هسته‌ای موسوم به برجام را بایگانی کنند. ماشین انتشار بیانی‌ها در محکومیت سرکوب و وحشیانه جنبش اعتراضی «زن، زندگی، آزادی» پس از قتل مهسا (ژینا) امینی نیز به راه افتاده است. همچنین نام‌های جدیدی به فهرست تحریم افراد و نهادها، که مدت‌هاست در آمریکا، کانادا، اتحادیه اروپا و بریتانیا گنجاخته شده، افزوده شدند و خواهند شد. آخرین آنها در نشست پنجشنبه سران اتحادیه اروپا به تصویب رسید، اگرچه اینبار نام‌هایی که به این فهرست اضافه شدند ربطی به سرکوب و نقض حقوق بشر ندارند، بلکه در رابطه با فروش پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی به روسیه و استفاده این کشور از آنها در اوکراین است.

شهامت مردم ایران و چرخش در سیاست‌های غرب

آنچه جهان و به ویژه کشورهای غربی را مجبور به تغییر سیاست و کنار گذاشتن (امیدواریم نه موقتی) سیاست‌های مداخله‌گرانه با جمهوری اسلامی کرده، شهامت و پایداری هزاران هزار ایرانی در سراسر کشور و آنهم نه برای چند روز بلکه برای بیش از یک ماه، با وجود کشتن دست‌کم بیش از ۲۵۰ نفر از جمله ۲۷ کودک و نوجوان و دستگیری چندین هزار نفر است. این خیزش گسترده که برخی آنرا انقلاب نیز می‌خوانند، نام مهسا (ژینا) امینی و شعار نغز «زن، زندگی، آزادی» را جهانی کرده است. امروز به نام مهسا و با شعار «زن، زندگی، آزادی» در پنج قاره جهان مردم برای حمایت از خیزش مردم و همبستگی با زنان ایران و علیه جمهوری اسلامی به خیابان آمده‌اند. رویدادی کاملاً بی‌سابقه که نشان از گستردگی این حرکت و تاثیرگذاری جهانی آن دارد.

در کشورهای غربی دولت‌ها مجبور به پیروی از افکار عمومی هستند. هر دولتی هر چند سال یکبار باید عملکرد خود را در انتخابات به رای افکار عمومی بگذارد. قدرت افکار عمومی در صندوق‌های رای نهفته است. افکار عمومی به دولتی که به نظراتش احترام نگذارد و انتقادهایش را نپذیرد، رای نمی‌دهد. خیزش زنان و مردان ایرانی در هفته‌های گذشته، با شهامت راسخ و قدرتی که از خود نشان داده

نامه شاهزاده رضا پهلوی به سازمان ملل متحد: از ایجاد کمیسیون تحقیق برای بررسی جنایات جمهوری اسلامی حمایت کنید!



بلندی از دیگر جرائم ضد بشری. متأسفانه تا امروز، سازمان ملل در ایجاد یک کمیسیون تحقیق برای شناسایی مسئولیت فردی اشخاصی که عامل و آمر چنین اعمال سوءای بوده‌اند، ناکام بوده است. همانطور که قربانیان دیگر در جهان از بررسی در خور جنایات صورت گرفته علیه خود بهره‌مند شده‌اند، مردم ایران نیز سزاوار چنین تحقیقاتی هستند.

دادگاه‌های ایران قادر به اجرای عدالت نیستند؛ چرا که خود ابزاری برای سرکوب، و تحت پیگرد قرار دادن افراد بی‌گناه هستند؛ در حالی که به مرتکبان جنایت، اجازه فرار از پاسخگویی را می‌دهند.

ناکامی سازمان ملل در اقدام عملی، تنها معافیت جمهوری اسلامی از مجازات را استمرار بخشیده و این رژیم را به ظلم بیشتر علیه مردم ایران تشویق کرده است. این رویه‌ای است که مردم ایران طی سال‌های متمادی از آن رنج برده‌اند. در این لحظه تاریخی که مردم ایران خواهان حقوق بنیادین‌شان تحت لوای «زن، زندگی، آزادی» هستند، ما خواهان آنیم که سازمان ملل متحد نیز در کنار این مردم که برای آزادی و اعاده حیثیت‌شان مبارزه می‌کنند بایستد.

آن روز به زودی فرا خواهد رسید که مرتکبان این جنایات یا در مقابل دادگاه‌های عادلانه در یک ایران دموکراتیک، یا دادگاه کیفری بین‌المللی محاکمه شوند. یک کمیسیون تحقیق سازمان ملل می‌تواند زمینه را برای آن روز فراهم کند، و مشوق جوانان دلیری باشد که هر روز کشته یا شکنجه می‌شوند، فقط به این دلیل که می‌خواهند با آنها همچون انسان‌های دارای حقوق رفتار شود. جناب آقای دبیرکل، بالاترین مراتب احترام من را پذیرا باشید.

رضا پهلوی

۳ اکتبر ۲۰۲۲ (۱۱ مهر ۱۴۰۱)

متأسفانه تا امروز، سازمان ملل در ایجاد یک کمیسیون تحقیق برای شناسایی مسئولیت فردی اشخاصی که عامل و آمر چنین اعمال سوءای بوده‌اند، ناکام بوده است. همانطور که قربانیان دیگر در جهان از بررسی در خور جنایات صورت گرفته علیه خود بهره‌مند شده‌اند، مردم ایران نیز سزاوار چنین تحقیقاتی هستند.

ناکامی سازمان ملل در اقدام عملی، تنها معافیت جمهوری اسلامی از مجازات را استمرار بخشیده و این رژیم را به ظلم بیشتر علیه مردم ایران تشویق کرده است. این رویه‌ای است که مردم ایران طی سال‌های متمادی از آن رنج برده‌اند. در این لحظه تاریخی که مردم ایران خواهان حقوق بنیادین‌شان تحت لوای «زن، زندگی، آزادی» هستند، ما خواهان آنیم که سازمان ملل متحد نیز در کنار این مردم که برای آزادی و اعاده حیثیت‌شان مبارزه می‌کنند بایستد.

عالی جناب آنتونیو گوترش،
دبیرکل سازمان ملل متحد،

با احترام از شما درخواست می‌کنم تا از ایجاد یک کمیسیون تحقیق در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به منظور بررسی مسئولیت مقامات جمهوری اسلامی در نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر علیه شهروندان ایرانی- که جهان طی روزهای اخیر شاهد آن بوده است- حمایت کنید. به ویژه که این جنایات علیه معترضان انجام می‌گیرد که آغاز جنبش‌شان برای دادخواهی قتل مهسا (ژینا) امینی بود؛ قتلی که به دست پلیس به اصطلاح اخلاقی و به اتهام عدم رعایت قوانین زن‌ستیزانه مربوط به حجاب اجباری رخ داد.

نه خشونت جمهوری اسلامی علیه معترضان مسالمت‌جو امر تازه‌ای است؛ و نه کارنامه تکان‌دهنده این رژیم در اعدام‌های خودسرانه، شکنجه زندانیان سیاسی، و فهرست

این حزب را افزایش دهد. در هر صورت باید به نیمه پر لیوان نگرست و در این لحظات مهم تاریخی توجه به نیمه خالی را به زمان مناسب سپرد.

نقش فعال ایرانیان برون مرز

در این میان، نقش ایرانیان خارج کشور و احزاب مخالف جمهوری اسلامی را، گذشته از سمت و سوی سیاسی آنها، نمی‌توان نادیده گرفت. در کمت موردی اپوزیسیون کشوری در خارج از مرزهایش چنین گسترده و پر قدرت عمل کرده است. بسیاری از شخصیت‌های سیاسی دوتابعیتی که در کشور محل سکونت خود دارای موقعیت قابل توجهی هستند، از شهردار فرانکفورت تا رئیس پارلمان نروژ، از هنرمندان تا نمایندگان پارلمان در بسیاری از کشورها، از صاحبان صنایع و کارآفرینان تا نام‌های شناخته شده دنیای پر قدرت مجازی که به عنوان «اینفلوئنسر» شهرت دارند، همه در حمایت از مبارزات مردم داخل کشور سنگ تمام گذاشتند. آنها نیز در تغییر سیاست‌های دولت‌های کشورهای محل سکونت‌شان نقشی عمده ایفا کردند.

ایرانیان تبعیدی و مهاجر نیز که به صورت مستمر در چهار هفته گذشته به خیابان آمدند و تظاهرات و تحصن برگزار کردند و قرار است ۲۲ اکتبر در برلین و واشنگتن با دو تظاهرات سراسری در دو قاره اروپا و آمریکا توجه دنیا را به مبارزات آزادیخواهانه‌ی مردم ایران جلب کنند، نقش قابل توجهی ایفا کردند.

جمهوری اسلامی در منگنه

جمهوری اسلامی امروز در منگنه قرار گرفته و از هر سو فشرده می‌شود. در داخل نه تنها اعتراضات ادامه دارند بلکه اعتصابات نیز آغاز شده‌اند. در خارج روز به روز فشارها بر این حکومت غاصب، فاسد، غارتگر و خونریز افزایش پیدا می‌کند. جمهوری اسلامی که اگر بخواهیم از یک اصطلاح ورزشی استفاده کنیم خود را در هم کوبیده در گوشه رینگ می‌بیند، فکر می‌کند با تهدید و رجزخوانی و تلاش جهت بحران آفرینی در منطقه از جمله با درگیری نظامی و یا گروگانگیری می‌تواند راهی برای نفس کشیدن و تجدید قوا پیدا کند. از همین رو در فقط همین یک ماه ۲۳ شهروند خارجی عمدتاً اروپایی را به اتهام واهی «سازماندهی اعتراضات» بازداشت کرده است! سفارت‌های آلمان، فرانسه و بریتانیا نیز متهم به سازماندهی اعتراض‌ها شده‌اند. به گفته یک دیپلمات ایتالیایی، حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در گفتگو با همتای ایتالیایی‌اش به صراحت گفته است اگر شما سیاست تحریم‌ها و فشار را ادامه دهید شهروند ایتالیایی دستگیر شده مدت‌های طولانی در زندان خواهد ماند! احتمالاً وزیر خارجه جمهوری اسلامی دیگر دولت‌های اروپایی را نیز همین‌طور تهدید کرده، چون تقریباً همه دست‌کم یک گروگان در ایران دارند و جان شهروندان‌شان، بر خلاف جمهوری اسلامی، برای آنها اهمیت دارد و مجبور به «احتیاط» هستند.

همین «احتیاط» روز دوشنبه گذشته، در جریان نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ، آنها را «مجبور» ساخت به خاطر مخالفت چند کشور عضو، بیانیه‌ای در محکومیت جمهوری اسلامی صادر نکنند و تنها چند نام را به فهرست تحریم‌ها اضافه نمایند. در اتحادیه اروپا هر تصمیمی باید با موافقت کلیه کشورهای عضو گرفته شود. این تهدیدها و ترس‌ها از سوی جمهوری اسلامی ولی نمی‌توانند تا ابد کارایی داشته باشند. صبر جهان برای تحمل جمهوری اسلامی و سیاست‌های زورگیری و باج‌خواهی آن رو به پایان است. درست همانطور که خود حکومت در مرحله پایانی عمر خود قرار دارد.

احمد رأفت

ریزش و کمبود نیروی سرکوبگر، جمهوری اسلامی را مجبور به استفاده از مزدوران نیابتی و خارجی کرده است!



تظاهرات در خیابان پهلوی تهران / مهرماه ۱۴۰۱

اکنون فلسطین و قدس کجا بود و آیا لبنان وجود داشت؟! «حزب الله لبنان مانند برخی گروه‌های فلسطینی از جمله «جهاد اسلامی» در اوایل دهه هشتاد میلادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران توسط جمهوری اسلامی پایه‌گذاری شدند تا پیشبرنده‌ی اهداف فرقه‌ای و ایدئولوژیک رژیم علیه اسرائیل و غرب و برای صدور و گسترش انقلاب اسلامی باشند. از همین رو حسن نصرالله همواره از ولی‌نعمت خود در تهران دفاع می‌کند و سپاسگزار آن است چرا که توسط حکومت اسلامی تأمین مالی و تسلیحاتی می‌شود تا جایی که هر بار مخالفت خود را با اعتراضات مردم ایران نیز اعلام می‌کند!

نصرالله از تظاهرات کنونی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی نیز انتقاد کرد و گفت: «از هر حادثه‌ای در ایران برای تحریک علیه نظام جمهوری اسلامی سوء استفاده می‌شود... اما جمهوری اسلامی را با وجود این ملت و رهبر نمی‌توانند مغلوب کنند!»

استفاده از نیروهای غیرایرانی و نیابتی برای سرکوب اعتراضات مردم در درجه نخست به این معناست که جمهوری اسلامی با ریزش و کمبود نیرو مواجه است. با اینهمه با توجه به کمبود منابع مالی نتوانسته‌اند آنطور که میل دارد از نیروهای مزدور منطقه‌ای برای کشتن مردم کمک بگیرد. اعضای حزب‌الله و حشدالشعبی و دیگر نیروهای نیابتی که جمهوری اسلامی فکر می‌کند می‌تواند روی آنها حساب کند، در نهایت مزدورانی هستند که با انگیزه‌های مالی مأموریت قبول می‌کنند و مزدور کسانی هستند که بیشتر پرداخت کنند! به ویژه آنکه پس از کشته شدن قاسم سلیمانی جانشین او اسماعیل قآنی که مدت‌هاست هیچ حرفی از او نیست، نتوانست مانند وی رابطه میان سپاه قدس و شبه‌نظامیان و نیابتی‌های منطقه را حفظ کند و تعداد زیادی از آنها از مدار جمهوری اسلامی خارج شده و خودمختار عمل می‌کنند.

بهره‌برداری شده است. کمک‌های جمهوری اسلامی به گروه‌های نیابتی مثل حزب‌الله، حوثی‌های یمن، حماس و دیگر گروه‌های جهادی فلسطینی و شبه‌نظامیان شیعه طرفدار رژیم ایران در عراق بر بیش از یک میلیارد دلار بالغ می‌شود. این در حالیست که مردم ایران در سال‌های اخیر با اوضاع بد اقتصادی و تورم فزاینده و چالش‌های معیشتی مواجه هستند.

در همین ارتباط، موسی غضنفرآبادی رئیس دادگاه‌های انقلاب تهران اسفند ۱۳۹۷ به صراحت گفته بود اگر ما انقلاب را یاری نکنیم، حشدالشعبی عراقی، فاطمیون افغانی، زینبیون پاکستانی و حوثی‌های یمنی خواهند آمد و انقلاب را یاری خواهند کرد!

در این میان، منابع غیررسمی گزارش داده‌اند که نیروهای حزب‌الله لبنان با پروازهایی از بیروت و یا دمشق به ایران منتقل می‌شوند. بعضی نیروهای حشدالشعبی نیز با پروازهایی از نجف به تهران و مشهد آمده‌اند اما اینها نه به عنوان نیروی سازماندهی‌شده بلکه زائر وارد ایران شده و هماهنگی میدانی آنها با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. اغلب آنها کسانی هستند که در جریان جنگ سوریه با «سپاه قدس» همکاری داشتند یا در عراق به عنوان نیروهای سرکوبگر سابقه سرکوب اعتراضات مردم را داشتند و از احزاب و گروه‌های نزدیک به جمهوری اسلامی به شمار می‌روند و البته رایگان برای رژیم ایران آدمکشی نمی‌کنند! تقریباً یک هفته پس از آغاز خیزش سراسری در ایران اعتراضات در عراق نیز آغاز شد. در عراق مردم علیه جمهوری اسلامی شعار می‌دادند. حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در واکنش به این رویدادها گفت «عراقی‌ها چگونه می‌توانند ایستادگی ایران [جمهوری اسلامی] در کنار آنها و باز کردن درب انبارهای سلاح خود برای مبارزه با داعش را فراموش کنند?... اگر ایران [جمهوری اسلامی] نبود

شاهدان عینی می‌گویند مردانی را با لباس شخصی در اعتراضات دیده‌اند که با لهجه عربی در شهرهای مختلف از جمله تهران در کنار صدها نیروی وابسته به پلیس، بسیج و سپاه پاسداران مردم را سرکوب می‌کنند.

موسی غضنفرآبادی رئیس دادگاه‌های انقلاب تهران اسفند ۱۳۹۷ به صراحت گفته بود اگر ما انقلاب را یاری نکنیم، حشدالشعبی عراقی، فاطمیون افغانی، زینبیون پاکستانی و حوثی‌های یمنی خواهند آمد و انقلاب را یاری خواهند کرد!

استفاده از نیروهای غیرایرانی و نیابتی برای سرکوب اعتراضات مردم در درجه نخست به این معناست که جمهوری اسلامی با ریزش و کمبود نیرو مواجه است. با اینهمه با توجه به کمبود منابع مالی نتوانسته‌اند آنطور که میل دارد از نیروهای مزدور منطقه‌ای برای کشتن مردم کمک بگیرد. اعضای حزب‌الله و حشدالشعبی و دیگر نیروهای نیابتی که جمهوری اسلامی فکر می‌کند می‌تواند روی آنها حساب کند، در نهایت مزدورانی هستند که با انگیزه‌های مالی مأموریت قبول می‌کنند و مزدور کسانی هستند که بیشتر پرداخت کنند!

روزنامه «اورشلیم پست» روز یکشنبه ۱۶ اکتبر (۲۴ مهرماه) به نقل از برخی منابع گزارش داد در جریان سرکوب اعتراضات مردم در ایران نیروهایی از حزب‌الله لبنان و حشدالشعبی عراق به نیروهای بسیجی کمک می‌کنند.

شاهدان عینی می‌گویند مردانی را با لباس شخصی در اعتراضات دیده‌اند که با لهجه عربی در شهرهای مختلف از جمله تهران در کنار صدها نیروی وابسته به پلیس، بسیج و سپاه پاسداران مردم را سرکوب می‌کنند.

حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان در اوایل اکتبر موضوعات مربوط به قتل حکومتی مهسا امینی را مبهم خواند و گفت از مرگ وی برای شوراندن مردم علیه حکومت

«نبرد در خیابان‌های ایران» بین مردم و حکومتی که آن را هم کار غربی‌ها و هم ناشی از «نرخ تنزیل» و «مارپیچ نزولی قدرت سلطه» می‌داند!



اعتراضات در تهران مهرماه ۱۴۰۱

هستیم که اساساً به دلیل از دست رفتن قدرت ارباب دشمن است!»

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز می‌نویسد «سه کشور اروپایی عضو برجام، آتش بیار معرکه اغتشاشات هستند». مقامات جمهوری اسلامی سفارتخانه‌های آلمان و انگلیس در تهران را عامل تحریک آشوب‌ها می‌دانند. احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی در دروغ‌های عجیب ادعا کرده «برخی اغتشاشگران در خارج از کشور آموزش دیده بودند... برای یکی از اینها هر ۱۰ تا ۱۵ دقیقه حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیون واریز شده بود!» از سوی دیگر، حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی از دولت‌های غربی خواسته دست از مداخله در امور داخلی ایران بردارند و از اعتراضات حمایت نکنند. همزمان اما فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی به خاطر نقض حقوق بشر و سرکوب معترضان رو به افزایش است و رژیم را که از عواقب آن آگاه است دستپاچه کرده و به وحشت انداخته است.

پایگاه خبری «پولیتیکو» در گزارشی که پنجشنبه ۱۳ اکتبر (۲۱ مهرماه) منتشر شد نوشت «جمهوری اسلامی در هفته جاری با ارسال نامه‌ای خصوصی به گروهی از دیپلمات‌های اروپایی، آنها را به دلیل تلاش برای تصویب تحریم‌های حقوق بشری علیه تهران به خاطر سرکوب مرگبار اعتراضات تهدید کرده است.» در این نامه اعلام شده تصویب تحریم‌ها می‌تواند روابط اتحادیه اروپا با ایران را بهم بزند! این در حالیست که افکار عمومی جهان و ایرانیان خارج کشور از کشورهای اروپایی خواسته‌اند تا سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی را بسته و وابستگان رژیم را از اروپا بیرون کنند! بر زمینه توهمنات بیمارگونه‌ی جمهوری اسلامی درباره وضعیت و موقعیت خود در داخل و خارج است که غلامحسین دهقانی سفیر جمهوری اسلامی در بروکسل، به دیپلمات‌های اروپایی گفته «چنانچه اروپا نکات ظریف وضعیت فعلی را در نظر نگیرد، عواقب آن وخیم خواهد شد و روابط دوجانبه ممکن است دوام نیاورد!»

با اشاره به اعتراضات داخل ایران می‌گوید «این نردی است که از درون خیابان‌های شهرهای ما تا واشنگتن، نیویورک، لندن، تل‌آویو، ریاض و امثال این پایتخت‌ها امتداد دارد.» حسین سلامی توضیح داده «درگیری [فقط] در نقاط مجرایی در نقاط مختلف شهرهای ما جاری نیست، [بلکه] در مساحت عظیمی از این عالم جریان دارد.» سلامی همچنین گفته «اتفاقاتی که امروز در درون کشور ما جاری است ظهور عینی بزرگترین تقابل بین انقلاب اسلامی و نظام در حال افول سلطه است!» او در اینباره نیز توضیح داده «جوهره اصلی این تقابل راهبردی، تقابل چهل و آگاهی است!» نکته‌ای که البته درست است اما وی جای «چهل» و «آگاهی» را عوضی گرفته است!

فرمانده کل سپاه پاسداران سپس می‌افزاید: «منشاء و ریشه این ناآرامی‌ها بطور دقیق بر اساس داده‌های اطلاعاتی دقیق در کانون و قلب نظام سلطه نهفته است.» به این ترتیب او مدعی است که اعتراضات مردم در داخل ایران برنامه‌ای است که از بیرون طراحی شده است. حسین سلامی ظاهراً فارغ‌التحصیل رشته مکانیک از دانشگاه «علم و صنعت» است و همواره در سخنرانی‌های خود عادت دارد الگوهای ریاضی و فیزیک را که به نظر می‌رسد آنها را نفهمیده، به غلط چاشنی حرف‌های سیاسی و عقیدتی خود کند. اینبار هم ترک عادت نکرد و اتفاقاً به دلیل اینکه در جمع دانشجویان و استادان بسیجی و سهمیه‌ای صحبت می‌کرد، توهمنات ذهنی خود را با چاشنی بیشتری همراه نمود و در توصیف وضعیت عالم هستی گفت «آنچه امروز مشاهده می‌کنید تراکم شکست‌های متوالی و سریالی نظام سلطه طی بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی است. این یعنی یک انتقام متراکم ناشی از انباشتگی شکست‌ها که به مارپیچ نزولی قدرت نظام سلطه انجامیده است!» فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تاکید بر اینکه «حجم واقعی قدرت دشمن در طول زمان کاهش یافته» در ادامه هذیانات خود گفت: «ما با گرادیان بسیار شدید از نرخ تنزیل قدرت نسبت به زمان در نظام استکباری مواجه

● سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تأیید اینکه در خیابان‌های ایران نبرد جریان دارد گفته «اتفاقاتی که امروز در درون کشور ما جاری است ظهور عینی بزرگترین تقابل بین انقلاب اسلامی و نظام در حال افول سلطه است.»

● حسین سلامی ظاهراً فارغ‌التحصیل رشته مکانیک از دانشگاه «علم و صنعت» است و همواره در سخنرانی‌های خود عادت دارد الگوهای ریاضی و فیزیک را که به نظر می‌رسد آنها را نفهمیده، به غلط چاشنی حرف‌های سیاسی و عقیدتی خود کند. اینبار هم ترک عادت نکرد و اتفاقاً به دلیل اینکه در جمع دانشجویان و استادان بسیجی و سهمیه‌ای صحبت می‌کرد، توهمنات ذهنی خود را با چاشنی بیشتری همراه نمود و در توصیف وضعیت عالم هستی گفت «آنچه امروز مشاهده می‌کنید تراکم شکست‌های متوالی و سریالی نظام سلطه طی بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی است. این یعنی یک انتقام متراکم ناشی از انباشتگی شکست‌ها که به مارپیچ نزولی قدرت نظام سلطه انجامیده است!» «ما با گرادیان بسیار شدید از نرخ تنزیل قدرت نسبت به زمان در نظام استکباری مواجه هستیم!»

● احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی در دروغی عجیب ادعا کرده «برخی اغتشاشگران در خارج از کشور آموزش دیده بودند... برای یکی از اینها هر ۱۰ تا ۱۵ دقیقه حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیون واریز شده بود!»

● جمهوری اسلامی در نامه‌ای محرمانه به چند دیپلمات اروپایی با انتقاد از حمایت آنها از اعتراضات تهدید کرده چنانچه اروپا نکات ظریف وضعیت فعلی [ایران] را در نظر نگیرد، عواقب آن وخیم خواهد شد و روابط دوجانبه ممکن است دوام نیاورد! این در حالیست که افکار عمومی جهان و ایرانیان خارج کشور از کشورهای اروپایی خواسته‌اند تا سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی را بسته و وابستگان رژیم را از اروپا بیرون کنند!

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی

افزایش بازداشت و تهدید به محاکمه با اتهام «نشر اکاذیب» همزمان با گسترش خیزش و پشتیبانی جهانی از مردم ایران



پی مراجعه‌ی دانشجویان به حوزه‌ی ریاست، از موانع پیش آمده اظهار بی‌اطلاعی کرده و طبق رفتار معمول مسئولان، قول پیگیری به دانشجویان داد.

دانشجویان در برخی دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه گیلان نیز پیامک‌های تهدید از سوی دانشگاه دریافت کردند. در این پیامک‌ها تأکید شده که برگزاری هرگونه تجمع در دانشگاه ممنوع است و «دانشجویان خاطی» مورد پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

از سوی دیگر، نهادهای قضائی و امنیتی کارگران در پروژه‌های نفتی و کارخانه‌های بزرگ را نیز زیر فشار امنیتی-قضائی قرار داده‌اند تا از اعتصاب کارگران جلوگیری کنند.

بر اساس گزارش‌ها تا کنون ۱۰۰ نفر از کارگران اعتصاب‌کننده در عسلویه بازداشت شده‌اند. یک منبع آگاه به کیهان لندن گفته که بخشی از کارگران در تجمع و تحصن بازداشت و برخی دیگر پس از پایان تجمع کارگران با یورش و حمله مأموران امنیتی بازداشت شده‌اند.

به گفته این منبع مطلع، حسین سلحشور، رضا کوراوند، امید کوراوند، رسول نوروزی، امین علیزاده، آرمان کاوسی، مهرداد کاوسی، اصلاص سواری، حسن احمدی، صمد رفیعی و ساسان رفیعی از جمله کارگران بازداشت شده در سایت یک پتروشیمی بوشهر در عسلویه هستند که بازداشت شده‌اند.

اعتصاب کارگران در چند پتروشیمی و پالایشگاه با وجود فشارهای امنیتی گسترده شده و امروز دوشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۱ کارکنان فولاد نیریز فارس نیز به اعتصاب پیوستند.

جمهوری اسلامی برای سرکوب خیزش ملی مردم و تفرقه انداختن در همبستگی آنها حتی به حمله مسلحانه به دانش‌آموزان، ضرب و جرح آنها در مدارس و بازداشت کودکان نیز متوسل شده است. ده‌ها دانش‌آموز در شهرهای مختلف بازداشت شده‌اند. سازمان حقوق بشری «هنه‌نگاو» روز یکشنبه از «بروده شدن» دست‌کم پنج دانش‌آموز توسط نیروهای امنیتی در شهرستان سروآباد استان کردستان خبر داد. پروا حسینی، شنیا حسینی، اشکان ابراهیمی، آریا مرادی و مبین مرادی دانش‌آموزان بازداشت شده هستند که فقط یکی از آنها آزاد شده است. وزیر آموزش و پرورش پیشتر بازداشت دانش‌آموزان را تأیید کرده و گفته بود برخی از آنها به کانون‌های اصلاح و تربیت اعزام می‌شوند!

همچنین بازداشت سازمانیافته وکلای دادگستری نیز ادامه دارد. سینا یوسفی، وکیل قاسم بعدی و امیر مهدی پور از وکلای تبریز و عضو کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای آذربایجان شرقی طی روزهای گذشته بازداشت شده‌اند. کانون وکلای آذربایجان شرقی اعلام کرده بود که از بازداشت‌شدگان اعتراضات حمایت حقوقی خواهد کرد.

این تهدیدها در حالی مطرح شده که در پنج‌مین هفته از خیزش ملی مردم علیه جمهوری اسلامی تظاهرات خیابانی در شهرهای مختلف در ساعات مختلف شبانه‌روز ادامه دارد.

سرکوب گسترده و امنیتی شدن فضاهای آموزشی نتوانسته اعتراضات دانش‌آموزان و دانشجویان در مدارس و دانشگاه‌ها را پایان دهد بلکه در روزهای گذشته شمار مدارس و دانشگاه‌هایی که به اعتراضات پیوسته افزایش یافته است.

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در خیابان بطور مسلحانه مردم را سرکوب و هر تعداد را که بتوانند بازداشت می‌کنند. این در حالیست که مقاومت بی‌سابقه مردم در خیابان و اقدام به دفاع مشروع در برابر سرکوبگران، در بسیاری شهرها فضا را به سود معترضان تغییر داده و نیروهای سرکوبگر توان ایستادگی در برابر مردم را ندارند.

جمهوری اسلامی جدا از سرکوب اعتراضات خیابانی، بر بازداشت گسترده و جلوگیری از اعتصاب سراسری کارگران تمرکز کرده است. در حالی که دانشجویان در ده‌ها دانشگاه ایران اعتراضات و تحریم کلاس درس را ادامه می‌دهند، نهادهای امنیتی به دنبال بازداشت هرچه بیشتر دانشجویان نیز هستند.

علیرضا یعقوبی، روزان محمدی، حسین مومنیف مهران رزمان، آسان آدی‌بیگ و امیررضا دوزنده از جمله دانشجویانی هستند که در روزهای گذشته بازداشت شدند.

به گزارش منابع دانشجویی، در برخی دانشگاه‌ها نیز دانشجویان از سوی مدیریت و حراست زیر فشارهای شدید

تعلیقی و منع ورود به خوابگاه قرار دارند. برای نمونه دانشجویان دانشگاه خواجه‌نصیر گزارش داده‌اند که مسئولین این دانشگاه سعی در سرکوب و توقف تجمع و اعتصاب دانشجویان دارند و شب گذشته طی تماس تهدیدآمیز با حدود ۴۰ تن از دانشجویان، آنها را به ساختمان حراست مرکزی احضار کردند که در صورت عدم مراجعه، حق ورود به دانشگاه از آنان سلب خواهد شد.

همچنین صبح امروز با چک کردن کارت دانشجویی در ورودی این دانشگاه، طبق لیست حراست، دانشجویان شرکت‌کننده در اعتراضات از ورود به دانشگاه منع شدند. در ادامه دانشجویان معترض به دفتر حراست برده شده و دانشجویان خوابگاهی را از خوابگاه محروم و اخراج کرده و حدود ۶۶ دانشجو را در آستانه‌ی تعلیق دو ترم معادل یکسال تحصیلی قرار دادند!

این گزارش می‌افزاید برخی دیگر از دانشجویان شناسایی شده توسط حراست با انتقال به دفتر حراست فیزیکی مرکزی و ارباب، مجبور به امضای تعهد مبنی بر عدم فعالیت و شرکت در اعتراضات شدند و دانشجویان شهرستان‌های دیگر تهدید به بازگردانده شدن به شهر محل اقامتشان شدند.

این در حالیست که خشنود رئیس دانشگاه خواجه‌نصیر در

● سخنگوی قوه قضائیه: با کسانی که مرتکب اعمال جنایی شده و اساس کار هستند و قتل و غارت و تخریب به وجود آوردند قوه قضائیه با کمال اقتدار برخورد عتبات آموزش خواهد کرد.

● جمهوری اسلامی جدا از سرکوب اعتراضات خیابانی، بر بازداشت گسترده و جلوگیری از اعتصاب سراسری کارگران تمرکز کرده است.

● دانشجویان در برخی دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه گیلان نیز پیامک‌های تهدید دریافت کردند که برگزاری هرگونه تجمع در دانشگاه ممنوع است و «دانشجویان خاطی» مورد پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

● اعتصاب کارگران در چند پتروشیمی و پالایشگاه با وجود فشارهای امنیتی گسترده شده و امروز دوشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۱ کارکنان فولاد نیریز فارس نیز به اعتصاب پیوستند.

شمار بازداشت معترضان در خیابان، دانشجویان، دانش‌آموزان و کارگران در روزهای گذشته افزایش یافته است. سخنگوی قوه قضائیه با تهدید افرادی که به اظهار نظر درباره اعتراضات و حمایت از خیزش مردمی می‌پردازند اعلام کرده که «نشر اکاذیب» به قصد «تشویش اذهان عمومی» مجازات دارد.

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضائیه امروز دوشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۱ در یک برنامه تلویزیونی با بیان اینکه در مقررات مختلف از جمله قانون مجازات اسلامی به موضوع نشر اکاذیب توجه شده گفته که «این موضوع به وسیله نامه، شکوائیه یا عرایض، گزارش و هرگونه اوراق خطی صورت گیرد تعریف خاص خود را دارد. اکاذیب جمع است و اگر مفرد هم باشد آنهایی که مبادرت به ابراز سخن کذب کنند بعد از فصل الخطاب بودن و بعد از اینکه همه چیز مشخص است و بالتبع هیجانات و تشویشی ایجاد کنند و افرادی را به میدان بیاورند این موجب می‌شود که خللی در مسئله امنیت کشور ایجاد شود و این افراد باید پاسخگوی اقدام خود باشند.»

به گفته مسعود ستایشی با اشاره به اعتراض‌های هفته‌های گذشته در ایران گفته «اعتقاد ما این است که برخوردها با عناصر اصلی و کسانی که اغفال شدند باید مدبرانه، هوشمندانه، عبرت‌آموز و بازدارنده باشد. تفکیک را شروع کردیم و عملاً هم صورت گرفته است. بیش از هزار نفر که در یک روز بازداشت شده بودند در یک بازه آزاد شدند.»

سخنگوی قوه قضائیه البته نگفته آزادی کسانی که بازداشت می‌شوند بطور موقت و تا زمان برگزاری دادگاه است و اغلب آنها با سپردن وثیقه یا قرار کفالت آزاد می‌شوند. مسعود ستایشی در ادامه گفته «با کسانی که مرتکب اعمال جنایی شده و اساس کار هستند و قتل و غارت و تخریب به وجود آوردند قوه قضائیه با کمال اقتدار برخورد عتبات آموزش خواهد کرد.»

سخنگوی قوه قضائیه البته نگفته آزادی کسانی که بازداشت می‌شوند بطور موقت و تا زمان برگزاری دادگاه است و اغلب آنها با سپردن وثیقه یا قرار کفالت آزاد می‌شوند. مسعود ستایشی در ادامه گفته «با کسانی که مرتکب اعمال جنایی شده و اساس کار هستند و قتل و غارت و تخریب به وجود آوردند قوه قضائیه با کمال اقتدار برخورد عتبات آموزش خواهد کرد.»

سخنگوی قوه قضائیه البته نگفته آزادی کسانی که بازداشت می‌شوند بطور موقت و تا زمان برگزاری دادگاه است و اغلب آنها با سپردن وثیقه یا قرار کفالت آزاد می‌شوند. مسعود ستایشی در ادامه گفته «با کسانی که مرتکب اعمال جنایی شده و اساس کار هستند و قتل و غارت و تخریب به وجود آوردند قوه قضائیه با کمال اقتدار برخورد عتبات آموزش خواهد کرد.»



دیدار نازنین بنیادی هژمند و بازیگر ایرانی- بریتانیایی با مقامات آمریکایی

آیا دولت بایدن در حمایت از خیزش مردم ایران جدی است؟ اعتراف دیرهنگام باراک اوباما: عدم حمایت از اعتراضات سال ۸۸ در ایران اشتباه بود!

اوباما رئیس جمهوری وقت آمریکا، به سرکوب معترضان به نتایج انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی در ایران واکنش نشان نداد و از اعتراضات حمایت نکرد آنهم در حالی که معترضان در ایران او را بطور مستقیم خطاب قرار داده و شعار می‌دادند: «اوباما اوباما، یا با اونا یا با ما!» اوباما اما در عمل جانب «اونا» و رژیم را گرفت.

یک مقام ارشد کاخ سفید که خواست نامش فاش شود، در اینباره به «واشنگتن پست» گفت: «کاخ سفید این مرتبه حواسش بود تا از همان ابتدا موضع محکم‌تری اتخاذ کند و در عین حال مراقب است توجه جهان را از اعتراضات مردم ایران منحرف نکند.»

در همین ارتباط باراک اوباما در مصاحبه‌ای با اشاره به رویکرد دولتش در عدم حمایت علنی از اعتراضات سال ۸۸ گفت: «با نگاه به گذشته، این رویکرد اشتباه بود.» وی افزود: «الان که به عقب نگاه می‌کنم به نظر آن دید اشتباه بود. هروقت برای مردمی که خواهان آزادی هستند بارقه‌امیدی به وجود می‌آید، ما باید از آنها حمایت کنیم و همراهی‌مان را ابراز کنیم.»

هرچند وزارت خزانه‌داری آمریکا یک هفته پیش در واکنش به سرکوب اعتراضات در ایران هفت مقام جمهوری اسلامی از جمله احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی، عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات، وحید مجید رئیس پلیس سایبری، حسین رحیمی رئیس پلیس تهران، حسین ساجدی‌نیا معاون عملیات نیروی انتظامی، یدالله جوانی معاون سیاسی سپاه پاسداران و حسین نجات معاون «قرارگاه ثارالله» سپاه پاسداران را در فهرست تحریم‌ها قرار داد اما به نظر می‌رسد با وجود اظهارات مقامات و تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی اما افکار عمومی همچنان نسبت به حسن نیت دولت بایدن در مورد حمایت از اعتراضات در ایران مردد و بی‌اعتماد است به ویژه آنکه این بی‌اعتمادی به نقش آمریکا و اروپا در سرنگونی حکومت پهلوی و حمایت از خمینی و روی کار آوردن جمهوری اسلامی بر می‌گردد.

بر اساس گزارش مؤسسه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای»، اعمال ناقص تحریم‌های دولت بایدن بر تجارت غیرقانونی نفت ایران به رژیم اجازه داده است که در دو سال گذشته بیش از ۱۵ میلیارد دلار به نیروهای نیابتی نظامی و تروریستی خود تزریق کند.

اینهمه در حالیست که اعتراضات مردم ایران معامله بگرام و بازی سیاست بین‌المللی در ارتباط با جمهوری اسلامی را بهم ریخته و توجه جهان را به خود جلب کرده است. اعتراضاتی که شعارهای آن به مباحثت علیه حکومت اسلامی و برای تغییر رژیم و رسیدن به آزادی و دموکراسی است.

به آنها بگوید چه ببوشند.» البته زیر پا گذاشتن حقوق زنان ایران توسط جمهوری اسلامی نه تازه و نه فقط مربوط به حجاب و پوشش است. اعتراضات کنونی نیز با شعارهای خود این را به صدای بلند از زبان زن و مرد و پیر و جوان و حتی کودک اعلام می‌کند.

بایدن همچنین هشدار داد: «حکومت ایران باید به خشونت علیه شهروندان خود پایان دهد تا آنها به حقوق اولیه خود برسند... می‌دانید، من مدت‌هاست که در سیاست خارجی تجربه دارم، مرگ مهسا امینی مرا بهت‌زده کرد. آنچه در ایران بیدار شده فکر نمی‌کنم تا مدت‌ها آرام بگیرد.»

همسو با حمایت دولت آمریکا از صدای آزادخواهانه مردم ایران، نازنین بنیادی بازیگر سرشناس ایرانی- بریتانیایی و از حامیان اعتراضات با حضور در کاخ سفید با مقامات ارشد ایالات متحده از جمعه کاملاً هریس معاون بایدن، آنتونی بلینکن وزیر خارجه و جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار رابرت مالی مستول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا و یکی از حامیان پر و پاقرص معامله اقی با ملاها نیز حضور داشت.

کاملاً هریس در این ملاقات ضمن اعلام حمایت خود از زنان و دختران شجاع ایرانی گفت: «دولت آمریکا در کنار این زنان و سایر مبارزان خواهد بود تا جهان، صدای آنها را بشنود و ضمن تسهیل دسترسی ایرانیان به اینترنت آزاد مقامات جمهوری اسلامی را نسبت به اقدامات وحشیانه در سرکوب معترضان پاسخگو کند.»

جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید هم درباره دیدارش با نازنین بنیادی در توییته نوشت: «آمریکا بار دیگر تأکید می‌کند که دولت بایدن در کنار زنان شجاع و همه شهروندان ایران که در حال حاضر برای تأمین حقوق اولیه خود و در برابر خشونت و سرکوب، به خیابان‌ها آمده‌اند ایستاده است.»

پیش از این وندی شرمین معاون وزیر خارجه آمریکا در دیداری آنلاین با تعدادی از شرکت‌های اینترنتی از آنها خواست از مجوز تازه دولت جو بایدن برای ارائه خدمات و ابزارهای ارتباطی اینترنتی به مردم ایران استفاده کنند.

همزمان روزنامه «واشنگتن پست» در گزارشی نوشت که دولت بایدن تلاش می‌کند از طریق ارسال پیام‌های عمومی دلگرم‌کننده و تشویق شرکت‌های فناوری اینترنتی به توسعه و ارائه خدمات خاص، از اعتراضات ضدحکومتی در ایران حمایت کند.

در این میان، مقامات ارشد کاخ سفید گفته‌اند از اعتراضات سال ۸۸ در ایران درس گرفته‌اند. در آن زمان دولت باراک

● جو بایدن در کالیفرنیا: «حکومت ایران باید به خشونت علیه شهروندان خود پایان دهد تا آنها به حقوق اولیه خود برسند... می‌دانید، من مدت‌هاست در سیاست خارجی تجربه دارم، مرگ مهسا امینی مرا بهت‌زده کرد. آنچه در ایران بیدار شده فکر نمی‌کنم تا مدت‌ها آرام بگیرد.»

● همسو با حمایت دولت آمریکا از صدای آزادخواهانه مردم ایران، نازنین بنیادی بازیگر سرشناس ایرانی- بریتانیایی و از حامیان اعتراضات با حضور در کاخ سفید با مقامات ارشد ایالات متحده از جمعه کاملاً هریس معاون بایدن، آنتونی بلینکن وزیر خارجه و جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید دیدار و گفتگو کرد.

● مقامات ارشد کاخ سفید گفته‌اند از اعتراضات سال ۸۸ در ایران درس گرفته‌اند. در آن زمان دولت باراک اوباما رئیس جمهوری وقت آمریکا، به سرکوب معترضان به نتایج انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی در ایران واکنش نشان نداد و از اعتراضات حمایت نکرد آنهم در حالی که معترضان در ایران او را بطور مستقیم خطاب قرار داده و شعار می‌دادند: «اوباما اوباما، یا با اونا یا با ما!» اوباما اما در عمل جانب «اونا» و رژیم را گرفت.

● باراک اوباما رئیس جمهوری پیشین آمریکا: «الان که به عقب نگاه می‌کنم به نظر آن دید اشتباه بود. هروقت برای مردمی که خواهان آزادی هستند بارقه‌امیدی به وجود می‌آید، ما باید از آنها حمایت کنیم و همراهی‌مان را ابراز کنیم.»

با گذشت نزدیک به یک ماه از آغاز خیزش سراسری در ایران به نظر می‌رسد دولت جو بایدن مجبور شده در حمایت از صدا و خواست مردم ایران کمی جدی‌تر اعلام موضع کند.

رئیس جمهوری آمریکا که یکی از اولویت‌های او در سیاست خارجی معامله اقی با رژیم ایران بود حالا در موقعیتی قرار گرفته که نمی‌تواند اعتراضات ضدحکومتی در ایران را نادیده بگیرد. بایدن در جریان سفر به کالیفرنیا در واکنش به خواست ایرانیانی که خواهان حمایت کامل آمریکا از معترضان و توقف مذاکره با جمهوری اسلامی هستند، به جمعیت اشاره کرد و گفت که آنجا پلاکارد «ایران آزاد» را می‌بیند و افزود «می‌خواهم بدانید که ما واقعاً در کنار شهروندان و زنان شجاع ایران هستیم.»

رئیس جمهوری ایالات متحده با اشاره به اینکه معترضان در ایران «برای حفظ حقوق اساسی خود تظاهرات می‌کنند» به سرکوب مردم به ویژه اذیت و آزار زنان اشاره و تأکید کرد «زنان باید بتوانند آنچه را می‌خواهند ببوشند. هیچکس نباید

اعتراضات مردم ایران و بن‌بست‌های امنیتی رژیم



● دخالت مستقیم شخص خامنه‌ای در توصیه به سرکوب اعتراضات پس از آن صورت گرفت که نیروهای امنیتی با هر آنچه در اختیار داشتند برای از میدان به در کردن معترضان ناتوان شده و نتوانستند صدای ایرانیان را خاموش کنند.

● رژیم اسلامی تلاش می‌کند تا از مقوله‌های ایدئولوژیک و مذهبی برای رویارویی با معترضان بهره برد چرا که در جبهه امنیتی شکست خورده و سرکوب فزاینده در روزهای اخیر نه تنها خیزش را متوقف نکرد بلکه دایره آن را به یک عصیان عمومی گسترش داده است.

مصطفی فصیح (شرق الاوسط) - معترضان ایرانی با شجاعت و پشتکار اولین ماه اعتراضات خود را در میدان‌ها و خیابان‌های شهرهای بزرگ و کوچک این کشور در چالشی که از زمان استقرار جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹ تا کنون برای دستگاه‌های امنیتی رژیم بی‌نظیر بوده به پایان رساندند.

علیرغم برخورد شدید دستگاه‌های امنیتی با معترضان، دستگاه‌های امنیتی رژیم تا کنون نتوانسته‌اند اعتراضات را مهار یا گسترش دایره آن را محدود کنند. ناکامی و سردرگمی درون نهادهای نظام در اظهارات روز چهارشنبه گذشته سیدعلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در دیدارش با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوه قضائیه و نهادهای امنیتی نظام نیز که برای پیگیری وضعیت و اتخاذ تدابیر مناسب انجام گرفت، مشخص بود. وی در این دیدار خواستار برخورد متفاوت با شرکت‌کنندگان در تظاهرات شد.

رهبر رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر شخصاً بطور مستقیم برای اشراف و نظارت بر دستگاه‌های امنیتی در عملیات سرکوب مردم معترض ایران وارد عمل شد.

دخالت مستقیم شخص خامنه‌ای در توصیه به سرکوب اعتراضات پس از آن صورت گرفت که نیروهای امنیتی با هر آنچه در اختیار داشتند برای از میدان به در کردن معترضان ناتوان شده و نتوانستند صدای ایرانیان را خاموش کنند.

ادامه اعتراضات آزادیخواهانه و حق خواهی مستمر به اشکال مختلف که ثبات سیاسی رژیم را تهدید کرده، برای خیزش جدید دستاوردهایی داشته که می‌تواند آن را به یک انقلاب واقعی متفاوت با اعتراضات قبلی فرا رویاند.

مخالفان کنونی رژیم که هسته اصلی آن را زنان با حق خواهی جهت آزادی و برابری تشکیل می‌دهند، برای رژیمی که نبردی درونی برای دفاع از اصولگرایی خود به راه انداخته، یک نگرانی ساختاری و هویتی ایجاد کرده به ویژه آنکه اکنون شکاف عمیقی بین جنبش برابری حقوق زنان و طبقه متوسط و جنبش دانشجویی جامعه ایران با نظام ایدئولوژیک افراطی شکل گرفته است. شکافی که حتی اپوزیسیون خودی معتقد به حفظ ماهیت رژیم اسلامی را نیز وادار به انتقادات تند از عملکرد رژیم کرده و عوامل سیاسی و فرهنگی رژیم را ناگزیر به بحث درباره چگونگی حفظ آن کرده است.

اختلافات عمیق داخل راهروهای بسته رژیم باعث ظهور منتقدانه محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه سابق رژیم در برابر جمعی از عناصر وابسته به نظام در دانشگاه تهران یعنی در سنگر تظاهرات اعتراضی شد! ظریف گفت، «حتماً اشتباه می‌کنیم اگر فکر کنیم که می‌توانیم مردم را نادیده بگیریم. تصور اینکه مردم را با خشونت می‌توان حفظ

بن‌بستی که به دلیل انتخاب راه امنیتی با آن مواجه خواهد شد این است که هر زن ایرانی را به یک دشمن برای رژیم تبدیل خواهد کرد. اکنون هر زن ایرانی در خیابان، لباسی را که رژیم می‌خواهد بر او تحمیل کند، نمی‌پوشد. از این به بعد زنان ایرانی با مخالفت علنی و عملی خود با نوع پوشش نظام اسلامی و عدم پابندی به آن، مورد آزار و اذیت سیستماتیک رژیم قرار خواهند گرفت و به یک هدف قانونی برای سرکوب توسط نیروهای امنیتی رژیم تبدیل خواهند شد. این مسئله سطح رویارویی را گسترش خواهد داد زیرا آزار و اذیت زنان خشم اعضای دیگر خانواده شامل برادران، پسران و پدران را نسبت به عناصر امنیتی رژیم افزایش داده و آنها را ناچار به دفاع از زنان بیش از پیش وارد میدان خواهد کرد.

رژیم اصولگرایی حاکم در تهران از نظر ایدئولوژیک در یک سردرگمی محض بسر می‌برد و دستگاه‌های امنیتی آن نیز در برابر خیزش گسترده مردم گیج شده‌اند. بنابراین مقامات رژیم به بالا بردن برچسب و اتهام علیه معترضان تا حد خیانت و توطئه متوسل شده‌اند.

رژیم اسلامی تلاش می‌کند تا از مقوله‌های ایدئولوژیک و مذهبی برای رویارویی با معترضان بهره برد چرا که در جبهه امنیتی شکست خورده و سرکوب فزاینده در روزهای اخیر نه تنها خیزش را متوقف نکرد بلکه دایره آن را به یک عصیان عمومی گسترش داده است.

*منبع: روزنامه شرق الاوسط

*نویسنده: مصطفی فصیح

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

کرد تصویرست که خداوند به پیامبرش هم گفته تو هم نمی‌توانی!»

مشکل رژیم جمهوری اسلامی اما این است که یک نظام دینی مبتنی بر مجموعه‌ای از قوانینی است که به اعتقاد رژیم مقدس و غیر قابل نقد یا تغییر است. بنابراین حتی افرادی مثل محمدجواد ظریف اگر به مواضع مثلاً منتقد البته دلسوز رژیم ادامه دهند، ممکن است سرنوشتی مشابه دیگر عناصر رژیم مانند فائزه رفسنجانی داشته باشند. فائزه رفسنجانی دختر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی سابق و یکی از بنیانگذاران نظام نیز اخیراً به دستور قوه قضائیه به اتهام «تبانی و اخلاف در نظم عمومی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» بازداشت شد.

محمدجواد ظریف در ظهور منتقدانه اخیر خود حتی جرأت نکرد از برخی حقوق عمومی معترضان حمایت کند. او از مطرح کردن خواست‌های معترضان اجتناب ورزید زیرا به نظر می‌رسد از سرنوشت دختر رفسنجانی درس گرفته باشد. با اینهمه اذعان کرد که روش و راه حلی که جمهوری اسلامی برای رویارویی با اعتراضات اخیر در پیش گرفته، اشتباه است.

اما تصمیم‌گیرندگان رژیم فضیلت اعتراف به اشتباه را ندارند. آنها معترضان را در خطا و باطل و خود را «حق» می‌بینند به همین دلیل برای حل بحران گزینه امنیتی را ترجیح می‌دهند و در نهایت راه حل امنیتی باعث عمیق‌تر شدن شکاف بین معترضان و رژیم خواهد شد. با این حال، رژیم اسلامی ترجیح می‌دهد که در این مرحله سیاست مشت آهنین را علیه مردم معترض به کار گیرد. ولی همزمان

جنگ با عثمانی

دوران تازه‌ای از جنگهای ایران و عثمانی آغاز شد. وظیفه دفاع از مرز و بوم شیعیان در برابر خلیفه عثمانی، این بار برعهده افغانان سنی‌مذهب قرار داشت. دولت عثمانی هرچند خود را نسبت به عهدنامه مسکو مورخ هشتم ژوئیه ۱۷۲۴ متعهد نشان می‌داد ولی با درگذشت پتر کبیر، در نظر داشت از فرصت برای تسلط بر قسمت بیشتری از خاک ایران استفاده کند.

عهدنامه روس و عثمانی در شش ماده تنظیم و امضاء شده بود بدین قرار:

ماده اول - خط مرزی میان عثمانی و روسیه از بیست و دو فرسنگ دریای خزر، در مرز داغستان شروع می‌شود و با همان فاصله نسبت به دریا، از «دریبنده» می‌گذرد و سپس در هفت فرسنگ ساحل، از «شماخی» عبور می‌کند و از آنجا به خط مستقیم تا ملتقای دو رودخانه «کورا» و «ارس» می‌رسد... طرفین می‌توانند در مجاورت مرزهای خود استحکاماتی بنا کنند مشروط بر آن که یکدیگر را قبلاً از تصمیم خود باخبر سازند و آن استحکامات را لااقل در سه فرسنگ مرز مشترک بسازند.

ماده دوم - شماخی، مرکز ایروان، دارای استحکامات نخواهد بود و از طرف ترکه‌ها پادگان نخواهد داشت. در صورتی که واقعه‌ای غیر مترقب، مانند شورش، رخ دهد و سلطان مجبور شود قشونی برای استقرار نظم به آنجا بفرستد، قبل از آن که قشون از رود کورا عبور کند باید به روسها اطلاع دهد و پس از استقرار آرامش، قوای خود را فرا بخواند. سلطان تعهد می‌کند که سپاه خود را از هیچ نقطه این رودخانه در گرجستان بدون اطلاع مأمورین دولت تزاری در سواحل بحر خزر عبور ندهد.

ماده سوم - خط مرزی میان عثمانی و ایران از ملتقای رودخانه‌های کورا و ارس شروع می‌شود و از سه میلی اردبیل در طرف تبریز می‌گذرد و از همدان که با نواحی اطراف آن به ملکیت سلطان درمی‌آید، عبور می‌کند و سپس به کرمانشاه که آن هم از متصرفات دولت عثمانی خواهد بود، محدود می‌شود.

ماده چهارم - تزار روسیه به سلطان عثمانی قول می‌دهد که میان ایران و عثمانی وساطت کند تا ایالاتی را که قرار است به موجب بند سوم این معاهده متعلق شود، از ایران مسترد و ضمیمه خاک خود کند. در صورتی که این وساطت مؤثر واقع نشد تزار برای تأمین مقصود، دولت عثمانی را یاری خواهد داد. تزار روس و سلطان عثمانی سرزمینهایی را که قرار است به آنها تعلق گیرد، متقابلاً تضمین می‌کنند. در صورتی که شاه طهماسب ثانی با این تقسیم‌بندی موافقت کرد، دو کشور تعهد می‌کنند سرزمینهای متعلق به خود را تصاحب کرده بقیه خاک ایران را با استقلال کامل به وی وانهند.

ماده پنجم - سلطان متعهد می‌شود به مجرد این که شاه طهماسب دوم ایالات مندرج در ماده سوم را به عثمانی واگذار کند، او را به عنوان پادشاه ایران بشناسد، برای تنفیذ و تثبیت سلطنت وی از هیچگونه کمکی دریغ نوزد، و نیز چنانچه شاه طهماسب ثانی به غاصبان اعلان جنگ دهد، قوای روسیه و عثمانی مشترکاً در کنار وی قرار خواهند گرفت و در راه نشستن بر تخت نیاکان یاری‌اش خواهند داد. ماده ششم - هرگاه طهماسب با مواد این عهدنامه موافقت نکند، دولتین عثمانی و روسیه پس از تصرف ایالاتی که به آنان تعلق می‌گیرد، نظم و آرامش را در ایران برقرار خواهند ساخت و تاج و تخت این کشور را به کسی که بیش

کالبدشکافی یک طغیان (۲۲)

(کیهان لندن شماره ۱۱۰۰-۱۱۲۵)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵

بازنشتم

احمد احرار



علیمردان خان حاکم لرستان

از دیگران شایسته تصدی مقام سلطنت باشد خواهند سپرد. سپس نسبت به این پادشاه بر همان روال که با پادشاهان پیشین عمل می‌کردند رفتار خواهند کرد و به هیچ وجه در امور دولت او مداخله نخواهند کرد.

عهدنامه، در زمان تاجداری محمود امضاء شده بود و به موجب یکی از ضامنه آن، می‌بایستی نقشه مرزی با نظارت نماینده‌ای از سوی فرانسه - که در فراهم ساختن مقدمات عهدنامه نقش مؤثر داشت - تهیه و مرزها علامت‌گذاری شود ولی با مرگ پتر و انتقال سلطنت روسیه به کاترین اول - دربار عثمانی از تعیین دقیق خطوط مرزی ظرفه می‌رفت و هدفش این بود که با خریدن وقت، قسمتهای بیشتری از خاک ایران را متصرف شود.

«باب عالی» پس از آن که عبدالعزیز، فرستاده اشرف را با پاسخی تند به نامه او روانه اصفهان کرد از سو در خاک ایران وارد عملیات نظامی شد. احمدپاشا حاکم بغداد فرماندهی عملیات را در نواحی غرب ایران برعهده گرفت و عبدالله کپرولو پاشا حاکم وان فرماندهی جبهه شمال را.

در ماه مه ۱۷۲۵ عبدالرحمن بیگ، فرزند عبدالله کپرولو، با سپاهی که پدرش زیر فرمان وی قرار داده بود به جانب تبریز تاخت و طی درگیریهای پراکنده با ایرانیان، شهر مرند و قلعه زَنُوَر را تصرف کرد. تبریز به محاصره عسکریان عثمانی درآمد ولی به سستی در برابر دشمن مقاومت به خرج داد. مردم تبریز تصمیم گرفته بودند تا آخرین نفر و آخرین نفس بایستند و از شهر خود دفاع کنند. تبریزیانی که قدرت حمل اسلحه و شرکت در عملیات نظامی داشتند اموال گرانبهائی خود را همراه با اعضای خانواده به اردبیل و آستارا و نواحی کوهستانی نزدیک به گیلان فرستادند و آماده نبرد شدند.

عبدالله کپرولو چون احساس کرد کار از پسرش ساخته نیست، با هفتاد هزار مرد جنگی به سوی تبریز حرکت کرد. دربار عثمانی برای تقویت قوای کپرولو پاشا به یازده هزار تاتار و نیز قوای زیر فرمان یگیلربیگی آتاتولی فرمان داد او را یاری دهند. تبریز از نیمه ماه ژوئیه به محاصره سپاه

عثمانی درآمد. مصطفی خان، حکمران تبریز، برای آن که با عوارض مصیبت‌بار محاصره طولانی مواجه نشود، منتظر نماند و دست به عملیات تعرضی زد. هدف او، فرسوده کردن قوای دشمن و ممانعت از ساختن استحکامات نظامی بود. یک سال پیش از آن، کپرولو در عملیات مشابهی از تبریزیان شکست خورده و کارایی آنان را در جنگ آزموده بود. چون دریافت که حریف چه خیالی در سر دارد دست به اقدامی نزد و میدان را باز گذاشت و فرصت داد تا افواج ایرانی هرچه بیشتر از شهر بیرون آیند. آنگاه با شدت به آنها حمله برد.

جنگ سختی درگرفت. ایرانیها دلیرانه پایداری می‌کردند و چون به هر دو طرف کمک می‌رسید، نبرد یک روز تمام ادامه یافت. به هنگام غروب، ایرانیها که توان مقاومت در برابر انبوه لشکریان و قدرت توپخانه دشمن را نداشتند به سوی شهر عقب نشستند. عساکر عثمانی آنها را تعقیب کردند و به جنگ تن به تن پرداختند و هر دو سپاه، که با هم مخلوط شده بودند، جنگ را به داخل شهر گشاندند. ترکان عثمانی با آن که دروازه شهر را در اختیار داشتند در هر محله با مقاومت اهالی روبرو می‌شدند که سنگربندی کرده و سرسختانه به دفاع ادامه می‌دادند. در طول چهار شبانه‌روز جنگ بدون انقطاع، ترکه‌ها موفق شدند هفت محله تبریز را یکی پس از دیگری به ترک مقاومت وادارند. تنها دو محله باقی مانده بود که حدود بیست هزار مرد جنگی در آنجا سنگر گرفته بودند و چون مقاومت را بی‌فایده می‌دیدند با فرماندهی قشون مهاجم وارد مذاکره شدند و به توافق رسیدند که اسباب و لوازم خود را بردارند و به اردبیل بروند. جنگ تبریز، یکی از خونین‌ترین جنگهای ایران و عثمانی بود. در این جنگ سی هزار تن از ایرانیان و بیست هزار تن از ترکان به خاک هلاک افتادند. بسیاری از فرماندهان ارشد ترک در بین کشته‌شدگان دیده می‌شدند.

در جبهه دوم، احمد پاشا لرستان را متصرف شد. علیمردان خان حاکم لرستان که بیش از پانزده هزار سرباز در اختیار نداشت نمی‌توانست با لشکریان انبوه احمدپاشا درگیر شود. ناگزیر، همراه با اهالی خرم‌آباد، شهر را تخلیه کرد و به خوزستان عقب نشست. دروازه‌های خرم‌آباد بدون کمترین مقاومت به روی احمدپاشا گشوده شد ولی فرمانده ترک وقتی قدم به شهر نهاد آن را همانند شهر اموات یافت. جنبه‌های نمی‌جنبید و جمعیتی در شهر نمانده بود.

پس از تسخیر لرستان، پاشای موصل از سوی احمدپاشا مأمور تصرف بختیاری شد. صفی‌خان حاکم بختیاری، برخلاف حاکم لرستان، تصمیم به مقاومت گرفت. با تمامی سپاهانش به مقابله برخاست و داخل جنگ شد و در نهایت امر شکست خورد. پاشای موصل پس از این پیروزی، به سوی اصفهان راند و در بیست و چهار فرسنگی اصفهان موضع گرفت.

اشرف، نگران از سقوط اصفهان، به سرعت دست به کار شد. به مجرد آن که از پیشرفت سپاهیان ترک در لرستان و حرکت قوای احمدپاشا به سوی بختیاری، که آشکارا نشانه تعرض به اصفهان بود، آگاهی یافت به قصد تحکیم مواضع دفاعی پایتخت دستور داد برج و باروی جدیدی در داخل شهر بسازند و بر گرد آن خندقی حفر کنند تا هرگاه برج و باروی اصلی سقوط کرد، مانع دیگری بر سر راه دشمن وجود داشته باشد. او همچنین دست به تخریب دهکده‌هایی زد که بر سر راه لشکر عثمانی قرار داشت تا دشمن را با سرزمین سوخته و کمبود آذوقه روبرو سازد. آنگاه قشونی آراست و فرماندهی آن را خود به عهده گرفت و از شهر بیرون شد و در شش فرسنگی اصفهان اردو زد.

در شماره آینده: قتل شاه سلطان حسین

معمایی به نام هویدا (۶)



نوشته دکتر عباس میلانی

پیام شاه، بعد از تشکیل دولت نظامی همانند
پیاده روی لوئی شانزدهم بود

بازشم

آنان که شاه را به ایراد این سخنرانی واداشتند دانسته یا ندانسته گامی بلند در راه پیروزی انقلاب و شکست رژیم پهلوی برداشتند
هویدا پیشنهاد سفارت در بلژیک را نپذیرفت و ترجیح داد که درایران بماند
(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد تا مهرماه ۱۳۸۰ شماره‌های ۸۷۷-۸۶۱)

دکتر عباس میلانی، متن انگلیسی کتاب خود را با عنوان Persian Sphinx انتشار داد.

«اسفنکس» در اساطیر نام يك موجود افسانه‌ایست با کله انسان و اندام شیر که بر دروازه شهری نشسته بود و هر کس می‌خواست وارد شهر شود مجبور بود به معمایی که او مطرح می‌کرد پاسخ دهد. اگر پاسخ صحیح بود، اجازه ورود می‌یافت و الا سرش به باد می‌رفت.

این کلمه اما به معنی شخص پیچیده و مرموز وارد زبانهای اروپایی شده و به کسانی اطلاق می‌شود که نمی‌توان از اسرار و افکارشان سر درآورد.

آیا هویدا واقعا چنین پدیده‌ای بود و باقی ماندن او در مقام نخست وزیری به مدت سیزده سال يك معماست؟ قضاوت در این مورد با خواننده کتاب است که به لطف شش سال کار نویسنده و گفتگوی او با دوستان و دشمنان و مخالفان و موافقان هویدا، با شخصیت وی از زوایای مختلف آشنایی پیدا می‌کند.

چنان که قبلا نوشتیم، هرآینه آگاهان و صاحبان نظر در باره این کتاب و مندرجات آن نظری داشته باشند ما استقبال می‌کنیم به شرط آن که هدف، روشنتر شدن موضوعات و کمک به تصحیح و تکمیل تاریخ باشد.

دکتاب Persian Sphinx که حاصل زحمت شش ساله دکتر عباس میلانی است از چگونگی فروریختن نظام مشروطه پادشاهی و برقراری جمهوری اسلامی در ایران سخن می‌رود که محاکمه و اعدام امیرعباس هویدا یکی از پیامدهای ناگوار و ناگزیر آن بود. در این شماره به روی کارآمدن دولت نظامی و نطق معروف شاه (شنیدن پیام انقلاب مردم) می‌رسیم...

شاه در پاسخ به تاریخ خود به این مسأله به شکلی غیرمستقیم اشاره می‌کند. می‌گوید: «ژنرالها می‌خواستند با زور حکومت قانون را از نو درخیا بانها برقرارکنند. امروز می‌دانم که اگر آن روزها به ارتش اجازه تیراندازی می‌دادم، خونی که از مردم می‌ریخت صدها برابرکمتر از خونی بود که از زمان تاسیس رژیم به اصطلاح اسلامی ریخته شد. ولی حتی این واقعیت هم مشکل اصلی مرا حل نمی‌کند. پادشاه نمی‌تواند با ریختن خون مردم تاج و تخت خود را حفظ کند.» سوی بی رغبتی شاه، عامل مهم دیگری نیز در آن زمان کاربرد خشونت را دشوارتر کرد. دولت‌های آمریکا و انگلیس هر دو به کرات و به تصریح به شاه گفته بودند که دولت ایران باید در برابر خواستها و تظاهرات مردم نرمش و انعطاف نشان دهد. در مقاطع مختلف و مهمی هر دو دولت، یا دست کم جناح‌هایی از هرکدام از دو دولت، بر ضرورت تداوم فرایند دمکراسی در ایران تاکید کرده بودند. می‌گفتند دولت ایران نباید از خشونت استفاده کند. برای نمونه، در اواسط آذر ۱۳۵۷، شاه به سفیر آمریکا گفت که،



امیر عباس هویدا با همسرش لیلا امامی

ادامه دهند و فضای [پراشوب] چند ماه آخر را به‌راستی آرام و اصلاح کنند. ولی در هر حال می‌توان گفت فرایند بهبود اوضاع ازهم اکنون آغاز شده است.»

ولی به دلایلی که روشن نیست – و شاید تنها زمانی روشن خواهد شد که به تمام آرشیوهای دولت ایران و انگلیس و آمریکا دسترسی بتوانیم یافت – پس از مدتی کوتاه، دولت سیاست سرکوب و مشت‌های کوبنده را وا گذاشت. به علاوه ثابتي هم که معمار اصلی این سیاست بود از کاربر کنار شد و به فاصله کوتاهی ایران را ترک گفت. شب قبل از عزیمتش، او به دیدار هویدا رفت. هویدا مایوس به نظر می‌رسید. می‌گفت «به گمانم شاه دیگر دست از مبارزه برداشته، برکناری تو نشان آن است که دیگر نمی‌خواهد بجنگد.» درعین حال آن شب هویدا نکته جالب دیگری نیز طرح کرد. گویی آینده خود را درآینه حوادث می‌دید. به ثابتي رو کرد و گفت: «شاه اجازه داد تو از ایران بروی چون می‌دانست جلوی دهان تو را نمی‌تواند بگیرند. اما او از من نصیری مطمئن است و به همین خاطر ما را برای روز مبادا نگاه داشته.» آن روز مبادا چندان هم دور نبود و برکناری ثابتي در حکم هشدار جدی به هویدا و نشان وخامت روز افزون وضع رژیم بود.

از سوی دیگر، دولت هم دایم میان سیاست سرکوب و سازش نوسان می‌کرد. يك روزمخالفان را بازداشت می‌کرد و روز دیگر، از موضعی آشکارا ضعیف، به هرامتیازی که همین مخالفان می‌خواستند تن در می‌داد. تا این که

سه نحوه برخورد یکسره متفاوت با مخالفان را در دست مطالعه دارد. می‌گفت یا باید يك دولت ائتلافی ایجاد کند، یا تسلیم خواستهای مخالفان شود و مملکت را ترک گوید و یا يك دولت نظامی سرکار بیاورد و سیاست سرکوب و «مشت‌های کوبنده» را پیش گیرد. سفیر آمریکا در طول مذاکرات متعدد خود با شاه همواره او را تشویق کرد که به تشکیل يك دولت ائتلافی همت کند. به دیگر سخن، آمریکا از سیاست سرکوب جانبداری نمی‌کرد و شاه هم نمی‌خواست بدون موافقت آمریکایی‌ها به چنین سیاستی اقدام کند. در هر حال دراوایل آوریل، همان طور که دیدیم، شاه به شکلی محدود با طرح عملیاتی ساواک موافقت کرد. ساواک هم به محض دریافت اجازه شاه وارد کار شد. در فاصله چند ساعت، بیش و کم تمام سیصد نفری را که شاه در کنار نامشان علامت ضرب گذاشته بود، بازداشت کردند. تاثیر این بازداشت‌ها فوری بود. موج تظاهرات رو به کاهش نهاد. دوباره گزارشی از سفارت آمریکا نشان می‌داد که «به رغم برخی درگیریهای متفرقه... اخیراً آرامشی نسبی جانشین هرج و مرج و شلوغیها شد.» در قسمت دیگری از همین گزارش به مسأله بازداشت این چند صد نفر اشاره شد و سپس سالیوان، که نویسنده اصلی گزارش بود، با لحنی محتاط و خوش بینانه، درباره آینده نوشته بود و به این نتیجه رسیده بود که به رغم کاهش ابعاد خشونت و تظاهرات، دولت «هنوز نجات کامل پیدا نکرده. رهبران سیاسی، مانند وزیر دربار، هویدا، باید کماکان با دقت و فراست به فعالیت‌های خود

به گناهان گذشته خود واقف است و به خاطرشان از بارگاه مردم استغفار می‌طلبد. درعین حال، مورخان هم اغلب براین قول‌اند که هیچ چیز به اندازه همین «پیاده روی استغفار طلبانه» برچیده شدن بساط دودمان بوربن‌ها را تسریع و قطعی نکرد. سخنرانی روز بعد از انتصاب ازهاری هم به گمان من از جنم همین «استغفار طلبی»‌ها بود و پیامدی مشابه داشت. نه تنها مضمون سخنان شاه، که لحن و نحوه بیان آن نیز رقت بار بود و از ضعف سیاسی مطلق رژیم حکایت می‌کرد و با ضعف شخصی تمام به زبان می‌آمد. به گمان من آنان که شاه را به ایراد این سخنان واداشتند و آنان که متی سخنرانی را تدارک کردند، دانسته یا ندانسته، گام بلند و برگشت‌ناپذیری درشکست رژیم پهلوی

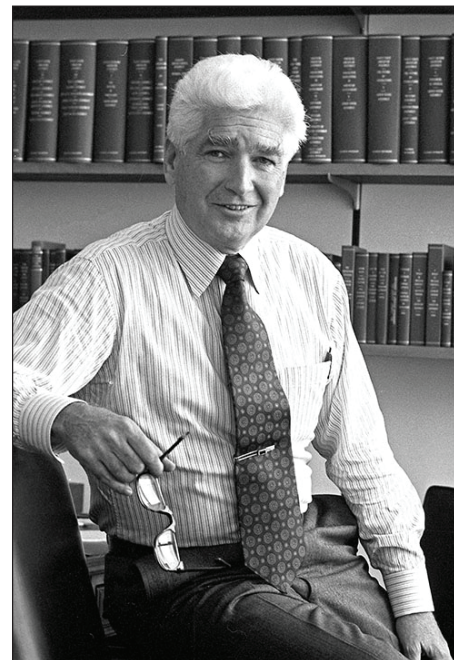
اقوامش می‌گفت کناره‌گیری‌اش از وزارت دربار نتیجه مستقیم تحریکات اردشیر زاهدی است. هویدا معتقد بود که زاهدی شاه را متقاعد کرده که تنها راه توافق و تفاهم با روحانیون میانه‌رو همانا برکناری هویدا از وزارت دربار است.

البته در آن زمان دیگر رژیم به مفهوم واقعی در چنبر هرج و مرج و نابسامانی کامل گرفتار بود. ظرف چند ساعت سیاست سازش و باج دادن‌های شریف امامی به سیاست «حکومت قانون» و سرکوب جدی مخالفان بدل شد. یک دولت نظامی جانشین دولت «وحدت ملی» شریف امامی شد. بسیاری از مشاوران شاه معتقد بودند ریاست دولت جدید را باید به غلامعلی اویسی سپرد. او که به خاطر

→ سرانجام در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ ارتش در میدان ژاله گروهی از مردم را به گلوله بست. با این کشتار در سازش و راه حل مسالمت آمیزگویی یک باره بسته شد. شب قبل، دولت درتهران حکومت نظامی اعلان کرده بود. وقتی در روزی که به «جمعه سیاه» شهرت گرفت، ارتشیان به استناد همین حکومت نظامی، به مردمی که در میدان جمع شده بودند دستور تفرق دادند، مردم، شاید به عمد و شاید هم به سهو و به لحاظ بی اطلاعی از اعلان حکومت نظامی از اجرای فرمان سرپیچیدند و سربازان هم آتش گشودند و عده‌ای را که رقم دقیق آن هرگز روشن نشد. به هلاکت رساندند. دیری نپائید که این کشتار به یکی از مهمترین و کارآمدترین اساطیر انقلاب بدل شد.



اردشیر زاهدی در کنار محمدرضا شاه پهلوی



ویلیام هیلی سالیوان (آخرین سفیر آمریکا در ایران)

و پیروزی انقلاب برداشتند. وقتی شاه می‌گفت: «من نیز پیام انقلاب شما را شنیدم»، وقتی قسم می‌خورد که دیگر قانون شکنیها و فساد و خفقان گذشته را برنخواهد تابید، حال و هوای چهره‌اش، صدای لرزانش، چشمان غم زده‌اش همه به حالات انسان گناهکاری می‌مانست که در برابر ذات احدیت زانوی استغفار برزمین زده است.

روزی که هویدا از وزارت دربار استعفا داد، شاه پست سفارت ایران در بلژیک را به او پیشنهاد کرد. شاه در پاسخ به تاریخ به این نکته اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ولی هویدا که هنوز هم مورد احترام من بود، آماج اصلی حملات مخالفین بود، گرچه هدف واقعی خود من بودم. اندکی بعد از این ماجرا به هویدا پیشنهاد کردم به خارج برود و سمت سفارت ایران در بروکسل را بپذیرد.» هویدا در آن جلسه نه پیشنهاد شاه را پذیرفت، نه آن را رد کرد. چند روزی فرصت خواست تا جوانب کار را بسنجد. با برخی از دوستان و اقوامش مشورت کرد و سرانجام به این نتیجه رسید که پست سفارت را قبول نکند و در ایران بماند.

دنباله دارد

نقشش در ماجرای میدان ژاله به «قصاب تهران» شهرت گرفته بود، در افکار و انظار عمومی، افسری پرهیبت و خوف آور بود. اگر مراد از برگردن یک حکومت نظامی ایجاد رعب و وحشت در میان مردم بود، اگر منظور این بود که در سایه همین ترس و واهمه آرامشی برقرار گردد و هرج و مرج و بی‌تدبیری دولت به پایان برسد، آنگاه بدیهی به نظر می‌رسید که اویسی، دقیقاً به خاطر سوابقش و به لحاظ شهرتش به عنوان «قصاب تهران»، بهترین کاندید کار بود. اما شاه به دلایلی که روشن نیست، در عوض، ازهاری را به نخست‌وزیری برگزید و او ساخته برای این کار نبود و طولی نکشید که به مضحکه‌ای بدل شد.

عجیب تر از انتخاب ازهاری نطقی بود که شاه روز بعد از روی کار آمدن دولت نظامی ایراد کرد. به گمان من هیچ چیز به اندازه این سخنرانی حالت روحی نابسامان شاه و بی‌تدبیری و بی‌منطقی سیاستهای آن روزهای آشفته‌اش را نشان نمی‌داد. می‌گویند در آستانه انقلاب فرانسه، لویی شانزدهم در روز ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹، به سودای تسکین خشم خروشان ساکنان پاریس پیاده از کاخ مسکونی خود راهی مجلس شد. می‌خواست از این راه بگوید که به راستی

حربه‌ای بود سخت موثر برای بسیج و برای تهییج توده مردم. می‌گویند هر انقلاب و حرکت اجتماعی توده‌ای، محتاج اسطوره‌ای است. می‌گویند توده مردم را به ظاهر نه شعور و خرد، که شعار و اسطوره به حرکت وامی‌دارد. انقلاب ایران هم از این قاعده مستثنی نبود و «جمعه سیاه» در کنار ماجرای «سینما رکس آبادان»، به دو اسطوره موثر انقلاب بدل شدند. دولت در آن زمان سخت کوشید که مسئولیت سینما رکس و کشتار میدان ژاله را متوجه روحانیون کند، ولی تلاشهای یکسره ناکام ماند. درعوض، نیروهای مخالف به راحتی توانستند مردم را متقاعد کنند که هیچ کس جز دولت و شاه مسئول این کشتارها نیست. امروزه که بیش از بیست سال از انقلاب می‌گذرد، هنوز هم مسأله مسئولیت سینما رکس و شمارکشته‌شدگان میدان ژاله، و مسئول اصلی این کشتار در هاله‌ای از ابهام و پرده پوشی فرومانده است.

روز بعد از «جمعه سیاه»، هویدا از پست وزارت دربار استعفا کرد. بعدها برنامه‌ای که از زندان به خارج فرستاد ادعا کرد که علت اصلی استعفاش اعتراض به کشتار میدان ژاله بود. اما در همان زمان استعفا به برخی از دوستان و

مارچ سیمپسون هم در دفاع از مبارزات مردم ایران و علیه جمهوری اسلامی، خیابان را ترک نمی‌کند!



گمانه‌زنی‌های اولیه، گویا این شهردای میلان نبود که نقاشی اولی را حذف کرد، بلکه حدس زده می‌شود این عمل شبانه توسط عناصری از کنسولگری جمهوری اسلامی انجام گرفته است؛ اگرچه هیچ نهادی تا کنون جرئت قبول مسئولیت این عمل را بر عهده نگرفته است. دیپلمات‌های جمهوری اسلامی تلاش کردند که نقاشی دوم را نیز حذف کنند و عکاسان و فیلمبردارانی را که برای به تصویر کشیدن این نقاشی دوم در مقابل کنسولگری جمع شده بودند تهدید کردند. البته این کارمندان کنسولگری برای دور ساختن آنها به پلیس هم متوسل شدند چون احتمالاً فکر می‌کردند که پلیس ایتالیا نیز در خدمت آنها است. این رفتار غیرقابل قبول آنها در رسانه‌های ایتالیا انعکاس پیدا کرد.

آلساندرو پالمبو در ادامه گفتگو با کیهان لندن در رابطه با انتخاب شخصیت کارتون مارچ می‌گوید: «مارچ و تمام خانواده سیمپسون از سال ۲۰۱۲ حق ورود به ایران را ندارند. مقامات جمهوری اسلامی نه تنها از پخش این سریال کارتون جلوگیری کردند بلکه فروش اشیائی با تصاویر این فامیل محبوب در سراسر جهان را نیز ممنوع اعلام کردند و آنرا سریالی غیراخلاقی می‌دانند که می‌تواند تأثیر منفی روی کودکان و نوجوانان داشته باشد. من فکر کردم از آنجا که مارچ از ایران اخراج شده بنابراین در این روزها چاره‌ای ندارد که چون ایرانیانی که مجبور به زندگی در خارج از کشورشان هستند در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در یک کشور دمکراتیک دست به اعتراض بزنند و به ایرانیان داخل کشور بگویند من هم با وجود دوری با شما هستم!»

آلساندرو پالمبو که نام شناخته شده‌ای در طنز اجتماعی است و فعالیت‌های هنری‌اش بر حقوق بشر و برابری انسان‌ها تمرکز دارد و برخی از کارهایش در بخش هنرهای معاصر موزه لوور پاریس نیز به نمایش گذاشته شده‌اند، در پایان می‌گوید «کنسولگری جمهوری اسلامی در میلان به صورت نمادین نزدیک‌ترین محل به ایران است چون بخشی از خاک این کشور به حساب می‌آید و مارچ می‌خواست در حد امکان نزدیک مردم ایران باشد.»

جالب است که تهیه کنندگان این سریال کارتون که برای اولین بار ۱۷ دسامبر ۱۹۸۹ از شبکه تلویزیونی فاکس آمریکا پخش و به دلیل نوآوری و مضامین طنز و تند سیاسی و اجتماعی بلافاصله جهانی شد، دو نقاشی دیواری آلساندرو پالمبو را با ابراز خوشنودی از پیوستن مارچ به اعتراض ایرانی‌ها در شبکه‌های اجتماعی خود بازنشر کردند.

«شما فکر می‌کنید چه کسی مستحق انگشت میانی مارچ است؟ کسی که حتی تحمل یک نقاشی دیواری را ندارد، حکومتی که تحمل اعتراض مردمانش را ندارد. حکومتی که شهروندانش را در خیابان می‌کشد. مارچ سیمپسون به صراحت می‌گوید که در کنار زنان و جوانان ایرانی ایستاده و مانند دختران ایرانی انگشت میانی‌اش را به رژیم این کشور حواله می‌دهد.» البته گفتنی است که شخصیت‌های کارتون سیمپسون همگی چهارانگشتی هستند!

آلساندرو پالمبو در ادامه می‌افزاید «برخلاف



نقاشی اولی که از دیوار کنسولگری جمهوری اسلامی
احتمالاً توسط کارمندان پاک شد

● آلساندرو پالمبو نقاش مارچ سیمپسون بر دیوار کنسولگری جمهوری اسلامی در میلان که ۲۰ سال است تصویری از او دیده نمی‌شود و هرگز در گفتگویی تلویزیونی نیز ظاهر نمی‌شود، به کیهان لندن می‌گوید: «شما فکر می‌کنید چه کسی مستحق انگشت میانی مارچ است؟ کسی که حتی تحمل یک نقاشی دیواری را ندارد، حکومتی که تحمل اعتراض مردمانش را ندارد. حکومتی که شهروندانش را در خیابان می‌کشد. مارچ سیمپسون به صراحت می‌گوید که در کنار زنان و جوانان ایرانی ایستاده و مانند دختران ایرانی انگشت میانی‌اش را به رژیم این کشور حواله می‌دهد.»

● این هنرمند که نام شناخته شده‌ای در طنز اجتماعی است و فعالیت‌های هنری‌اش بر حقوق بشر و برابری انسان‌ها تمرکز دارد و برخی از کارهایش در بخش هنرهای معاصر موزه لوور پاریس نیز به نمایش گذاشته شده‌اند، همچنین توضیح می‌دهد «کنسولگری جمهوری اسلامی در میلان به صورت نمادین نزدیک‌ترین محل به ایران است چون بخشی از خاک این کشور به حساب می‌آید و مارچ می‌خواست در حد امکان نزدیک مردم ایران باشد.»

احمد رفت - اولین نقاشی دیواری آلساندرو پالمبو در نزدیکی ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی در میلان انعکاسی گسترده در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرد. در این نقاشی دیواری مارچ، مادر سریال کارتون سیمپسون که در جهان طرفداران بسیاری دارد، قیچی به دست موهای مشهور خود را در همبستگی با جنبش «زن، زندگی، آزادی» می‌برد. این نقاشی البته ۴۸ ساعت بعد از روی دیوار «غیب» شد. حدس زده می‌شد که شهردار میلان با توجه به اینکه نقاشی روی دیوار بدون اجازه شورای شهر غیرقانونی است اقدام به حذف مارچ از دیوار نزدیک ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی کرده است.

آلساندرو پالمبو ولی دوباره شبانه روی همان دیوار مارچ دیگری نقاشی کرد که اینبار علاوه بر موی چیده شده در یک دست و قیچی در دست دیگر، انگشت میانی خود را نیز با خشم و به عنوان اعتراض بالا گرفته است. کیهان لندن از آلساندرو پالمبو پرسید مارچ سیمپسون انگشت میانی‌اش را در نقاشی دوم به کی یا چه نهادی حواله داده است؟ آلساندرو پالمبو، که ۲۰ سال است تصویری از او دیده نمی‌شود و هرگز در گفتگویی تلویزیونی نیز ظاهر نمی‌شود، پاسخ به این پرسش را با پرسش دیگری پاسخ داد:

«زنان سرزمین ما ایران» حکومت را وادار کردند تابلوی تبلیغاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پایین بکشد!

سیاست‌های آن. افرادی چون پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، بی‌بی بختیاری و... هم که سالها پیش از این حکومت می‌زیسته‌اند نیز هرگز مورد توجه و احترام این نظام نبودند. کاربران ایرانی شبکه‌های اجتماعی جایگزینی هم برای این تصاویر پیدا کرده‌اند که تصویری از زنان سرشناس و موفق ایران و همچنین دخترانی است که نظام جمهوری اسلامی به زندان انداخته، به قتل رسانده و محروم از زندگی کرده است. شدت اعتراضات موجب شد تا مهرداد معظمی روابط عمومی سازمان «اوج» در توجیه این اقدام سودجویانه و فرصت‌طلبانه

تازه‌ترین سوء استفاده مربوط به کمتر از ۲۴ ساعت پیش است که سازمان هنری رسانه‌ای «اوج» دیوارنگاره‌ای با طرحی از مجتبی حسن‌زاده توسط خانه طراحان انقلاب اسلامی تولید و با شعار «زنان سرزمین من ایران» رونمایی کرد. طرح جدید که روز پنجشنبه ۲۱ مهرماه رونمایی شد تصویری از زنان مشهور و شاخص ایرانی را نشان می‌داد که بسیاری از آنها یا مخالف سرسخت حجاب و حجاب جباری بوده و هستند و یا قربانی سیاست‌های حکومت جمهوری اسلامی به شمار می‌روند.

● مرضیه برومند، فاطمه معتمدآریا، ژاله علو، پروانه کاظمی (کوهنورد)، ثریا قاسمی و کاوه سمندریان فرزند مها روستا به محض اطلاع از این اقدام واکنش نشان داده و سریعاً موضع مخالف‌شان را اعلام کردند.
● اکنون در کمتر از بیست و چهار ساعت طرح قبلی با عکس زنان سرشناس کشور از دیوارنگاره حذف شده و تنها شعار وسط آن با عنوان «زنان سرزمین من ایران» روی این دیوار رفته که اینهم دروغ است! جمهوری اسلامی نه تنها زن‌ستیز بلکه بی‌سرزمین نیز هست!



اعلام کند: «ما به عنوان سازمان هنری رسانه‌ای اوج همواره یکپارچگی ایران عزیز را مد نظر قرار داده‌ایم. تصویر دیوارنگاره تلاش کرده برای پاسداشت مقام زن، تعداد اندکی از زنان موفق سرزمین‌مان ایران را معرفی کند. برای این روزها که همه جا حرف از زنان است!»
وی با اشاره به اینکه «همه باید سعه صدر خود را برای ایران بالا ببریم» در ادعایی عجیب و در شرایطی که مردم معترضان فریاد می‌زنند «جمهوری اسلامی نمی‌خوایم نمی‌خوایم» مردم و نظام را مسافران یک کشتی دانسته و گفته این طرح برداشته شده و تصویر جدیدی برافراشته می‌شود!
اکنون در کمتر از بیست و چهار ساعت طرح قبلی با عکس زنان سرشناس کشور از دیوارنگاره حذف شده و تنها شعار وسط آن با عنوان «زنان سرزمین من ایران» روی این دیوار رفته است که البته اینهم دروغ است! جمهوری اسلامی نه تنها زن‌ستیز بلکه بی‌سرزمین است!
گفتنی است آنگونه که منابع مطلع می‌گویند، فقط چاپ بنه‌هایی در ابعاد این دیوار بزرگ میدان «ولیعهد» بطور تقریبی ۵ میلیون تومان هزینه برمی‌دارد و بنابراین می‌توان گفت سازمان اوج فقط در ۲۴ ساعت برای دو بنر ۱۰ میلیون تومان پول چاپ داده و این جدا از هزینه‌هایی مثل طراحی و دیگر مخارج مربوطه است.

در حالی که قتل مهسا امینی بار دیگر سرکوب بی‌امان زنان توسط جمهوری اسلامی را در برابر چشم همه به نمایش گذاشته و طنین شعار «زن، زندگی، آزادی» نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان شنیده می‌شود، سازمان وابسته به سپاه پاسداران و حکومت زن‌ستیز، اینبار هم برای دزدیدن واکنش‌های اجتماعی به نفع خود اقدام کرد که باز به سرعت شکست خورد. ایران درودی، سیمین دانشور، هما روستا، پروین اعتصامی، بدرالزمان قریب، فاطمه معتمدآریا، ثریا قاسمی، حمیده خیرآبادی، مرضیه برومند، مریلا زارعی، توران میرهادی، سیده زهرا حسینی، فروغ فرخزاد، پروانه معصومی، طاهره صفارزاده، مریم میرزاخانی، فاطمه رهبر، بی‌بی‌پروین بختیاری، زهره کودایی و تعدادی دیگر از بانوان ورزشکار و سیاستمدار از جمله چهره‌هایی هستند که عکس‌شان روی دیوارنگاره تبلیغاتی سپاه نقش بست بدون اینکه کسی از آنها یا وابستگان و بازماندگانشان اجازه بگیرد. نکته قابل توجه اینکه افرادی مثل مرضیه برومند، فاطمه معتمدآریا، ژاله علو، پروانه کاظمی، فرخنده صادق (کوهنورد)، ثریا قاسمی و کاوه سمندریان فرزند مها روستا به محض اطلاع از این اقدام واکنش نشان داده و سریعاً موضع مخالف‌شان را اعلام کردند.
اما نکته مهمتر استفاده از چهره‌هایی است که در طول حیات‌شان یا منتقد سرسخت جمهوری اسلامی بودند یا قربانی

● آنگونه که منابع مطلع می‌گویند، فقط چاپ بنه‌هایی در ابعاد این دیوار بزرگ میدان «ولیعهد» بطور تقریبی ۵ میلیون تومان هزینه برمی‌دارد و بنابراین می‌توان گفت سازمان اوج فقط در ۲۴ ساعت برای دو بنر ۱۰ میلیون تومان پول چاپ داده و این جدا از هزینه‌هایی مثل طراحی و دیگر مخارج مربوطه است.
دیوارنگاره بزرگ و غول پیکر میدان «ولیعهد» که از آن به عنوان ویتترین شعارهای نظام یاد می‌شود روز گذشته با تصویر زنان عرصه‌های فرهنگی، هنری، ورزشی، علمی، اجتماعی و سیاسی برافراشته اما به دلیل اعتراض صاحبان تصویر که در قید حیات بودند کمتر از ۲۴ ساعت پایین کشیده شد.
دیواره بلند و عظیم ضلع شمال غربی میدان «ولیعصر» تهران چند سالی است به تصاحب سازمان هنری رسانه‌ای «اوج» درآمد که مؤسسه‌ای شبه‌دولتی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. این دیوارنگاره که برخی از آن به عنوان ویتترین شعارهای تبلیغاتی و مغرزشویی جمهوری اسلامی یاد می‌کنند، در مناسبت‌های مختلف پوسته‌هایی را طراحی می‌کند و در معرض نمایش می‌گذارد. تصویری که با سوء استفاده از مباحث داغ روز، سعی دارد احساسات و عواطف مردمی را تصاحب و غصب کرده و در ظاهر نظام را همسو و هم‌زمان با مردم نشان دهد.

سخنان تکاندهنده و پر از امید دختری که فقط به خاطر شعارنویسی دستگیر و شکنجه شد: دهه هشتادی‌ها شرایط را تغییر خواهند داد!



دیوارنویسی

ون مانند ون‌های دیگر نبود. دو طرف آن نیمکت داشت. بعضی‌ها روی نیمکت و بعضی کف ماشین نشسته بودند. فضای توهین آمیزی بود که از به یاد آوردنش اذیت می‌شوم. هر کس داخل ون می‌شد اول موبایلش را می‌گرفتند. وقتی گفتم موبایل ندارم مرا به باد کتک گرفتند و دستشان را داخل حتا لباس زیرم کردند و گشتند. خیالشان که راحت شد موبایل ندارم پرتم کردند کف ماشین. می‌گفتند این لیدر و دوره دیده است که موبایل همراه ندارد و همین باعث شد با من رفتار بدتری داشته باشند. وقتی پرتم کردند، افتادم روی یک پسر که فکر کنم دوازده سالش هم نبود. گریه می‌کردم و او اشکهای مرا پاک می‌کرد. ولی یکی از لباس شخصی‌ها با اسلحه‌ای که در دست داشت محکم روی دست او کوبید طوری که فکر کردم گونه‌ام شکست. چه برسد به دست آن پسر.

- چرا موبایل همراه شما نبود؟

-مادرم سال‌هاست به شکل‌های متفاوتی با جمهوری اسلامی مبارزه می‌کند. من از بچگی شاهد فعالیت‌های او و اقداماتی که برای حفاظت از خودش می‌کند هستم. مثلاً می‌دانستم در هیچ تظاهراتی کارت بانکی همراه خودش نمی‌برد. برای همین تمام وسایل و حتی کیفم را داخل ماشین گذاشتم. ولی در آن شرایط بد فقط به مادرم فکر می‌کردم. اینکه اگر برای من اتفاقی بیفتد او چه خواهد کرد.

- شما را به کجا بردند؟ آیا بازداشتگاه بود؟

-به نزدیک محلی رسیدیم که اینجا می‌توانم به آن اشاره کنم. دو نفری که میان ما ایستاده بودند فریاد می‌زدند «چشم بسته! سر پایین!» و این را مدام تکرار می‌کردند تا حواس ما پرت شود و متوجه نشویم به کجا می‌رویم. هر کس ذره‌ای سرش را تکان می‌داد به سرش لگد می‌زدند. من جهت‌یابی را آموخته بودم. حدود سرعت ماشین چهل

آزادی و بیان برخی از جزئیات نبود.

- چگونه دستگیر شدید و پس از دستگیری چه برخوردی با شما شد؟

-ماشینم را در محل دیگری پارک کرده بودم. مسیر زیادی را پیاده رفتم و فقط اسپری رنگ همراه داشتم. تمام شب‌های قبل را وسط تظاهرات بودم و اصلاً فکر نمی‌کردم ممکن است برای نوشتن شعار در کوچه‌ای خلوت دستگیر شوم. هنوز «ر» را در شعار «مرگ بر دیکتاتور» تمام نکرده بودم که دستی گردنم را از پشت گرفت. نمی‌دانم یک نفر چقدر می‌تواند دست بزرگی داشته باشد که کل گردن من در دست او جا شود. ولی انگشتانش داشتند بهم می‌رسیدند و احساس خفگی می‌کردم که با همان یک دستش بر روی گردنم مرا عقب کشید و به زمین کوبید. آنقدر سرم درد گرفت که فکر می‌کردم خیس شده و خون آمده. هوا تاریک بود. کف پایش را وسط سینه‌هایم گذاشته و فشار می‌داد و می‌چرخاند. چشم‌هایم تار می‌دید. سعی کردم او را ببینم. صورتش را به یاد دارم. لباس شخصی تنش بود. در دست دیگرش بی‌سیم بود. فریاد می‌زد. فحش‌های رکیک به من می‌داد و وسط فحش‌هایش نام «محمد» را صدا می‌زد. خیلی ترسیده بودم و قلبم زیر پاهای سنگین او تند تند می‌زد جوری که صدای ضربانش را در گوشم می‌پیچید. محمد که رسید گفت این هرزه را تا ماشین ببر. مرا روی زمین کشید و روی پاهای او پرت کرد. محمد لباس نظامی تنش بود. زیر بغلم را گرفت و به جلو کشاند. خیلی به او اصرار کردم ولم کند. او فقط می‌گفت «خفه شو» ولی برخورد بدی با من نکرد. به یک ون سفید که رسیدیم کسی مرا از او تحویل گرفت. محمد سوار نشد. ماشین راه افتاد. بعدها فکر کردم آنها پیاده می‌چرخند و بی‌سیم می‌زنند. هر ماشینی که نزدیک باشد «مجرم» را تحویل می‌گیرد. داخل

● کیهان لندن با دختر بیست ساله‌ای که نام او به دلایل امنیتی محفوظ می‌ماند و در نخستین روزهای اعتراضات سراسری که از ۲۶ شهریورماه یک روز پس از جان باختن مهسا امینی آغاز شد هنگام شعارنویسی در یکی از محلات تهران دستگیر شد، گفتگو کرده است.

● هنوز «ر» را در شعار «مرگ بر دیکتاتور» تمام نکرده بودم که دستی گردنم را از پشت گرفت. نمی‌دانم یک نفر چقدر می‌تواند دست بزرگی داشته باشد که کل گردن من در دست او جا شود. ولی انگشتانش داشتند بهم می‌رسیدند و احساس خفگی می‌کردم که با همان یک دستش بر روی گردنم مرا عقب کشید و به زمین کوبید.

● آتش قبل از هر اتفاقی هم‌قسم شدیم که هر کس توانست نجات پیدا کند انتقام باقی افراد را بگیرد. این به ما یک قدرت عجیب داد. تمام لحظاتی که زیر شکنجه بودم امید و هدفی برای زنده ماندن داشتم.

● ما را داخل گونی انداختند شبیه گونی سبب زمینی؛ گونی کنفی. درش را بستند و معلوم بود هر چند تا را مثل کیسه‌ی زباله داخل آسانسور و رویهم می‌اندازند و به طبقات دیگر می‌برند. فکر کنم ما را چرخاندند. یعنی بالا و پایین می‌بردند و در نهایت به طبقات زیر بردند. آن شب که دیگر باید یک یا دو نصف شب شده باشد، انگار گونی را در استخر یخ می‌انداختند و نمی‌دانم چه مدت نگه می‌داشتند. طوری که تمام بدنم سیر و بی‌حس می‌شد. دوباره بیرون می‌کشیدند و با چوب و چماق می‌زدند و باز همین را تکرار می‌کردند. آتش یکی از ما که گویا مشکل قلبی داشت جان‌اش را از دست داد.

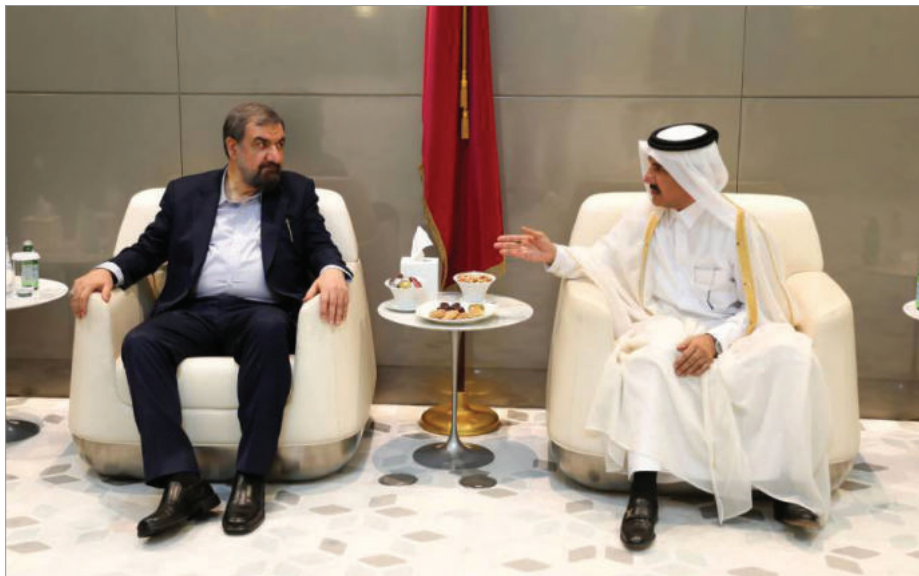
● جامعه‌ای که جمهوری اسلامی می‌خواهد با تربیتی که ما شدیم بسیار تفاوت دارد و من تمایلی ندارم خودم را تغییر دهم اما جامعه را تغییر خواهم داد و به عنوان یک دهه هشتادی این توان را دارم! نه ساله بودم که کفش‌های اسکیت‌ام را که برای پایم کوچک شده بود فروختم و به همراه پولی که آن تابستان جمع کرده بودم تا کفش‌های اسکیت نو بخرم به مادرم دادم تا دستگاه فتوکپی رنگی بخرد و با آن بیانی‌های شاهزاده و شب‌نامه‌هایش را چاپ کند...

فیروزه نوردستروم- عکس‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده نشان می‌دهد که شعارنویسی، شابلون‌نویسی و ضربدر «باطل شد» بر تصاویر مقامات جمهوری اسلامی، سر دادن شعار از پشت پنجره‌ها و بر بام‌ها نیز به شیوه‌های اعتراضات مردم اضافه شده است.

علاوه بر «زن زندگی آزادی / مرد میهن آبادی»، شعارهایی مانند «رضاشاه روح شاد»، «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه»، «مرگ بر خامنه‌ای»، «توپ تانک فشفشه آخوند باید گم بشه» و «مرگ بر دیکتاتور» و همچنین فراخوان حمایت و پیوستن به مردم از مواردی هستند که در دور جدید اعتراضات شهرهای مختلف نیز تکرار می‌شوند.

کیهان لندن با دختر بیست ساله‌ای که نام او به دلایل امنیتی محفوظ می‌ماند و در نخستین روزهای اعتراضات سراسری که از ۲۶ شهریورماه یک روز پس از جان باختن مهسا امینی آغاز شد هنگام شعارنویسی در یکی از محلات تهران دستگیر شد، گفتگو کرده است. وی به دلیل حفاظت از امنیت کسانی که او را نجات داده‌اند، مایل به نحوه‌ی

درخواست دولت آرژانتین از قطر برای بازداشت محسن رضایی از عاملان انفجار مرکز یهودیان آمریکا



دیدار محسن رضایی با شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر

نفر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شدند. دادستان‌های ویژه آرژانتین با ارسال دادخواستی به وزارت خارجه قطر خواستار استفاده از همه اهرم‌های دیپلماتیک برای بازداشت محسن رضایی و هشدار قرمز اینترپل علیه رضایی شدند.

وزارت خارجه آرژانتین همچنین از اینترپل برای دستگیری رضایی درخواست همکاری کرده و سانتیاگو کافایرو وزیر خارجه آرژانتین به سفیر خود در دوحه دستور داده تا فوراً با وزارت خارجه قطر ارتباط بگیرد و وضعیت را گزارش کند. پیش از این دولت آرژانتین به حضور رضایی در مراسم سوگند دانیل اورتگا رئیس جمهوری نیکاراگوئه واکنش نشان داده بود.

● **وزارت خارجه آرژانتین از اینترپل نیز برای دستگیری رضایی درخواست همکاری کرده و سانتیاگو کافایرو وزیر خارجه آرژانتین به سفیر خود در دوحه دستور داد تا فوراً با وزارت خارجه قطر ارتباط بگیرد و وضعیت را گزارش کند.**

دولت آرژانتین از قطر خواسته است محسن رضایی معاون اقتصادی دولت جمهوری اسلامی و فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بازداشت کند. محسن رضایی دوشنبه ۲۵ مهر برای دیدار با شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر به دوحه رفته بود. رضایی متهم به دست داشتن در مه‌گذاری سال ۱۹۹۴ در مرکز یهودیان (آمیا) در بوئنوس آیرس است. در این اقدام تروریستی ۸۵

با دو نفر دیگر به دیدن آمدند. مرا معاینه کرد و گفت این باید برود درمانگاه. ولی هیچ خبری از یک مسکن ساده هم نشد. در آن مدت هیچ غذایی به من داده نشد و فقط دو یا سه بار آب آوردند و یکبار هم بعد از ملاقات با پزشک به من چیزی داده شد که مزه ترش و تلخی داشت. هر چه گفتم میل ندارم مجبورم کردند بخورم.

-اولین تلاش‌هایت برای مبارزه با جمهوری اسلامی کی بوده؟ آیا برای چنین دستگیری و شکنجه‌ای آماده بودی؟

-نه‌توانم دقیق بگویم ولی تا جایی که یادم می‌آید، روسری سر نکردم و عکس‌های بی‌حجاب من میان جمعیت زیادی از شاگردان با مقنعه وجود دارد. جامعه‌ای که جمهوری اسلامی می‌خواهد با تربیتی که ما شدیم بسیار تفاوت دارد و من تمایلی ندارم خودم را تغییر دهم اما جامعه را تغییر خواهیم داد و به عنوان یک دهه هشتادی این توان را داریم! نه ساله بودم که کفش‌های اسکیت‌ام را که برای پایم کوچک شده بود فروختم و به همراه پولی که آن تابستان جمع کرده بودم تا کفش‌های اسکیت نو بخرم به مادرم دادم تا دستگاه فتوکپی رنگی بخرد و با آن بیانیه‌های شاهزاده و شب‌نامه‌هایش را چاپ کند...

بیش تحویل بده» فهمیدم. غیدانم به خاطر سرما بود که دچار توهم شده بودم یا واقعا در این حوض پر از قالب‌های یخ بود که به پایم می‌خورد. ما در این گونی‌ها به حالت جنینی حداقل تا بیست و چهار ساعت ماندیم. یعنی بعد از چند ساعت با همان گونی به حالت نیمه بیهوش گوشه‌ای رها شدیم. وقتی هم به صورت تکی با همان گونی به اتافی پرت شدم، در گونی را که باز کردند چشم جایی را نمی‌دید و نور چراغ اذیتم می‌کرد. در این اتاق که پنجره‌اش آجرچین بود دو نفر از من بازجویی کردند. یک نفر می‌پرسید و دیگری می‌زد و اگر بازجو خودش کتک می‌زد و پرت می‌شدی، آن نفر دیگر بلندت می‌کرد که روی صندلی بنشین! به من خیلی چیزها گفته شد. مثلا می‌گفتند باید بگویم که در گروهی مشغول فعالیت سیاسی هستم. پول گرفته‌ام شعار بنویسم و اسپری رنگ مال من است. شب قبل کرم در گونی آسیب شدید دید و نمی‌توانستم صاف بنشینم. کتکم می‌زدند که صاف بنشینم و تا کج می‌شدم آن مرد از پشت با زانو وسط کرم می‌زد. وقتی از درد بیهوش شدم و خون بالا آورد مرا به یک اتاق تکی بردند. بعد از چند ساعت کسی که ظاهرا پزشک بود

تا پنجاه کیلومتر بود. از لحظه‌ای که سرم را پایین انداختم شروع به شمارش کردم. سر هر پیچ از ابتدا می‌شمردم تا به پیچ بعدی و سمت راست یا چپ بعدی برسیم. می‌دانستم آنها ممکن است راه و بیراه بروند تا ما را گمراه کنند؛ ولی بعدها که مادرم سراغ آن محل رفت تا پیدایش کند، فهمیدم این کار را نکرده بودند. شاید چون فکر می‌کردند ما بچه هستیم و بعید است توانایی جهت‌یابی داشته باشیم.

-یعنی شما آن محل را پیدا کردید؟

-بله. البته حدس می‌زنی که آن محل باشد. خانه‌ای که از بیرون شبیه یک آپارتمان ساده است با پرده و شب‌ها لامپ‌هایش روشن می‌شود. وقتی عکس این خانه را دیدم گفتم نه اینجا نبود. امکان ندارد چون تمام پنجره‌هایی که آنجا دیدم با آجر و یا سیمان مسدود شده بود. ولی مادرم می‌گوید نوری که شب‌ها از پنجره‌های این آپارتمان بیرون می‌آید حالت طبیعی ندارد و انگار از پایین و بالا لامپ‌هایی نامحسوس روشن می‌شود. یعنی نمی‌توان احساس کرد نور از وسط اتاق است. پرده‌ها متفاوت هستند تا طبیعی به نظر برسد. تمام همسایه‌ها در اطرافش عجیب هستند و ترددهایی می‌شود که این خانه را چیزی جز یک آپارتمان معمولی نشان می‌دهد. در هر صورت خانه‌ای که در آن بازداشت بودم، اتاق‌هایی داشت که پنجره‌هایش مسدود بود و بعضی از اتاق‌هایش بدون پنجره بود و دیوارهای آکوستیک و ضدصدا داشت.

-در آن خانه چه بر تو و افراد دیگر گذشت؟ بازجویی به چه شکل بود؟

-قبل از پیاده شدن از ون همانطور که سرمان پایین بود خواستند چشم‌بندهایی را که می‌دهند بزنی. وقتی هم وارد یک راهرو شدید و اجازه داشتیم چشم‌بندها را برداریم. خیلی‌های دیگر جز ما و قبل از ما آنجا بودند. بعضی‌ها را از کلانتری آورده بودند. یعنی پلیس آنها را دستگیر کرده و موقت به کلانتری بردند و بعد تحویل پلیس امنیت داده شدند. ما چند نفری که نزدیک بهم بودیم. آنشب قبل از هر اتفاقی هم‌قسم شدیم که هر کس توانست نجات پیدا کند انتقام باقی افراد را بگیرد. این به ما یک قدرت عجیب داد. تمام لحظاتی که زیر شکنجه بودم امید و هدفی برای زنده ماندن داشتم. مدرک جرمم را که اسپری رنگ بود کاملا انکار کردم و همین زیر بار اعتراف نرفتن با تمام سختی و غیرممکن و دردناک بودنش باعث نجاتم شد.

-چه شکنجه‌هایی...؟

-هر ثانیه در آنجا شکنجه‌ی روانی است. از صدای اذان بلند که با بلندگو پخش می‌شود تا صدای فریاد و شکنجه‌ای از اتاق دیگر و حتی هوایی که وارد بینی و دهان می‌شود نوعی شکنجه است. آنشب فقط یکی دو نفر میان ما حدود سی و پنج یا سی سال داشتند و باقی افراد همه دختران و پسران دوازده، شانزده تا اوایل بیست سال بودند. همه در یک راهرو یکدیگر را دیده بودیم. ما را داخل گونی انداختند شبیه گونی سیب زمینی؛ گونی کفنی. درش را بستند و معلوم بود هر چند تا را مثل کیسه‌ی زیاله داخل آسانسور و رویهم می‌اندازند و به طبقات دیگر می‌برند. فکر کنم ما را چرخاندند. یعنی بالا و پایین می‌بردند و در نهایت به طبقات زیر بردند. آن شب که دیگر باید یک یا دو نصف شب شده باشد، انگار گونی را در استخر یخ می‌انداختند و نمی‌دانم چه مدت نگه می‌داشتند. طوری که تمام بدنمان سیر و بی‌حس می‌شد. دوباره بیرون می‌کشیدند و با چوب و چماق می‌زدند و باز همین را تکرار می‌کردند. آنشب یکی از ما که گویا مشکل قلبی داشت جان‌اش را از دست داد. این را از صدای خودشان که می‌گفتند «مرد

رو هم فعال کنید.»

همچنین رضا شیرازی، مدیرعامل «وب ۲۴» گفت: «همه سرویس‌های ارسال پیامک غیرفعال شدن، این یعنی ثبت نام و ورود کاربران به هزاران فروشگاه اینترنتی از کار افتاده است! حیات صدها هزار کسب و کار اینترنتی با تصمیمات اشتباه، در معرض خطر است. تا کی باید شاهد قطع کردن شریان حیات کسب و کارها باشیم؟»

جمهوری اسلامی طی یک ماه گذشته زبان گسترده‌ای به کسب و کارهای آنلاین وارد کرده و شمار زیادی از فعالان بخش تجارت الکترونیک ایران در آستانه ورشکستگی قرار دارند. اکنون در حالی سیستم ارسال پیامک هم قطع شده که مقامات حکومتی فعالان اقتصادی را به استفاده از پلتفرم‌های داخلی تشویق می‌کنند!

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی به وضعیت کسب و کارهای آنلاین پرداخته و نوشته که قطع اینترنت، تولید در نیمی از بخش‌های اقتصاد ایران را محدود می‌کند؛ بطوری که نرخ رشد اقتصادی بطور چشمگیری کاهش می‌یابد. در اینبار ۴۰ فعال اقتصادی در نظرسنجی «دنیای اقتصاد» آسیب‌های به وجود آمده در بخش تولید طی هفته‌های اخیر را تشریح کردند.

نتایج این بررسی که از شرکت‌های بزرگ تا استارت‌آپ‌ها و در نهایت کسب و کارهای خرد انجام شده، نشان می‌دهد «ادامه حیات در اقتصاد منهای اینترنت، برای فعالان اقتصادی غیرممکن است» و تداوم محدودیت و اختلال در شبکه‌های مجازی، نه تنها اعتبار صنعتگران و تجار در بازارهای جهانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد که این محدودیت اینترنت خود باعث تهدید رشد اقتصادی خواهد شد.

در این گزارش آمده که در پی اختلالات اخیر اینترنت، دسترسی سهامداران به تبادل اطلاعات، اتاق‌های فکر سهام و کلاس‌های آموزشی مرتبط با سهام در فضای مجازی قطع شده است. به این ترتیب محدودیت در دسترسی‌های مذکور باعث کاهش شفافیت در عملکرد بازار سهام شده است.

همچنین تأکید شده که «در بازار مسکن نیز فیلترینگ باعث تشدید ابررکود شده است و بازار سرمایه هم در اقتصاد آفلاین در کوتاه‌مدت از سمت تقاضا، آسیب خواهد دید.»

نتایج بررسی‌های صورت گرفته از سوی «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد اثرگذاری قطع اینترنت بر واحدهای تولیدی از سه مسیر متفاوت است. در مسیر نخست، قطع اینترنت موجب خواهد شد تا محصول در جریان ساخت و تولید دچار مشکل شود و صنعت را از این ناحیه تحت فشار قرار دهد. در مسیر دوم، قطع اینترنت بر تمام فرآیندهای بیرون از کارخانه، اعم از تامین، توزیع، فروش یا دریافت سفارش، ترخیص کالا، قطعات و مواد از گمرک یا مسائل ارزی در بانک مرکزی تاثیر می‌گذارد. سومین ضربه قطع کردن اینترنت به تولید که قطعاً اثرات مخربی نظیر افزایش بیکاری و کاهش رفاه ملی را در پی دارد، افت تقاضا و کاهش تولید در ماه‌های آتی است که زمینه کاهش سود و حتی افزایش زیان تولیدکنندگان را فراهم می‌کند؛ موضوعی که همین حالا در صنعت غذا خود را نشان داده است.

قطع پندل‌های ارسال پیامک به سانسور حکومتی اضافه شد؛ اختلال و قطع اینترنت ادامه دارد!



جیتکس در چند قدمی، ایران سرویس ارسال پیامک خدماتی رو بسته، احتمالاً حرفت را باور نمی‌کنه یا فکر میکنه عقلت رو از دست دادی!»

امیر حق رنجبر مدیرعامل شرکت «لندو» نیز از توقف ثبت وام خبر داد و نوشت: «فعالیت قطع شدن سرویس OTP به معنای توقف فرآیند اعتبارسنجی بانکی است. از ساعت ۱۳ امروز نه تنها هیچ کاربری موفق به ثبت نام نشده بلکه هیچ وام جدیدی امکان صدور ندارد. تبعات قطع سرویس‌های ارسال پیامک بیشتر از تصور است.»

حمیدرضا صالحی از بنیانگذاران استارت‌آپ «آراد» که در زمینه تولید سامانه‌های جامع نرم افزاری فعالیت دارد هم در واکنش به قطع شدن ارسال پیامک نوشت: «چه استفاده‌ای از این پلتفرم‌ها شده که همه رو قطع کردن؟ این تصمیمات عجیب و غریب چرا گرفته میشه؟ فکر کن اپلیکیشن نوشتی و احراز هویت و ورود کاربران صرفاً متکی به پیامکه، این سرویس‌ها حیاتی محسوب میشوند.»

میلاد اسلامی‌زاد از فعالان و کارشناسان تجارت الکترونیک نیز نوشته که «از حساب‌های کاربری خودتان در هیچ اپلیکیشنی (داخلی یا خارجی) خارج نشید. برخی سرویس‌ها (مثل علی‌بابا) امکان تعریف رمز ثابت هم (در کنار رمز پیامکی) دارند. از اونجایی که معلوم نیست این قطعی پیامک‌های OTP تا چه زمانی ادامه پیدا کنه، خوبه که اون

● امروز ۲۳ مهر، از حدود ساعت ۱۰:۰۰ الی ۱۰:۳۰ صبح اینترنت داخلی که جمهوری اسلامی آن را «اینترنت ملی» می‌نامد در همه اپراتورهای موبایل فعال شد و دسترسی به شبکه جهانی در اکثر نقاط کشور قطع است. ● نت بلاکس با تأیید خبر قطع و اختلال اینترنت نوشته که اختلال در اینترنت همزمان با فراخوان‌هایی است که از طرف معترضین برای تجمع منتشر شده بود.

● روز گذشته طبق دستور قضایی تمام پندل‌های ارسال پیامک SMS نیز به استثنای بخش بانکی و دولتی غیرفعال شده‌اند و امکان ارسال پیامک از هیچ سامانه‌ای برای کاربران تا اطلاع ثانوی وجود ندارد.

محدود ساختن ارتباطات شهروندان توسط حکومت از قطع اینترنت فراتر رفته و از روز گذشته پندل‌های ارسال پیامک SMS به استثنای بخش بانکی و دولتی نیز قطع شده و بسیاری از اپلیکیشن‌های داخلی هم از دسترس خارج شده‌اند. همچنین اینترنت موبایل از صبح امروز شبانه ۲۳ مهر ۱۴۰۱ بطور سراسری قطع شده است.

امروز ۲۳ مهرماه از حدود ساعت ۱۰:۰۰ الی ۱۰:۳۰ صبح اینترنت داخلی که جمهوری اسلامی آن را «اینترنت ملی» می‌نامد در همه اپراتورهای موبایل فعال شد و دسترسی به اینترنت جهانی در اکثر نقاط کشور قطع است. شبکه ثابت همچنان به اینترنت متصل اما با کندی و کاهش سرعت آپلود روبروست.

نت بلاکس در تویییتی وجود اختلال گسترده در اینترنت ایران را تأیید کرده است. در این تویییت آمده این اختلال از ساعت ۱۰ صبح به وقت ایران بوده است. در این تویییت آمده اختلال در اینترنت همزمان با فراخوان‌هایی است که از طرف معترضین برای تجمع منتشر شده بود.

گزارش‌ها حاکی از آنست که ایجاد محدودیت برای اینترنت بین‌المللی در کشور، مشکلات فراوانی برای کسب و کارهای آنلاین به وجود آورده اما مقامات جمهوری اسلامی نه تنها محدودیت‌های اینترنتی را پس از یک ماه ادامه می‌دهند بلکه مشکلات جدیدی برای اقتصاد آنلاین به وجود آورده‌اند. روز گذشته طبق دستور قضایی تمام پندل‌های ارسال پیامک SMS به استثنای بخش بانکی و دولتی غیرفعال شده‌اند و امکان ارسال پیامک از هیچ سامانه‌ای برای کاربران تا اطلاع ثانوی وجود ندارد.

پس از فیلترینگ اینستاگرام و واتس‌آپ و قطع پی در پی اینترنت موبایل و کندی اینترنت خانگی، از روز گذشته سرویس ارسال پیامک هم با دستور قوه قضاییه قطع شده و هیچکدام از کسب و کارهای آنلاین نمی‌توانند پیامک تأیید و خرید را برای مشتریان خود ارسال کنند.

در پی غیرفعال شدن سرویس‌های پیامک انبوه، بسیاری مدیران و متخصصان اکوسیستم استارت‌آپ و فناوری کشور نسبت به تأثیرات این قطع مکرر در شبکه اجتماعی توییتر واکنش نشان داده و به آن اعتراض کردند.

علیرضا جعفری تفرشی بنیانگذار استارت‌آپ راهکارهای نرم‌افزاری «الانوس» در صفحه توییترش نوشت: «به هر کسی بگی تو عصر تحول دیجیتال، همزمان با برگزاری

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:

۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵

تماس بگیرید.

Believe in
children
Barnardo's





حمله مأموران به دبیرستان

دخترانه «شاهد» اردبیل؛

یک منبع آگاه به کیهان لندن:

از نهاد بازداشت کننده و

وضعیت بچه‌ها خبری

نداریم!

مدارس تعطیل هستند و خیلی از ما بچه‌هایمان را امروز به مدرسه نفرستادیم و منتظر خبری درباره دانش‌آموزان بازداشت‌شده و همینطور پیگیر وضعیت دانش‌آموزانی که غیبت کرده‌اند هستیم که ببینیم همه بچه‌ها سالم هستند یا نه. یکی از نگرانی‌های ما اینست که بچه‌های بازداشت شده دچار حادثه‌ای شده باشند و ما هنوز از این موضوع بیخبر باشیم.»

انتشار خبر حمله به این مدرسه و احتمال درگذشت یکی از دانش‌آموزان دختر طی ساعات گذشته در شبکه‌های اجتماعی بازناب گسترده‌ای داشته است با اینهمه مقامات استان اردبیل چنین حادثه‌ای را تکذیب می‌کنند.

کلام‌الله صفری مدیرکل آموزش و پرورش استان اردبیل جمعه شب در گفتگو با ایرنا، با رد خبر درگذشت، ضرب و شتم و دستگیری دانش‌آموزان در جریان اعتراضات، مدعی شد که هر خبری در خصوص برخورد انتظامی و پلیسی در این مورد کذب است.

مدیرکل آموزش و پرورش استان اردبیل همچنین با رد شایعه بازداشت تعدادی از دانش‌آموزان به خاطر سر دادن شعار بیان کرد: «دانش‌آموزان شرکت‌کننده در تجمع محکومیت اغتشاشات اخیر که روز چهارشنبه در اردبیل برگزار شد، پس از تجمع به مدرسه خود بازگشتند.»

در این میان اما هجوم نیروهای انتظامی و امنیتی به مدارس و بازداشت دانش‌آموزان دختر در شهرهای دیگر نیز اتفاق افتاده است. «جنبش دانش‌آموزی» به یکی از مهمترین محورهای خیزش ملی اخیر علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در مقابل، جمهوری اسلامی نیز از هیچ اقدامی برای سرکوب دانش‌آموزان خودداری نمی‌کند و شمار قابل توجهی از جانب‌افزایان و بازداشت‌شدگان نوجوانان و کودکان هستند.

به گزارش سازمان عفو بین‌الملل، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در هفته‌های اخیر، پس از آغاز اعتراض‌های مردمی به قتل حکومتی ژینا (مهسا) امینی که از ۲۶ شهریورماه آغاز شده، دست‌کم ۲۳ نوجوان و کودک زیر ۱۸ سال را به قتل رسانده‌اند. آنها به مدرسه‌ها بارها حمله کرده‌اند و با گاز اشک‌آور و باتوم و دیگر روش‌های خشونت‌بار، نوجوانان و کودکان را سرکوب کرده‌اند.

روز پنجشنبه ۲۱ مهرماه نیز ۶۰۰ فعال ادبیات و هنر کودک و نوجوان، در بیانیه‌ای حمله به مدرسه‌ها و بازداشت دانش‌آموزان را محکوم کردند.

«شهید راثی نظام» یکی از مدارس خوب اردبیل از نظر آموزشی شناخته می‌شود و در خیابان عطایی در شورابیل اردبیل قرار دارد. دانش‌آموزان این مدرسه روز چهارشنبه ۲۰ مهر از سوی مدیران برای شرکت در تجمعی حکومتی در حمایت از جمهوری اسلامی اجبار شده بودند. شماری از دانش‌آموزان برای شرکت نکردن در این تجمع مقاومت کردند و تعدادی از دانش‌آموزان توسط مدیران مدرسه به تجمع برده شدند اما در نهایت نزدیک مدرسه دانش‌آموزان مقتعه‌هایشان را برداشته و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند و این شعار دادن تا مدرسه ادامه داشته است. مدیر مدرسه طی تماس با نهادهای امنیتی آنها را برای سرکوب دانش‌آموزان فراخواند. لباس شخصی‌ها به مدرسه آمدند و دانش‌آموزان و حتی برخی والدین را که به دنبال فرزندانشان آمده بودند مورد ضرب و جرح قرار دادند. تا جایی که ما مطلع هستیم ۷ یا ۸ دانش‌آموز هم توسط نهادهای امنیتی بازداشت و متأسفانه مشخصات و اطلاعات آنها توسط مدیر به مأموران امنیتی داده شده! یعنی مدیر با مأموران امنیتی که احتمالاً از وزارت اطلاعات یا پلیس امنیت بودند همکاری کرده است.»

او در ادامه می‌گوید: «از دانش‌آموزان بازداشت شده تا الان (پیش از ظهر شنبه ۲۳ مهرماه) هیچ خبری در دست نیست. والدین نمی‌دانند بچه‌هایشان را کجا برده‌اند و حتی چه نهادی آنها را بازداشت کرده. همین حالا والدین بچه‌های بازداشت شده با تعدادی دیگر از والدین به دادسرا و پلیس مراجعه کرده‌اند تا مشخص شود چه بلایی سر این دختر بچه‌ها آمده است. اما همان روز بعد از حمله لباس شخصی‌ها و مأموران به مدرسه حدود ۱۰ دانش‌آموز حالشان بد شد که به اورژانس بیمارستان فاطمی منتقل شدند. بعضی از بچه‌ها دچار حمله عصبی ناشی از شوک حمله مأموران وحشی لباس شخصی شده بودند و بعضی هم به دلیل اصابت باتوم به اورژانس منتقل شدند. تا جایی که ما مطلع هستیم تا الان خبری درباره درگذشت دانش‌آموزی از این مدرسه اعلام نشده و بچه‌هایی هم که چهارشنبه به اورژانس بیمارستان فاطمی منتقل شدند مرخص شدند. اما شرایط روحی بچه‌ها و حتی والدین به شدت بد است. اصلاً بچه‌ها کاری نکرده بودند که مدیر حتی بخواهد احساس خطر کند و به پلیس یا نهاد امنیتی تماس بگیرد چه برسد به حمله وحشیانه به مدرسه و بازداشت دانش‌آموزان. جو شهر هم متأثر از این خبر وحشتناک است. پنجشنبه و جمعه

● یک منبع آگاه: از دانش‌آموزان بازداشت شده تا الان (پیش از ظهر شنبه) هیچ خبری در دست نیست. والدین نمی‌دانند بچه‌هایشان را کجا برده‌اند و حتی چه نهادی آنها را بازداشت کرده. همین حالا والدین بچه‌های بازداشت شده با تعدادی دیگر از والدین به دادسرا و پلیس مراجعه کرده‌اند تا مشخص شود چه بلایی سر این دختر بچه‌ها آمده است.

● مدیرکل آموزش و پرورش استان اردبیل جمعه شب در گفتگو با ایرنا، خبر درگذشت، ضرب و شتم و دستگیری دانش‌آموزان در جریان اعتراضات را تکذیب کرد!

● شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان که پیشتر خبر درگذشت یک دانش‌آموز را منتشر و بعد حذف کرد، در خبری تکمیلی نوشته که در حال تحقیق درباره این حادثه است و اطلاعات دقیق‌تر را به زودی منتشر خواهد کرد.

نیروهای لباس شخصی به دانش‌آموزان دختر در مدرسه شاهد اردبیل حمله، آنها را مورد ضرب و جرح قرار دادند. شماری از دانش‌آموزان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلوم منتقل شدند و چند دانش‌آموز هم به دلیل ضرب و جرح مأموران امنیتی و شوک ناشی از آن به بیمارستان منتقل شدند.

نیروهای لباس شخصی و امنیتی روز چهارشنبه ۲۰ مهرماه ۱۴۰۱ به دختران دانش‌آموز در مدرسه «شاهد» (شهید راثی نظام) حمله کرده و دانش‌آموزان نوجوان را مورد ضرب و جرح قرار داده و شماری از آنها را بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل کردند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با اعلام این خبر نوشت که یکی از دانش‌آموزان دختر در بیمارستان فاطمی بر اثر خونریزی داخلی جان باخته است. این خبر ساعاتی بعد از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان تغییر و بخش درگذشت دانش‌آموز حذف شد. این شورا در خبری تکمیلی نوشته که در حال تحقیق درباره این حادثه است و اطلاعات دقیق‌تر را به زودی منتشر خواهد کرد.

خبر غیررسمی دیگری از انتقال یکی از دانش‌آموزان به بیمارستان «علوی» اردبیل در پی وخامت حال جسمی وی حکایت دارد.

یک منبع آگاه که فرزندش در این مدرسه تحصیل می‌کند درباره این حادثه به کیهان لندن گفته که «دبیرستان

برجسته‌ترین ویژگی خیزش مردم علیه استبدادی مذهبی



● هنگامی می‌توان پایه‌های یک جامعه سالم و آزاد را بنا نهاد که در آن اندیشه و باورهای مردم از اسارت خودتحمیلی رها شود. بنابراین هر نوع تصویری از مفاهیم متعالی آزادی‌های اساسی، حقوق ذاتی، حق تعیین سرنوشت، تساهل و مدارا، شناسایی برابری تفاوت‌های هویتی و فرهنگی، و دموکراسی، منوط به رهایی اندیشه و باورهاست. آزادی فقط در جامعه آزاد امکانپذیر است، و جامعه آزاد مولود آزادی اندیشه است.

محمود مسائلی - در حالی که قیام برحق مردم ایران علیه حکومت ستمگر مذهبی در سراسر ایران فراگیر شده، شاید اصلی‌ترین پرسشی که می‌بایست به بحث گذاشته شود این است که ویژگی برجسته این قیام چیست؟ آیا مردم برای انجام اصلاحاتی در نظام اسلامی در خیابان‌ها فریاد می‌زنند و خشم خود را نشان می‌دهند؟ آیا آنها، آنگونه که اصلاح‌طلبان و همراهان آنها ادعا می‌کنند، می‌خواهند گشت ارشاد و اجرای قوانین اسلامی مربوط به حجاب را به زیر سوال کشیده و یا موجبات از میان رفتن آنرا فراهم آورند؟ آیا این مردم جان بر کف که در خیابان‌ها و مکان‌های عمومی حضور پیوسته خود را حفظ کرده‌اند، خواسته‌های خود را برای مبارزه با فساد حاکم بر نظام اسلامی نشان می‌دهند؟ یا اینکه آنها می‌خواهند کل این نظام را برای همیشه از صحنه حیات سیاسی ایران حذف کنند؟ به هر کدام از این پرسش‌ها که دقت نماییم، و حتی اگر آخرین آنها یعنی مبارزه برای ریشه‌کن ساختن نظام اسلامی را به عنوان خواست اصلی مردم در نظر بگیریم، هنوز یک پرسش در ساحت اندیشه نقاد باقی می‌ماند: آیا بهتر نیست که قیام مردم را به عنوان نشانه‌ای از یک تغییر بزرگ و بنیادین در شالوده اندیشه و اعتقادات اجتماعی و سیاسی آنها مورد کنکاش قرار دهیم؟ در واقع می‌توان پرسش را اینگونه مطرح ساخت که آیا مردم فقط خواهان براندازی نظام ستمگر اسلامی هستند یا اینکه به‌واقع آنها می‌خواهند برای همیشه هر نوع باوری به مذهب سیاسی و یا حضور نهادهای مذهبی در جامعه را از صحنه حیات خود حذف نمایند؟ به درستی برجسته‌ترین ویژگی قیام مردم علیه حکومت اسلامی در ایران چیست؟ این نوشتار قصد دارد این فرضیه را به نمایش گذاشته و توضیح دهد که اصلی‌ترین ویژگی قیام مردم را باید در انقلاب فکری در باورهای آنان جستجو کرد که چشم‌اندازی نوین در برابر آینده ایران، و حتی فراتر از آن یعنی در منطقه، باز گشوده و می‌خواهد برای همیشه ساحت اندیشه را از هر نوع مذهب سیاسی رها سازد. در واقع، فرآیند رهایی در باور و اندیشه‌های مردم، در چشم‌انداز آنان در باره معنی و مفهوم حیات، و در آنگونه که می‌خواهد زندگی و فلسفه آنرا برای خود آزادانه تعریف کنند، در حال شکل گرفتن است. بنابراین برجسته‌ترین ویژگی قیام مردم، تلاشی عمیق

برای رها شدن باور و اندیشه‌ها از رسوبات فکری است که طی سالیان سال موجبات تخریب هویت آنان، به تاراج رفتن منابع مادی و انسانی کشور، و سایه سنگین نجر و تصلب فکری، و در نهایت تباهی را برای آنان باعث شده است. حال اگر به شعار اصلی خیزش مردم یعنی «زن، زندگی، آزادی: آزادی، آزادی، آزادی» دقت نماییم به درستی این حقیقت آشکار می‌گردد که مردم خواهان نگرشی به زندگی هستند که با قواعد طبیعی سازگار بوده، و شادی و آینده‌ای سرشار از امید برای آنان در پی داشته باشد. گویا این نگرش نوین در ناخودآگاه مردم ریشه‌های عمیقی دوانده، ظرفیت فکری و خردمندی آنها را شکوفا ساخته، و در نتیجه آنها را برانگیخته است تا راه خویش را به سوی آینده‌ای روشن بازگشایند. هرگاه این شعار را با شعارهای دوران انقلاب اسلامی که همگی حاوی پیام‌های خون، نفرت، نابودی، مرگ، و سرکوب را می‌دادند مقایسه کنیم، این حقیقت عیان می‌گردد که خیزش کنونی مردم با هدف رهاسازی اندیشه، و باورها، و جهان‌بینی خود از جمود فکری و سایه سنگین سیاه جهل و نادانی در حال تکمیل است. پیام «زن، زندگی، آزادی» نشان می‌دهد که انقلابی فکری در نگرش و باورهای مردم در حال تکمیل است که ایران امروز را آماده می‌سازد به مرحله تاریخی نوینی وارد شود که ریشه‌های آن را می‌بایستی در اندیشه‌های ایران باستان، یعنی همان دورانی که خردمندی و فرزاندگی که کوروش بزرگ تجلی آن بود، وارد سازد. این دگرگونی بنیادین در شالوده فکری مردم و نگرش اجتماعی و سیاسی آنان، نه تنها در چند دهه اخیر، شاید بتوان با اطمینان بیان داشت که در سده‌هایی طولانی بی‌سابقه بوده است. اتحاد، همدلی، همفکری، و همراهی مردم با یکدیگر در خاک ایران، و هم‌صدایی آنان که ناگزیر وطن را ترک کرده‌اند با هموطنان خویش، بعد دیگری از این فرضیه را به اثبات می‌رساند که انقلابی ژرف در بنیان‌های اندیشه و ظرفیت فکری مردم در حال شکل‌گیری است. بی‌تردید می‌توان این نظریه روابط بین‌الملل را نیز نادیده انگاشت که هرگاه این انقلاب فکری مردم ایران در مسیر حقیقی خود قرار گرفته و بتواند با قدرت پیش برود، نه تنها ایران برای همیشه از سیاهی جهل و تباهی رهایی خواهد یافت، بلکه در کل منطقه خاورمیانه نیز دروازه‌های آرامش باز خواهد شد. در حقیقت قیام مردم ایران علیه حکومت اسلامی نشان دهنده اراده‌ای قطعی برای خروج از عدم بلوغ خودتحمیلی [۱] است که مردم در شرایط

تاریخی خاصی به خود تحمیل کردند. در واقع در حالی که در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ نوعی صغارت به خواست خود مردم به آنها تحمیل شد، و در نتیجه عنان اختیار و اراده آزاد و انسانی آنان را در اختیار کسانی که خود را مردان رستگاری مذهبی می‌دانستند، قرار گرفت، امروز قیام خودتحمیلی است. مردم می‌خواهند آن پوسته‌های سخت و منجمدی را که هویت آنها را در اسارت قرار داده بشکنند، افقی نوین پیش روی خویش و نسل‌های آینده باز گشایند، و خود صاحب اختیار زندگی خویش باشند. این اراده برای خروج از تصلب فکری و سیاهی اعتقادی نه تنها می‌تواند مردم ایران و سرزمین آنها را به سوی رستگاری هدایت کند، بلکه موجبات فروپاشی نظام‌های استبدادی متحجر مذهبی در منطقه و رهایی مردمان در بند کشیده شده دیگر را نیز فراهم می‌آورد. رهایی مردم ایران از اسارت باورهای جزمی و تصلب روح و روان این ظرفیت توانمند را دارد تا مردم ستمدیده افغانستان را نیز به سوی حیاتی انسانی رهنمود ساخته، و همراه با آن موجبات رهایی همه مردمانی را که در منطقه گرفتار مذهب سیاسی شده و به تباهی کشیده شده‌اند نیز فراهم آورد.

انقلابی در باور و اندیشه‌های مردم

برای اینکه بهتر و روشن‌تر بتوان ویژگی‌های اراده مردم برای خروج از صغارت خودتحمیلی و رها شدن را توضیح داد، مناسب است آنرا با تحولاتی که در قرون هفده و هیجدهم در اروپا اتفاق افتادند مقایسه کنیم. در آن دوران، البته با ریشه‌هایی در عصر نوزایی خرد انسانی، یا به تعبیری رنسانس، چشم‌اندازهایی در اروپای آن زمان شکل گرفت که می‌کوشید از یکسو به «انقیاد مذهبی» [۲] و از دیگری به «نظام سلسله مراتبی» [۳] قرون وسطایی خاتمه بخشد. به موجب انقیاد مذهبی، همه توان فکری و ظرفیت اندیشه مردم در اختیار مردان مذهب و نهاد کلیسا قرار گرفته بود. اساسا هیچ فرد انسانی می‌توانست آزادانه هویت انسانی خویش را بازیافته و برای زندگی خویش و آینده فرزندان و نسل‌های پیش رو برنامه مشخصی داشته باشد. همه چیز از پیش تعیین شده بود و مذهب آنرا کنترل می‌کرد. کلیسای کاتولیک در آن زمان، مانند نهاد مذهب در ایران امروز، هرگز تمایلی برای اختیار دادن به مردم برای انتخاب آزادانه شیوه زندگی خود نداشت. منافع عظیم کلیسایی،



گزارش تصویری ارسالی از ایران؛

سپاه پاسداران بدون اجازه والدین دانش آموزان پسر را برای سرکوب مردم تطمیع و تجهیز می کند



در آینده شش ماه از دوره سربازی تان کسر خواهد شد. این دانش آموزان از قرار معلوم به گردان امنیت «امام علی» منتقل شدند؛ به آنها لباس فرم سپاه پاسداران پوشانده و از آنها عکس گرفتند. لازم به توضیح است که سپاهیان یادشده بدون اجازه پدر و مادر این دانش آموزان آنها را برای سرکوب‌های خیابانی انتخاب و ترغیب کردند.

چند روز پیش چند نفر درجه دار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به یکی از دبیرستان‌های پسرانه تهران رفتند و بعد از یک ساعت تعدادی از دانش آموزان مقاطع اول تا چهارم متوسطه با ظاهر مذهبی را انتخاب کردند و به آنها گفتند ما به شما طی چند روزهه طریقه جنگ‌های شهری را آموزش می‌دهیم و وقتی اغتشاشات خوابید به شما دستمزد می‌پردازیم

خودتحمیلی رها شود. بنابراین هر نوع تصویری از مفاهیم متعالی آزادی‌های اساسی، حقوق ذاتی، حق تعیین سرنوشت، تساهل و مدارا، شناسایی برابری تفاوت‌های هویتی و فرهنگی، و دمکراسی، منوط به رهایی اندیشه و باورهاست. آزادی فقط در جامعه آزاد امکانپذیر است، و جامعه آزاد مولود آزادی اندیشه است.

در نوشتاری که به دنبال مبحث خواهد آمد پیش زمینه‌های فلسفی «رهاشدن از عدم بلوغ خودتحمیلی» با استعانت گرفتن از اندیشه‌های امانوئل کانت توضیح داده می‌شوند.

*برای مطالعه بیشتر درباره اندیشه‌های حقوق بشری نگاه کنید به تارغای اندیشه که بین المللی نظریه‌های بدیل و یا کانال تلگرامی این نویسنده با عنوان «اندیشه‌های حقوق بشری».

Self-imposed immaturity [۱]

Religious conformity [۲]

Ascribed status [۳]

Reasonable and reasonableness [۴]

Charismatic [۵]

Reasonableness as a social construction [۶]

Public sphere [۷]

Dialogical [۸]

از حیطة خرد جمعی (به تعبیری سیاست) است که بیشتر در فرانسه امروز حضور دارد (یعنی لائیسته) تا نوع سکولاریزم حاضر در کشورهای انگلوساکسون. چشم‌اندازهای سکولار همان کارکردی را دارد که در گذشته توانست مردم را از انقیاد مذهبی رها سازد تا بتوانند از زندگی عادی و قواعد ناظر بر آنرا خود و با اراده آزاد خویش تعریف و تعیین نمایند.

پ: اعتقاد به توانایی اندیشه و اراده انسان برای پایان بخشیدن به همه الگوهای عقب ماندگی و توسعه نیافتگی در همه ابعاد و جنبه‌های زندگی اجتماعی. این خرد انسانی است که در عرصه عمومی [۷] خود را در تفاهم با دیگران قرار می‌دهد، افق‌های یک فرآیند یادگیری متقابل را باز می‌گشاید، و به شیوه‌ی گفت و شنید [۸] راه‌ها و شیوه‌های رها شدن از عقب ماندگی را یاد می‌گیرد. اساسا هیچ مفهوم و تصویری از توسعه یافتگی نمی‌تواند بدون رها شدن از اسارت فکری و تصلب آیینی امکان‌پذیر باشد. رشد و شکوفایی انسان به عنوان غایت و هدف نهایی توسعه یافتگی، تنها و تنها از طریق رها شدن از جمود مذهبی و تصلب آیینی، سنت‌ها و باورهای گمراه کننده، و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی نادرست مانند پدرسالاری امکان‌پذیر می‌باشد. ت: هنگامی می‌توان پایه‌های یک جامعه سالم و آزاد را بنا نهاد که در آن اندیشه و باورهای مردم از اسارت

مانند منافع گسترده و بی حساب و کتاب نهاد مذهب در ایران امروز، انقیاد مذهبی را به مردم تحمیل می‌کرد تا از طریق کنترل اراده مردم، آنها را به موجوداتی بی اختیار و تابع فرمان کلیسا و مذهب تبدیل سازد. این مردمان هرگز نمی‌توانستند در ذهن و نگرش خویش به حیات این باور را داشته باشند که می‌توانند به عنوان انسان آزادانه نه تنها هویت انسانی خود را باز شناسند، بلکه فلسفه حیات و مسیر زندگی خویش را نیز با اراده خویش تعریف نمایند. سایه شوم تصلب فکری و جمود آیینی در دوران قرون وسطا سایه سنگینی بر همه ابعاد زندگی مردم انداخته بود. تنها راه راهایی این بود که انقلابی در اندیشه‌های مردم صورت پذیرد تا آنها دریابند که خود صاحب اختیار خویش هستند. برای خروج از انقیاد مذهبی می‌بایستی رهایی بخشی در ساحت اندیشه و باورهای مردم اتفاق افتد. عصر عقلانیت مدرن، با رها ساختن مردم از عدم بلوغ خودتحمیلی، یعنی رها ساختن خویش از انقیاد مذهبی، راه را برای تحولات اجتماعی و سیاسی هموار نمود. اول آزادی اندیشه، سپس سعادتمندی اجتماعی و سیاسی پیام اصلی تحولات اروپای قرون هفدهم و هجدهم بود؛ یعنی ظهور عصر لیبرالیسم به عنوان شرایطی که در آن مردم خود آزادانه حیات اجتماعی و سیاسی خود را تعریف نموده و با یکدیگر به شیوه‌ای همکاری و از روی تساهل و احترام متقابل رفتار می‌نمایند.

به دلیل انقیاد مذهبی، که اراده مردم را به تصلب کشیده بود، نظام‌های سلسله‌مراتبی بزرگترین موانع را بر سر راه خوشبختی و سعادت مردم قرار داده بودند. القاب و عناوین از پیش تعیین شده مانند بزرگزاده، طبقه نجبا و اشراف، و همه آنان که خود را نسبت به دیگران برتر می‌دانستند، بخش بزرگی از جمعیت آن زمان را به حاشیه رقت‌بار زندگی سوق داده و به بندگی طبقات برتر و داشته بود. دردناک‌ترین و یژگی این نظام سلسله مراتبی این بود که به دلیل همان انقیاد مذهبی، مردم نمی‌توانستند این حقیقت را دریابند که زندگی بردگی در نقطه مقابل قوانین حیات انسانی است. دقیقا مانند نظام سلسله مراتبی در نظام اسلامی که با ساخت عناوینی مانند آقا، عالم، سید اولاد پیغمبر، آیت‌الله و دیگر القابی از اینگونه، موجبات اسارت فکری خودتحمیلی و در نتیجه آن غارت منابع کشور و ظهور شکاف عمیق و گسترده طبقاتی را باعث گردید. این عناوین نابرابری‌ها، فساد و توحش، و سرکوب مردم را توجیه کرده و راه را برای غارت ثروت ملی و منابع انسانی هموار نموده است.

تحولات فکری و آیینی در اروپای نوین چند پیام روشن با خود داشت که به خوبی بازتاب دهنده شرایط ایران امروز نیز می‌باشد:

الف: اراده‌ای روشن برای خروج از اسارت اندیشه به عنوان شرط لازم برای استقرار خرد جمعی [۴] به عنوان راهنمای امور اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی و یا فرهنگی. حتی نگرش مذهبی نیز باید خود را از جمود فکری و تصلب آیینی رها سازد، راه عقلایی در پیش گیرد، به خرد جمعی روی آورد، خود را روشن‌تر سازد تا بتواند در یک حیطة سکولار به عمر خود برای کسانی که می‌خواهند به آن باور داشته باشند، ادامه دهد. خروج از عدم بلوغ فکری خودتحمیلی هیچ نوع فرمندی (کاریسما) [۵] را بر نمی‌تابد و آنرا با خردمندی جمعی به عنوان ساختاری اجتماعی [۶] جایگزین می‌سازد. ب: گشودن چشم‌اندازی سکولار به معنی دقیق کلمه. منظور از منعی دقیق این است که مذهب باید برای همیشه به جایگاه خود یعنی معابد و مکان نیایش برای باورمندان بازگردد. این فهم سکولاریزم حاوی مفاهیمی از جدایی دین

شلیک ۲۸ گلوله به سعید شریفی دستیار فیلمبردار و بازداشت نیک یوسفی و آترین آزرفر هنرمندان جوان



عکس جوانان جانباخته بجای تصاویر خمینی و خامنه‌ای در مدارس و دانشگاه

افراد از سطح شهر کرده است. علاوه بر این صداوسیما حکومت هم از پخش تیزرهای تبلیغاتی شرکت و فروشگاه‌هایی که علی دایی و مهران مدیری سفیر برند آن بودند خودداری کرده است.

در این میان، انتشار ویدئوی جدیدی از مهران مدیری تهیه‌کننده و بازیگر با انتقادات و واکنش‌های منفی روبرو شده است. مهران مدیری که پیشتر صداوسیما را از پخش آثارش منع کرده بود، در این ویدئو گفته که «مالکیت آثارم با صداوسیماست!»

مدیری توضیح داد: «هر اثری را که در طول این سالها ساختم اعم از سریال یا هر نوع کار دیگری، خالق این آثار من هستم اما مالک من نیستم مالکیت هر اثری که در تلویزیون ساخته می‌شود چه توسط من چه دیگران با سازمان صداوسیماست و تصمیم برای پخش و پخش نشدن هر برنامه‌ای هم بر عهده صداوسیماست.»

او نیز مشابه برخی دیگر از حامیان رژیم ایران به موضوع نخما و کلیشه شده‌ی حکومت در واکنش به اعتراضات مردمی اشاره کرده و با تأکید بر تمامیت ارضی کشور افزوده است: «نکته‌ای که این روزها خیلی درباره‌اش حرف زده و بر آن تأکید می‌شود، موضوع وطن است. موضوع خاک است. موضوع امنیت ملی و تمامیت ارضی است.»

برخی بر این باورند مدیری مانند آنچه بر دیگران گذشته، تحت فشار امنیتی‌ها، سخنانش را تغییر داده و ویدئو منتشر نموده است. با وجود این، منتقدانش اجباری بودن این تغییر رویکرد را نمی‌پذیرند و به دلیل منفعت‌طلبی وی می‌گویند، «مثلا اگر این حرف‌ها زوری بوده و مدیری نمی‌گفت میخواستند بکشش؟ ته تهنش نمی‌گذاشتند در تلویزیون کار بسازد دیگر، این روزها را یادمان نمی‌رود آقای دو دره باز!»

شخصی خود نوشته است: «به کدامین گناه؟ چطور توانستی ۲۸ گلوله به سمت پسر شلیک کنی؟» آنگونه که برخی منابع آگاه نیز نوشته‌اند، آترین آزرفر هنرمند و گرافیست اهل سمنان نیز امروز چهارشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۱ بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. تصویری منتسب به این هنرمند جوان نیز در شبکه‌های اجتماعی نشر یافته است.

همچنین دکتر بهروز یاسمی شاعر و پژوهشگر اهل ایلام شب گذشته ۲۵ مهر ۱۴۰۱ در منزل شخصی خود در تهران، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. او طی روزهای اخیر در صفحه‌ی اینستاگرام خود، شعرهایی در حمایت و همراهی با اعتراضات مردمی ایران سروده و منتشر کرده بود.

بهروز یاسمی متولد ۱۰ خرداد ۱۳۴۷ در ایوانغرب ایلام، از غزلسرایان نوگرا است. او که لیسانس روزنامه‌نگاری، فوق لیسانس ادبیات و فارغ‌التحصیل دکترای دامپزشکی از دانشگاه «چمران» اهواز است، نخستین بار تعدادی از شعرهای خود را در سال ۶۸ در نشریات منتشر کرد و وارد فعالیت‌های ادبی شد. وی علاوه بر فعالیت در زمینه غزل معاصر، در حوزه نقد و نظر پیرامون شعر و ادبیات فعال است. «همان گناه همیشه»، «تقویم گناهان تازه»، «عاشقی جرم قشنگی است» از جمله آثار این شاعر و پژوهشگر است.

در پی ممنوعیت فعالیت‌های اهالی سینما و هنر، گفته می‌شود بیلبوردهای پژمان جمشیدی فوتبالیست سابق و بازیگر کتونی سینما نیز از سطح شهر جمع‌آوری شده است. در پی موضع‌گیری‌های علی دایی، مهران مدیری و شهاب حسینی درباره اعتراضات سراسری، سازمان زیباسازی شهر تهران دستور به جمع‌آوری بیلبوردهای تبلیغاتی این

● سپهر شریفی جوان ۲۰ ساله و دستیار فیلمبردار سینما در جریان اعتراضات روز ۱۵ مهر ۱۴۰۱ در شهرک دانشگاه تهران با شلیک ۲۸ گلوله مأموران امنیتی حکومت کشته شد. معین شریفی پدر سپهر در صفحه‌ی شخصی خود نوشت: «به کدامین گناه؟ چطور توانستی ۲۸ گلوله به سمت پسر شلیک کنی؟»

● آنگونه که برخی منابع آگاه نوشته‌اند، آترین آزرفر هنرمند و گرافیست اهل سمنان نیز امروز چهارشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۱ بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

● دکتر بهروز یاسمی شاعر و پژوهشگر اهل ایلام شب گذشته ۲۵ مهر ۱۴۰۱ در منزل شخصی خود در تهران، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. او طی روزهای اخیر در صفحه‌ی اینستاگرام خود، شعرهایی در حمایت و همراهی با اعتراضات مردمی ایران سروده و منتشر کرده بود.

بازداشت، احضار و تهدید هنرمندان در دومین ماه از اعتراضات سراسری ایران همچنان ادامه پیدا کرده است. سعید شریفی جوان ۲۰ ساله و دستیار فیلمبردار در اعتراضات با ۲۸ گلوله کشته شده است.

ترس حکومت جمهوری اسلامی از مخالفان تاثیرگذارش در عرصه فرهنگ و هنر، مربوط به امروز و دیروز نیست. گروهی از فعالان عرضه هنر سینما سال‌هاست که به دلیل حمایت‌شان از مردم و انتقاد از سیاست‌های نظام، سانسور، بازخواست، بازداشت، تهدید و زندانی می‌شوند. این روزها پس از اعتراضات سراسری ایرانیان، دستگیری‌ها ابعاد گسترده‌تری گرفته و هنرمندان جوان و دگراندیش هدف سرکوب بی‌امان قرار گرفته‌اند.

بر مبنای گزارش‌های منتشر شده، نیک یوسفی تدوینگر و فیلمساز، شامگاه یکشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۱ با ورود مأموران امنیتی به خانه دوستش بازداشت شد. از محل نگهداری و نهادی که او را بازداشت کرده اطلاعی در دست نیست.

وی در همراهی با اعتراضات سراسری ایران یک موزیک ویدئو تهیه کرده بود که بسیار مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت. او چند ساعت قبل از بازداشت در توییتر نوشت: «دستگیر هم شدیم از الان بگم قرار نیست خودکشی کنم یا لبه‌ی پشت‌بوم خونه‌ها برم... اگه خبری شد بدوین کار خودشون بوده.» اشاره وی به ترندهای سخیف و مذبحانه نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی است که جوانان را به قتل می‌رسانند و بعد به دروغ می‌گویند که خودکشی کرده‌اند!

محل اختفای قبلی یوسفی با استفاده از «اسنپ فود»، اپلیکیشن سفارش غذا، توسط نهادهای امنیتی شناسایی شده بود. ولی این فیلمساز جوان محل را ترک کرده بود. هم‌اکنون تمام حساب‌های شبکه‌های اجتماعی وی از توئیتر و اینستاگرام حذف شده است.

از سوی دیگر، سپهر شریفی جوان ۲۰ ساله و دستیار فیلمبردار سینما در جریان اعتراضات روز ۱۵ مهر ۱۴۰۱ در شهرک دانشگاه تهران با شلیک ۲۸ گلوله مأموران امنیتی حکومت کشته شد. معین شریفی پدر سپهر در صفحه‌ی

کاهش سفرهای ورودی و خروجی از ایران؛ حتی یک مسافر جام جهانی هتل در ایران رزو نکرده!



موارد اشاره‌ای داشته باشد درباره ریزش سفرهای خارجی می‌گوید که اگرچه برخی سفارتخانه‌ها صدور ویزا را لغو و یا محدود کرده‌اند، اما در اظهاراتی خلاف واقع این موضوع را رد می‌کنند.

وی همچنین جام جهانی قطر را یک فرصت از دست رفته خوانده و با بیان اینکه برخی کشورهای منطقه همچون عربستان برای جذب مسافران جام جهانی درایت به خرج داده‌اند، تاکید کرد تا کنون حتی یک مسافر جام جهانی در هتل‌های ایران، اتاق رزرو نکرده است.

به گفته این مسئول که عدم همکاری فدراسیون فوتبال را هم در این موضوع مقصر می‌داند، «برای جام جهانی فوتبال هر حرفی برنیم خودزنی کرده‌ایم، چون دیگر زمان آن گذشته است. این یک بدنامی برای ایران خواهد بود، اگر نتواند مسافر و تماشاچی واقعی را برده یا نتواند به تعهدات خود در برابر تماشاچی عمل کند.»

به نظر می‌رسد مقامات و مسئولان ناکارآمد و متوهم جمهوری اسلامی در یک حباب زندگی می‌کنند و متوجه عواقب تصمیمات خودشان بر صنعت گردشگری و سایر مسایل نیستند. به عنوان مثال انتشار فیلم مربوط به ممنوع الخروجی مانی حقیقی و ضبط پاسپورتش در فرودگاه آنهم زمانی که برای اکران فیلم خود قصد سفر به لندن داشت، بازتاب‌های گسترده‌ای در مجامع بین‌المللی یافت.

واکنش رسمی باشگاه هرتابرلین آلمان به ضبط پاسپورت علی دایی در پی وقایع اخیر و بسیاری موارد از این دست نیز ناامنی و خفقان در کشور را تأیید می‌کند.

در کنار توقیف پاسپورت چهره‌های سرشناس کشور، خبر دستگیری و بازداشت عموم مردم جامعه و ادامه گروگانگیری مسافران به اتهام جاسوسی، شرایط ناامن را تداوم بخشیده. شرایطی که عدم استقبال حتی یک مسافر برای حضور در هتل‌های ایرانی به هنگام جام جهانی را قابل درک و پیش‌بینی‌پذیر می‌کند.

در همین راستا وزارت خارجه فرانسه که پیش از این از گروگان گرفته شدن ۵ تن از شهروندان فرانسوی خبر داده بود اعلام کرد که برخی از شهروندانش به اتهام جاسوسی در زندان اوین بوده و در رابطه با سلامت این افراد پس از آتش‌سوزی شب‌شنبه ۲۳ مهرماه به حکومت ایران هشدار داده است.

یک سخنگوی وزارت خارجه فرانسه در بیانیه‌ای با تکرار درخواست آزادی فوری شهروندان این کشور گفت: «فرانسه بار دیگر به مقامات ایران یادآوری می‌کند که مسئول ایمنی و سلامت هموطنان زندانی ما در ایران هستند.»

هفته پیش فرانسه بدون ذکر نام و مشخصات از بازداشت پنج‌مین تبعه خود در ایران خبر داد و با هشدار درباره خطر «بازداشت‌های خودسرانه» در ایران از اتباع خود خواست هرچه زودتر ایران را ترک کنند.

فریبا عادلخواه پژوهشگر ایرانی-فرانسوی (بازداشت در سال ۱۳۹۸) بنجامین بریر گردشگر ۳۶ ساله (بازداشت در سال ۱۳۹۹) دو تن از شهروندان فرانسوی زندانی در ایران هستند. سسیل کوهلر عضو فدراسیون آموزش و فرهنگ سندیکای نیروی کار فرانسه و همسرش ژاک پاریس هم که هر دو با ویزای گردشگری به ایران سفر کرده بودند، اردیبهشت امسال و همزمان با روز جهانی کارگر بازداشت شدند.

روزنامه «جام‌جم» متعلق به صداوسیما جمهوری اسلامی نیز روز یکشنبه ۲۴ مهرماه از بازداشت یک تبعه کشور آلمان در جریان اعتراضات روز شنبه ۲۳ مهر در اردبیل خبر داده و نوشته که به دلیل «ارتباطات مشکوک» با «تعدادی از لیبرهای اغتشاشات اردبیل دستگیر شد.» در این گزارش به هویت و محل نگهداری فرد بازداشت شده اشاره‌ای نشده است.

در چنین شرایطی رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران بدون اینکه به این

● حرمت‌الله رفیعی رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران شکایت کرده که حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد سفر گردشگران خارجی به ایران لغو شده و سفرهای خروجی ایرانی‌ها هم حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد ریزش داشته است.

● وی که معلوم نیست خودش و جمهوری اسلامی را با کدام افراد و دولت‌ها مقایسه کرده، با اشاره به اعتراضات سراسری یکماه اخیر در ایران می‌گوید: «تظاهرات در کشورهای مختلف اتفاق می‌افتد، مگر ما دخالت کردیم که بیگانه دخالت می‌کند! توقع ما این است سریع‌تر در این‌باره چاره‌اندیشی کنند تا به عامه مردم آسیبی وارد نشود!»

در حالی که موج گسترده‌ای از ممنوعیت در ایران خروج به راه افتاده و چندین تبعه خارجی به «هدایت اعتراضات» متهم شده‌اند، رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران شاکمی است که حتی یک مسافر جام جهانی در هتل‌های ایران، اتاق رزرو نکرده است!

چندی پیش در واکنش به اعتراضات سراسری مردم ایران و رسانه‌های شدن شرایط ناامن در کشور، ۷ کشور آلمان، فرانسه، هلند، اتریش، بلژیک، اسپانیا و ایتالیا به اضافه کشور کانادا به شهروندان خود توصیه کردند که از سفر به ایران بپرهیزند.

اندکی پس از آن نیز حسن حاجی‌سعید رئیس هیأت مدیره تشکل حرفه‌ای راهنمایان گردشگری از لغو کامل تورهای آلمان، اسپانیا، برزیل و استرالیا به مقصد ایران در پی اعتراضات سراسری در ایران خبر داده و گلایه کرده بود که «بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای معاند با انتشار اطلاعیه‌ای مبنی بر توصیه عدم سفر به ایران با توجه به اتفاقات اخیر از ورود بسیاری از گردشگران خارجی که قصد ورود و سفر به ایران را داشته‌اند، جلوگیری به عمل آورده‌اند.»

اکنون حرمت‌الله رفیعی رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران نیز با ابراز شکایت از این موضوع گفته که حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد سفر گردشگران خارجی به ایران لغو شده و سفرهای خروجی ایرانی‌ها هم حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد ریزش داشته است.

وی که معلوم نیست خودش و جمهوری اسلامی با چه افراد و دولت‌هایی مقایسه کرده، با اشاره به اعتراضات سراسری یکماه اخیر در ایران می‌گوید: «تظاهرات در کشورهای مختلف اتفاق می‌افتد، مگر ما دخالت کردیم که بیگانه دخالت می‌کند! توقع ما این است سریع‌تر در این‌باره چاره‌اندیشی کنند تا به عامه مردم آسیبی وارد نشود!»

رفیعی در این بین ولی تاکید کرده با وجود اتفاقات اخیر، امنیت عمومی در کشور از بین نرفته است. این در حالیست که فضای ناامن و نامطمئن برای ورود گردشگران خارجی به ایران را خود نظام جمهوری اسلامی به وجود آورده و با گروگانگیری شهروندان دیگر کشورها، ایران را به یکی از ناامن‌ترین مقاصد گردشگری دنیا بدل کرده است.

مجلس انقلابی: مهسا امینی مورد ضرب و جرح قرار نگرفته است!



قوه قضاییه اصلاح شود.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز پس از خوانده شدن این گزارش بی‌سواد نمایندگان و کسی که این گزارش را خوانده تأیید کرده و گفته است، «متن گزارش قرائت شده دارای اصطلاحات پزشکی بود که سخنگوی کمیسیون به دلیل اینکه پزشک نبودند با این اصطلاحات تخصصی تسلط کامل و آشنایی نداشتند و ممکن است در برخی موارد به درستی بیان نشده که در این رابطه عذرخواهی می‌کنیم!»

پزشکی قانونی روز ۱۵ مهرماه با صدور بیانیه‌ای «با استناد به مدارک پزشکی، سی، تی اسکن مغز و ریه، معاینه جسد و کالبدگشایی و آزمایش‌های آسیب‌شناسی»، در مورد جان باختن مهسا امینی اعلام کرده بود، «ناشی از اصابت ضربه به سر و اعضا و عناصر حیاتی بدن نبوده است». این ادعا از سوی خانواده امینی و پدرش تکذیب و قاطعانه رد شده است. پدر مهسا امینی همچنین در جلسه روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی نیز برای شنیدن گزارش دروغ نمایندگان شرکت نکرد.

صالح نیک‌بخت وکیل خانواده مهسا امینی به وسایط «امتداد» درباره نظریه پزشکی قانونی گفته است، «اولا در این گزارش که بعداً مکتوب آن توسط مطبوعات نیز منتشر شد، اشاره به این مهم نشده که آیا بیماری قبلی مهسا (عمل تومور مغزی) در مرگ او اثرگذار بوده یا خیر. اینها گفته‌اند که این سابقه هم وجود دارد. اما به این نکته اشاره نشده که این سابقه در مرگ مهسا اثر داشته یا خیر. نظریه کارشناس بر اساس قانون، باید صریح، منجز و بدون قید و شرط باشد. این مهم است که آیا مشکل تیروئید مهسا یا عمل جراحی که درباره تومور خوش‌خیم او بوده در مرگ او اثر داشته است یا خیر!»

نیست، اما «میزان و کیفیت اثربخشی اقدامات درمانی در حد فاصل بر زمین افتادن خانم امینی تا زمان حضور پرسنل اورژانس که ۱۰ دقیقه به طول انجامیده است، قابل تامل است و همچنین ازدحام مقابل درب خروجی پلیس امنیت عمومی که باعث تاخیر بیش از ۶ دقیقه‌ای در عزیمت آمبولانس شده نیز در روند درمانی نامبرده بی‌اثر نبوده است!»

کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای از نحوه اطلاع‌رسانی نیروی انتظامی نیز انتقاد کرده که چرا این «حقیقت» را که نمایندگان کشف کرده‌اند زودتر به اطلاع همگان نرسانده است: «اطلاع‌رسانی بهنگام و دقیق فرماندهی نیروی انتظامی از جزئیات این حادثه، زمینه روایت‌سازی جعلی رسانه‌های دشمن را کاهش می‌داد و... عذرخواهی از قصور احتمالی تبعات تلخ اجتماعی را کاهش می‌داد.»

«کمیته حقیقت‌یاب» مجلس شورای اسلامی همچنین با تأکید بر لزوم بررسی و «اصلاح ساختار، روش‌ها و فرایندهای اجرایی حفظ امنیت اجتماعی و عمومی» توسط نهادهای مربوط، بر پیگیری جدی این مسئله تأکید کرده و خواستار «آموزش کارکنان و ماموران، تجهیز پلیس امنیت عمومی به امکانات و ملزومات از جمله لباس‌های دوربین‌دار و نصب دوربین در خودروهای گشت و تجدید نظر در شیوه اجرا و نظارت» شده است تا «با آموزش، نظارت، اصلاح فرایندها و ساختارها، امکان بروز خطای انسانی به حداقل برسد.»

این گزارش همچنین خواستار اصلاح تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی درباره تعریف دقیق از حدود حجاب شرعی و شفاف شدن مفاهیم مبهم مربوط شده که برای اجتناب از اصل تداخل قوا باید از طریق ارائه لایحه

● کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی صبح روز یکشنبه ۲۴ مهرماه گزارش عجیب به اصطلاح «کمیته حقیقت‌یاب» را در صحن علنی مجلس شورای اسلامی خواند که در آن تأکید شده: «هیچگونه ضرب و جرح و برخورد فیزیکی در مواجهه، انتقال و استقرار مرحومه خانم امینی در محل پلیس امنیت عمومی صورت نگرفته است و... فوت نامبرده بر اثر برخورد فیزیکی، ضرب و شتم یا اصابت هرگونه ضربه به وی نبوده است.»

● این کمیته در گزارش عجیب خود حتا خواستار پیگرد قضایی کسانی شده که «قبل از روشن شدن ماجرا... اظهارات عجولانه داشتند و احساسات مردم را جریحه‌دار کرده و زمینه سوء استفاده معاندین نظام و اغتشاشگران را ایجاد کرده‌اند!»

● محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز پس از خوانده شدن این گزارش بی‌سواد نمایندگان و کسی که این گزارش را خوانده تأیید کرده و گفته است، «متن گزارش قرائت شده دارای اصطلاحات پزشکی بود که سخنگوی کمیسیون به دلیل اینکه پزشک نبودند با این اصطلاحات تخصصی تسلط کامل و آشنایی نداشتند و ممکن است در برخی موارد به درستی بیان نشده که در این رابطه عذرخواهی می‌کنیم!»

● صالح نیک‌بخت وکیل خانواده مهسا امینی می‌گوید «در نظریه پزشکی قانونی آمده که مهسا سوابق بیماری داشته و بعد اعلام می‌کنند که هیچگونه عامل خارجی از جمله ضربه‌ای به او وارد نشده که منجر به مرگ گردد. وظیفه کارشناسی پزشکی قانونی این نیست که بگوید ضربه خارجی وجود نداشته است! بلکه در گزارش باید علت یا علل مرگ را تعیین کنند!»

در گزارش نهایی و عجیب به اصطلاح «کمیته حقیقت‌یاب» مجلس شورای اسلامی در مورد علت مرگ مهسا امینی، نمایندگان مربوطه هرگونه «ضرب و جرح و برخورد فیزیکی» با او را تکذیب کرده و در نهایت خواستار پیگرد قضایی علیه کسانی شده‌اند که «قبل از روشن شدن ماجرا با «اظهارات عجولانه و خلاف واقع» احساسات مردم را جریحه‌دار و زمینه سوء استفاده دشمن و اغتشاشگران را ایجاد کرده و هنوز هم مواضع‌شان را اصلاح نکرده‌اند.

کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی صبح روز یکشنبه ۲۴ مهرماه گزارش عجیب «کمیته حقیقت‌یاب» را در صحن علنی مجلس شورای اسلامی خواند که در آن تأکید شده است: «هیچگونه ضرب و جرح و برخورد فیزیکی در مواجهه، انتقال و استقرار مرحومه خانم امینی در محل پلیس امنیت عمومی صورت نگرفته است و... فوت نامبرده بر اثر برخورد فیزیکی، ضرب و شتم یا اصابت هرگونه ضربه به وی نبوده است.»

این کمیته به اصطلاح «حقیقت‌یاب» در گزارش خود حتا خواستار پیگرد قضایی کسانی شده که «قبل از روشن شدن ماجرا... اظهارات عجولانه داشتند و احساسات مردم را جریحه‌دار کرده و زمینه سوء استفاده معاندین نظام و اغتشاشگران را ایجاد کرده‌اند.»

این گزارش همچنین صراحتاً تأکید داشته است، هیچگونه قصور و تقصیری متوجه اورژانس کشور یا بیمارستان کسری

آلبوم جدید لیراز، خواننده اسرائیلی ایرانی تبار در همکاری با هنرمندانی از داخل ایران



نامی از این هنرمندان برده می‌شود و نه چهره آنها نشان داده می‌شود.

آلبوم «رویا» که سومین مجموعه لیراز است، یازده قطعه را در بر می‌گیرد. لیراز اگرچه در خانواده‌ای رشد کرده که پدر و مادر به فارسی صحبت می‌کنند، ولی فارسی او به چند جمله ساده خلاصه می‌شود، با وجود این توانسته با مهارت ده‌ها ترانه را به فارسی اجرا کند.

لیراز در گفتگویی که چندی پیش با کیهان لندن لندن داشت گفت: «مشخص است که خواندن به عبری برای من بسیار آسان‌تر است، ولی من احتیاج داشتم به زبانی مادری‌ام بخوانم. از نظر روحی این ضرورت را حس می‌کردم، زیرا معتقد بودم که به من کمک خواهد کرد تا خودم را بهتر بشناسم. ایرانی و اسرائیلی بودن ساده نیست و خواندن به زبانی که پدر و مادر هنوز به آن تکلم می‌کنند به من این فرصت را داد تا دو سرخ زندگی‌ام را به یکدیگر گره بزنم و بالاخره بفهمم لیراز کیست.» او در ادامه می‌گوید «من روی لهجه زیاد کار نکردم چون نمی‌خواستم خودم را یک خواننده فارسی‌زبان جا بزنم، من ایرانی-اسرائیلی هستم و مشخص است که لهجه دارم. البته خواندن به فارسی خیلی خیلی آسان‌تر از صحبت کردن به این زبان است.»

لیراز در این گفتگو با کیهان لندن به حضور خود در فصل اول سریال تلویزیونی «تهران» نیز اشاره می‌کند و از آن به عنوان «فرصتی فراموش‌نشده و هیجان‌انگیز» یاد می‌کند که «اجازه داد با هنرپیشگان زن و مرد ایرانی آشنا شود.» «هنرمندانی که با شهامت پذیرفتند در یک سریال اسرائیلی شرکت کنند. تصمیمی که راه را به روی بازگشت آنها به ایران بست.»

لیراز در روزهای گذشته با پیامی و ترانه‌ای به زبان فارسی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد، با خیزش مردم ایران که شعار «زن، زندگی، آزادی» آن جهانی شده، اعلام همبستگی کرد. لیراز برای معرفی آلبوم «رویا» در ماه نوامبر چندین کنسرت در اسرائیل و دیگر کشورها برگزار خواهد کرد.

● در آلبوم قبلی لیراز که با نام «زن» انتشار یافت نیز وی با چند هنرمند ایرانی داخل کشور از راه دور و بدون تماس مستقیم همکاری داشته است. اینبار ولی برخی از هنرمندان از تهران به یکی از کشورهای همسایه ایران سفر کردند تا با لیراز چرخی نه تنها در سرودن اشعار ترانه‌های آلبوم «رویا» بلکه در تنظیم موسیقی نیز همکاری کرده و برخی نیز در استودیوی ضبط با نوازندگان اسرائیلی گروه ۶ نفره‌ای (سه نوازنده مرد و سه نوازنده زن) که لیراز را در آلبوم‌ها و در کنسرت‌هایش همراهی می‌کنند هم‌نوازی کردند.

● این هنرمند اسرائیلی ایرانی‌تبار در روزهای گذشته با پیامی و ترانه‌ای به زبان فارسی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد، با خیزش مردم ایران که شعار «زن، زندگی، آزادی» آن جهانی شده، اعلام همبستگی کرد.

احمد رأفت - آلبوم جدید لیراز چرخی، هنرپیشه و خواننده اسرائیلی ایرانی‌تبار با نام «رویا» در نیمه اکتبر رونمایی شد. این اولین آلبوم این خواننده به ترانه‌هایی به زبان فارسی نیست. ویژگی این آلبوم در این است که هنرمندانی از داخل ایران نه تنها در سرودن اشعار بلکه در اجرای موسیقی آن نیز همکاری داشتند.

در آلبوم قبلی که با نام «زن» انتشار یافت نیز لیراز چرخی با چند هنرمند ایرانی داخل کشور از راه دور و بدون تماس مستقیم همکاری داشته است. اینبار ولی برخی از هنرمندان از تهران به یکی از کشورهای همسایه ایران سفر کردند تا با لیراز چرخی نه تنها در سرودن اشعار این ترانه‌ها بلکه در تنظیم موسیقی نیز همکاری کرده و برخی نیز در استودیوی ضبط با نوازندگان اسرائیلی گروه ۶ نفره‌ای (سه نوازنده مرد و سه نوازنده زن) که لیراز را در آلبوم‌ها و در کنسرت‌هایش همراهی می‌کنند هم‌نوازی کردند.

لیراز از ملاقات با این هنرمندان که برای ضبط «رویا» به این کشور همسایه سفر کرده بودند و مدتی را با این خواننده اسرائیلی ایرانی‌تبار گذراندند ویدیویی تهیه کرده است. البته در این ویدیو به دلایل امنیتی قابل درک نه

➔ او اضافه کرد: «در نظریه پزشکی قانونی آمده که مهسا چنین سوابقی داشته و بعد، اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه عامل خارجی از جمله ضربه‌ای به او وارد نشده که منجر به مرگ گردد. وظیفه کارشناسی پزشکی قانونی این نیست که بگوید ضربه خارجی وجود نداشته است! بلکه در گزارش باید علت یا علل مرگ را تعیین کنند! بنابراین، اصلاً صحبت ما هم همین است. ما که ادعای وارد شدن ضربه را نکرده بودیم! ما تنها گفتیم که خواهان آنیم که تمام دوربین‌ها چه در درون ون و چه در درون مقر پلیس امنیت اخلاقی بررسی شود و نیز تاکید داشتیم اگر حادثه‌ای به وجود آمده باشد، احتمالاً باید در آن محل اولیه (داخل ون) باشد.» مرندی پزشک ویژه علی‌خامنه‌ای نیز درباره پرونده قتل مهسا امینی گفته است: «مثل روز روشن است که این واقعه تلخ که اتفاق افتاد به دست انسان‌ها اتفاق نیفتاده است. این واقعه تلخ بود اما ما که واقعاً نمی‌دانیم که این خانم داروهایش را چقدر در آن ایام با دقت مصرف می‌کرده؛ کما اینکه حتی گزارش‌هایی هم که از برخی اعضای خانواده‌اش می‌رسید گفتند که غیر از سرماخوردگی اصلاً به هیچ پزشکی مراجعه نکرده؛ در حالی که در آن زمان مدارک را که پیدا کردند نشان داد که این خانم چندین بار به پزشک متخصص و جراح مغز و اعصاب یا چقدر به فوق تخصص غدد مراجعه کرده است!»

حال آنکه صالح نیک‌بخت وکیل خانواده مهسا امینی به وسایط «امتداد» گفته است، «پدر مهسا به من صراحتاً گفت علت آنکه عنوان کرده دخترم هیچ بیماری که سلامت او را تهدید کند نداشته، همین مسئله بوده و هیچ دلیل دیگری نیز نداشته است. این مسئله را مستند می‌کنم به تأیید دکتر شیروانی در جلسه کمیسیون پزشکی قانونی در روز نهم مهرماه سال جاری که همین مسائل در آن جلسه مطرح شد.»

خانواده امینی بارها هرگونه ابتلا به بیماری زمینه‌ای فرزندان را تکذیب کرده‌اند ولی همچنان مقامات حکومتی تلاش می‌کنند تا با جعل واقعت، مسئولیت قتل این دختر جوان را نپذیرفته و به بیماری وی ارتباط دهند. این دروغ‌پردازی در مورد دیگر جانباختگان و قربانیان قتل‌های حکومتی نیز انجام شده و در مواردی نیز علت را خودکشی اعلام می‌کنند!

همزمان فرمانده انتظامی شهرستان ارومیه در واکنش به کشته شدن نیما شفق دوست نوجوان در جریان اعتراضات اخیر گفته است، با بررسی‌های صورت گرفته، مشخص شد که «نیما شفق دوست حدود ۳ هفته پیش به علت اینکه توسط سگ گاز گرفته شده، به یکی از مراکز درمانی ارومیه مراجعه و سپس از ادامه درمان در بیمارستان خودداری کرده است!»

سرونگ حسن شیخ‌نژاد در این خصوص گفت: «رسانه‌های معاند با پمپاژ اخبار دروغین در بین مردم و عملیات روانی سعی در گمراهی مردم مبنی بر فوت نوجوان ارومیه‌ای به نام نیما شفق دوست در پی تجمعات اخیر در ارومیه را داشتند چراکه منافقان و معاندان با نیات شیطانی خود همیشه به دنبال ایجاد تفرقه و تشویش اذهان عمومی هستند.»

فرمانده انتظامی شهرستان ارومیه، ادامه داد: «با بررسی‌های صورت گرفته، مشخص شد که نامبرده حدود ۳ هفته پیش به علت اینکه توسط سگ گاز گرفته شده، به یکی از مراکز درمانی ارومیه مراجعه و سپس از ادامه درمان در بیمارستان خودداری کرده و در منزل تحت مداوا قرار می‌گیرد که متأسفانه به علت شدت عفونت محل گاز گرفتگی، در نهایت فوت می‌کند!»

سایه «زن، زندگی، آزادی» بر جشنواره فیلم لندن



همبستگی با زنان و مبارزات مردم ایران در فستیوال فیلم لندن



همبستگی با زنان و مبارزات مردم ایران در فستیوال فیلم لندن

که برای حقوق ابتدائی خود در ایران مبارزه می‌کنند و جان می‌دهند ایستاده‌ایم.»

فرش قرمز اکران رسمی فیلم علی عباسی ولی بیش از مراسم حمایت از سه فیلمساز زندانی (البته مصطفی آل‌احمد به قید وثیقه خارج از زندان است) توجه رسانه‌ها و بینندگان را به خود جلب کرد. علی عباسی فرش قرمز فیلم‌اش را به حرکتی علیه جمهوری اسلامی ایران بدل کرد. او با عبا و عمامه و به شکل آخوندی که خون از دهانش جاریست و دست‌هایش نیز به خون آلوده است روی فرش قرمز حضور پیدا کرد. اشاره مستقیم این کارگردان ایرانی-دائمارکی به کشتار معترضین در این روزها در ایران بود.

در کنار علی عباسی، زر امیرابراهیمی و دیگر عوامل «عنکبوت مقدس» هم تابلوهائی در دست داشتند که بر روی آنها نام مهسا امینی و شعار «زن زندگی آزادی» نوشته شده بود. «عنکبوت مقدس» داستان قاتل سریالی کارگران جنسی در مشهد است که بالاخره با پشتکار روزنامه‌نگاری که از تهران آمده بود و زر امیرابراهیمی این نقش را ایفا می‌کند، دستگیر و اعدام می‌شود.

برخلاف فیلم‌های جعفر پناهی و علی عباسی، «تفریق» مانی حقیقی داستانی سیاسی نبود و به نوعی می‌توان آن را فیلمی از نوع کارهای آلفرد هیچکاک دانست، البته با تفاوت بسیار. این فیلم اگر پاسپورت کارگردان در آستانه سفر به لندن برای حضور در جشنواره ضبط می‌شد، احتمالاً توجه رسانه‌ها را به خود جلب می‌کرد. مانی حقیقی در پیامی ویدئویی که قبل از اکران فیلم او پخش شد، ضمن اعلام این ممنوع‌الخروجی، از اینکه «در این لحظه تاریخی در ایران می‌ماند» ابراز خرسندی کرد.

در این جشنواره دو فیلم کوتاه از سینماگران جوان ایرانی نیز گنجانده شده بود: «پرونده» ساخته سونیا حداد و «تابستان با امید» ساخته صدف فروغی. این دومی به موضوعی ممنوع و تابو در جمهوری اسلامی یعنی روایت یک رابطه همجنسگرایانه مربوط می‌شود. موضوعی که با توجه به صدور حکم اعدام برای دو زن همجنسگرا در جمهوری اسلامی می‌توانست مورد توجه قرار گیرد.

و یا تحت فشار قرار دارند به لندن هم رسید. امسال در جشنواره فیلم لندن سه فیلم در بخش‌های غیررقابتی اکران شدند: «عنکبوت مقدس» علی عباسی، «خرس نیست» جعفر پناهی و «تفریق» مانی حقیقی. «عنکبوت مقدس» با جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره کن که به زر امیرابراهیمی تعلق گرفت به لندن آمده بود. فیلم «خرس نیست» جعفر پناهی، که در این روزها در زندان بسر می‌برد نیز در آخرین جشنواره سینمایی ونیز جایزه ویژه هیات داوران را از آن خود ساخته بود. کارگردان «تفریق» نیز در نیمه جشنواره فیلم لندن ممنوع‌الخروج شد و نتوانست برای اکران فیلم‌اش به بریتانیا سفر کند.

تریشیا تاتل مدیر جشنواره فیلم لندن، در جریان مراسمی که همزمان با اکران رسمی «خرس نیست» جعفر پناهی در انستیتوی بریتانیائی فیلم برگزار شد، همراه گروهی از سینماگران که پلاکاردهایی با نام‌های جعفر پناهی، محمد رسول‌اف و مصطفی آل‌احمد را در دست داشتند حمایت خود را از این سه سینماگر اعلام کرد. تریشیا تاتل مدیر جشنواره فیلم لندن که تی‌شرتی با نوشته «زن، زندگی، آزادی» بر تن داشت در این مراسم یادی از مهسا (ژینا) امینی نیز کرد و گفت «نام او هرگز فراموش نخواهد شد.» جعفر پناهی بنا بر حکم دادگاهی در جمهوری اسلامی نمی‌تواند هیچگونه فعالیت هنری داشته باشد، با رسانه‌ها گفتگو و یا به خارج سفر کند. «خرس نیست» ادامه‌ای است بر سبک و سیاق سال‌های اخیر این فیلمساز که در نقش خود ظاهر می‌شود. اینبار در روستایی سر مرز ترکیه و سرگرم کارگردانی فیلمی از راه دور که دیگر عوامل‌اش در آنسوی مرز مشغول به کار هستند.

تریشیا تاتل در حاشیه این مراسم به کیهان لندن گفت «برای من نه قابل فهم و نه قابل قبول است که سه کارگردان شناخته شده تنها به اتهام فعالیت‌های هنری خود و ابراز عقیده در زندان باشند. ما نه می‌توانیم در مقابل سرکوب وحشیانه معترضین به قتل یک دختر ۲۲ ساله تنها به خاطر اینکه حجاب‌ش را مطابق میل مأمور پلیسی بر سر نداشت بی‌تفاوت بمانیم و نه سکوت اختیار کنیم. ما در کنار زنانی

● جشنواره فیلم لندن که امسال برای ۶۶مین بار برگزار می‌شد، نمی‌توانست به آنچه در ایران می‌گذرد بی‌تفاوت بماند. طول موج حمایت سینماگران و جشنواره‌های بین‌المللی از زنان ایرانی و همدردی با کارگردانان ایرانی که در زندان و یا تحت فشار قرار دارند به لندن هم رسید.

● علی عباسی کارگردان «عنکبوت مقدس» فرش قرمز فیلم‌اش را به حرکتی علیه جمهوری اسلامی ایران بدل کرد. او با عبا و عمامه و به شکل آخوندی که خون از دهانش جاریست و دست‌هایش نیز به خون آلوده است روی فرش قرمز حضور پیدا کرد. اشاره مستقیم این کارگردان ایرانی-دائمارکی به کشتار معترضین در این روزها در ایران بود.

● برخلاف فیلم‌های جعفر پناهی و علی عباسی، «تفریق» مانی حقیقی داستانی سیاسی نبود و به نوعی می‌توان آن را فیلمی از نوع کارهای آلفرد هیچکاک دانست، البته با تفاوت بسیار. این فیلم اگر پاسپورت کارگردان در آستانه سفر به لندن برای حضور در جشنواره ضبط می‌شد، احتمالاً توجه رسانه‌ها را به خود جلب می‌کرد.

احمد رأفت - جشنواره فیلم لندن، که ۵ اکتبر آغاز شده بود، یکشنبه شانزدهم اکتبر با انتخاب بهترین‌ها به پایان رسید. امسال هیچکدام از فیلم‌های سینماگران ایرانی در بخش رقابتی حضور نداشتند. «لباس زنانه» کارگردان اتریشی ماری کروتر جایزه بهترین فیلم بخش اصلی را به دست آورد؛ در بخش مسابقه فیلم‌های اول هم جایزه به فیلم «۱۹۷۶» ساخته مائوئلا مارتلی از شیلی رسید که در روایت دیکتاتوری آگوستو پینوشه به این نتیجه می‌رسد که تمام دیکتاتورهای جهان بهم شباهت دارد و هر بار تاریخ پس از مدتی در گوشه دیگری از دنیا تکرار می‌شود. در بخش رقابتی فیلم‌های مستند «همه نفس‌ها» ی شوناک سن از هند به عنوان بهترین انتخاب شد.

جشنواره فیلم لندن که امسال برای ۶۶مین بار برگزار می‌شد، نمی‌توانست به آنچه در ایران می‌گذرد بی‌تفاوت بماند. طول موج حمایت سینماگران و جشنواره‌های بین‌المللی از زنان ایرانی و همدردی با کارگردانان ایرانی که در زندان

فراخوان تحسن در یکم و دوم آبان از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان؛ اعتراض به گشتار و بازداشت دانش آموزان



سیاه تمرکز کنیم و برایمان مهم نباشد که حال فرزندان این سرزمین چگونه است. اگر مردم و جامعه فریاد می‌زند، ما هم بخشی از این فریاد و تظلم خواهی هستیم.

از همین رو شورای هماهنگی در حمایت از اعتراضات برحق مردم سراسر ایران، و در محکومیت گشتارها و سرکوب‌های هفته‌های گذشته و به ویژه در محکومیت گشتن و بازداشت دانش آموزان و معلمان، کنش‌های اعتراضی زیر را به مردم ایران به ویژه و معلمان شریف کشور اعلام می‌دارد:

۱- این شورا روزهای پنجشنبه ۲۸ و جمعه ۲۹ و شنبه ۳۰ مهر را به یاد جانباختگان اعتراضات، عزای عمومی اعلام می‌کند.

در این روزها با سرکشی به خانواده‌ی جانباختگان، حضور بر سر مزار آنها و پوشیدن نمادین لباس، مچ‌بند و دیگر پوشش‌های مشکی، مراتب همدردی و همبستگی خود با این خانواده‌های داغ‌دیده اعلام می‌کنیم و روز شنبه همگی با لباس مشکی در مدرسه حاضر می‌شویم.

۲- شورای هماهنگی برای روز یکشنبه ۱ و دوشنبه ۲ آبان تحسن اعلام می‌کند.

ما معلمان در این دو روز در مدارس حاضر می‌شویم، اما از حضور در کلاس‌های درس خودداری می‌کنیم.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با برگزاری این تحسن‌ها، بار دیگر همراهی خود را با مردم اعلام و به حاکمیت اعلام می‌کند که خواسته‌های بنیادین معلمان به رسمیت شناختن حق اعتراض مردم، آزادی بدون قید و شرط تمامی دانش آموزان است و تا زمانی که دانش آموزان به مدرسه برنگردند و حاکمیت دست از گشتار مردم و کودکان بردارد و صدای به حق مردم را با گلوله جواب دهد، به اعتراضات خود ادامه می‌دهیم.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران
 ۲۷ مهر ۱۴۰۱

ادارات در سراسر کشور، به آلت دستی برای سرکوب تبدیل شده و با مشروع دانستن ارجاع دانش آموزان معترض به کانون‌های اصلاح و تربیت رسالت آموزش و پرورش را به کلی زیر سوال برده‌اند.

قطع سیستماتیک اینترنت کشور نمونه‌ی کوچکی از تحدید آزادی‌های قانونی ملت ایران است، حاکمیت طی سال‌های گذشته، برای جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات و وارونه نشان دادن حقیقت، به این کار غیرقانونی دست زده است. «آزادی» یکی از خواسته‌های مردم ایران در انقلاب ۵۷ بود که متأسفانه قربانی اصلی چهار دهه حاکمیت کنونی است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بارها به حاکمیت هشدار داده که از محدود کردن مفهوم مقدس «آزادی» و خشونت علیه معترضین دست بردارد، حق اعتراض مردم را به رسمیت بشناسد و دست از آزار دانش آموزان و امنیت کردن فضاهای آموزشی بردارد. اما حاکمان، در جواب، روش‌های سرکوب را شدیدتر و خشونت‌بارتر کرده‌اند، تا جایی که حتی در مدارس ابتدایی هم گاز اشک‌آور شلیک می‌کنند، دانش آموزان را به اجبار به مراسم ایدئولوژیک که هیچ ارتباطی با آموزش و تربیت ندارد، اعزام می‌کنند و طرفه آنکه اگر کسی همراهی نکند، او را چنان کتک می‌زنند تا جان عزیزش را بستانند. از دانش آموزان بازجویی می‌کنند و تعهد می‌گیرند و بعد بجای پاسخگویی، به سناریوسازی و اعتراف‌گیری اجباری روی می‌آورند. علت مرگ معترضین را بیماری مادرزاد، خودکشی و گاز گرفتگی سگ جلوه می‌دهند، و جان کودکان و جوانان این سرزمین را در معرض گلوله قرار می‌دهند.

حاکمان، باید بدانند که جامعه‌ی معلمان ایران، این قساوت‌ها و سبغیت را تحمل نمی‌کند و اعلام می‌دارد که ما از مردم هستیم و آن گلوله‌ها و ساچمه‌هایی که در خیابان‌ها به مردم می‌زنید، روح و جان ما را هدف قرار می‌دهد. نفس دانش آموز با نفس ما درهم آمیخته و ما نمی‌توانیم در میانه‌ی باروت و آتش و ساچمه، روی تخته

● این شورا روزهای پنجشنبه ۲۸ و جمعه ۲۹ و شنبه ۳۰ مهر را به یاد جانباختگان اعتراضات، عزای عمومی اعلام می‌کند. در این روزها با سرکشی به خانواده‌ی جانباختگان، حضور بر سر مزار آنها و پوشیدن نمادین لباس، مچ‌بند و دیگر پوشش‌های مشکی، مراتب همدردی و همبستگی خود با این خانواده‌های داغ‌دیده اعلام می‌کنیم و روز شنبه همگی با لباس مشکی در مدرسه حاضر می‌شویم.

● شورای هماهنگی برای روز یکشنبه ۱ و دوشنبه ۲ آبان تحسن اعلام می‌کند. ما معلمان در این دو روز در مدارس حاضر می‌شویم، اما از حضور در کلاس‌های درس خودداری می‌کنیم.

به نام خداوند جان و خرد
 مردم آزادی‌خواه و حق طلب ایران، همکاران گرانقدر!
 شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به سرکوب سیستماتیک معلمان، دانش آموزان و مردم شریف ایران بیانیه‌هایی را همراه اخبار مدارس به اطلاع مردم شریف ایران رسانده است. نیک می‌دانیم نیروهای نظامی، امنیتی و لباس شخصی‌ها، در حال تعرض به حریم مدارس و فضاهای آموزشی هستند. در طی این سرکوب سیستماتیک، تا کنون جان عزیز تعدادی از دانش آموزان و کودکان را به بی‌رحمانه‌ترین شکل گرفته‌اند؛ از نیکا و سارینا تا ابوالفضل و اسرا پناهی در اردبیل و ۱۴ دانش آموز و کودک سیستان و بلوچستان و کرمانشاه و گیلان و مازندران و کردستان و آذربایجان و مشهد...

نهادهای سرکوبگر در هفته‌های گذشته، برخلاف قوانینی که کودکی را رافع مسئولیت می‌داند، صدها دانش آموز را در بازداشت نگه داشته‌اند و این روند به شکل غیرانسانی همچنان تداوم دارد، همچنین تعداد زیادی از معلمان نیز بی‌هیچ دلیل و بدون هیچ حکم قضایی بازداشت شده‌اند. با کمال تأسف وزیر آموزش پرورش نه تنها کمترین صیانتی از جامعه آموزش کشور به عمل نیاورد، بلکه خود و حراست

صولت مرتضوی یکی دیگر از چهره‌های امنیتی و فاسد جمهوری اسلامی با وجود تخلفات مالی و حکم انفصال از خدمت، وزیر کار جمهوری اسلامی شد!



صولت مرتضوی در جلسه بررسی صلاحیت در مجلس شورای اسلامی

● صولت مرتضوی یکی دیگر از چهره‌های امنیتی و فاسد جمهوری اسلامی از شهریورماه سال گذشته تا کنون معاون اجرایی ابراهیم رئیسی بود و در این فاصله لابی و روابطی قوی در مجلس شورای اسلامی برای خود ایجاد کرد. ● صولت مرتضوی در سال ۱۳۹۶ به دلیل تخلفات مالی و ممانعت از حسابرسی با نظر دیوان محاسبات کشور از شهرداری مشهد عزل شده بود.

● او همچنین از سوی دیوان عدالت اداری به پنج سال انفصال از خدمت در دولت محکوم شده بود که به نظر می‌رسد برای رسیدن وی به وزارت، این حکم تغییر کرد! صولت مرتضوی که پیشتر به پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم شده بود از سوی ابراهیم رئیسی به عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مجلس شورای اسلامی معرفی شد و اکثر نمایندگان نیز به او رأی اعتماد دادند.

صولت مرتضوی معاون پیشین سیاسی وزارت کشور در دولت احمدی‌نژاد روز شنبه از طرف دولت رئیسی به عنوان گزینه پیشنهادی برای وزارت تعاون، کار، رفاه و امور اجتماعی معرفی شد. صولت مرتضوی در حالی امروز چهارشنبه ۲۷ مهرماه توانست با رأی موافق اکثر نمایندگان به عنوان وزیر منصوب شود که از روز گذشته نیز وزارت او قطعی اعلام شده بود.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز چهارشنبه صولت مرتضوی را با ۱۷۶ رأی موافق، ۶۴ رأی مخالف و ۱ رأی ممتنع به عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی منصوب کردند. او از شهریورماه سال گذشته تا کنون معاون اجرایی ابراهیم رئیسی بود و در این فاصله لابی و روابطی قوی در مجلس شورای اسلامی برای خود ایجاد کرده بود.

صولت مرتضوی یکی دیگر از چهره‌های امنیتی و فاسد در جمهوری اسلامی است که فسادها و تخلفات مالی او تا کنون دو بار علنی شده است. او با ورود به بسج فعالیت‌های خود در جمهوری اسلامی را آغاز کرد و از جمله سوابق پیشین او ریاست سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، ستاد انتخابات کشور، معاون سیاسی وزارت کشور، شهردار مشهد، استاندار خراسان جنوبی، فرماندار لردگان، فرماندار بیرجند، مدیرکل اقدامات تأمینی سازمان زندان‌ها، مدیرکل امور اداری و مالی سازمان زندان‌ها، مدیر مسئول روزنامه حمایت، دبیر اجرایی انجمن روزنامه نگاران مسلمان و دبیرکل انجمن روزنامه نگاران مسلمان بوده است.

صولت مرتضوی در سال ۱۳۸۸ از سوی مصطفی محمد نجار به عنوان معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات کشور منصوب شد و تا پایان دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در این سمت بود. نقش او در سرکوب معترضان و مبارزه با آزادی بیان در همان سال سبب قرار گرفتن او در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا در سال ۱۳۹۱ و توقیف اموال وی در این اتحادیه شد.

صولت مرتضوی در سال ۱۳۹۲ از سوی شورای شهر مشهد به عنوان شهردار معرفی اما مدرک غیرمرتبط او در کارشناسی الهیات با شهرداری، مدتی حاشیه‌ساز شد اما در نهایت او به عنوان شهردار مشهد آغاز به کار کرد. او سال ۱۳۹۶ به دلیل تخلفات مالی و ممانعت از حسابرسی با نظر

دیوان محاسبات کشور از شهرداری مشهد عزل شد. او همچنین از سوی دیوان عدالت اداری به پنج سال انفصال از خدمت در دولت محکوم شده بود که به نظر می‌رسد برای رسیدن وی به وزارت، این حکم تغییر کرد! بر اساس تصاویر منتشر شده از این حکم شعبه ۲۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری سیدصولت مرتضوی، رئیس نهاد ریاست جمهوری را به پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم کرده بود. تاریخ صدور این حکم ۱۱ مهرماه ۱۴۰۱ است. اما تنها چند روز بعد، در حکم دیگری پس از حکم شعبه تجدیدنظر، حکم دیگری از سوی شعبه ۲۴ تجدیدنظر دیوان

در مجلس برگزار شد که پیشتر برخی نمایندگان از رسیدن او به وزارت خبر داده بودند. قابل توجه اینکه نمایندگان برای وزارت مهم تعاون، کار، و رفاه اجتماعی به مدرک نامرتب کارشناسی الهیات صولت مرتضوی و پیشینه فساد اقتصادی و مالی او توجهی نکردند! کاظم موسوی نماینده اردبیل و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس روز دوشنبه و دو روز پیش از برگزاری جلسه بررسی صلاحیت گفته بود که «مرتضوی گزینه پیشنهادی وزارت کار، متدین، متخصص و وارد به کار است. او به سیستم اداره کشور آگاه است و در وزارتخانه‌های مختلف و شهرداری



کار کرده و تجربه کافی دارد. مرتضوی صلاحیت لازم جهت تصدی وزارت کار را دارد و حتما از مجلس رأی اعتماد می‌گیرد. مجلس انقلابی به یک فرد انقلابی رأی می‌دهد.» حسین نوش‌آبادی نماینده ورامین و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز با اشاره به معرفی وزیر پیشنهادی کار به مجلس گفته بود که «مرتضوی تجربه اجرایی و تجربه مدیریتی خوبی دارد و از توانایی و کارآمدی لازم برای این پست برخوردار است. او می‌تواند مشکلات این وزارتخانه را حل کند و در مجلس رأی می‌آورد. اکثریت نمایندگان مجلس با مرتضوی موافق هستند.»

عدالت اداری صادر شده که مطابق آن دادگاه رای به رد شکایت شاکتی نسبت به سیدصولت مرتضوی داده است. بر اساس حکم تجدید نظر استنکاف صولت مرتضوی از اجرای قانون، رد شده و حکم قبلی به دلیل نبود استدلال کافی نقض شده است. این حکم در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۴۰۱ صادر شده و بر اساس آنچه در این حکم نوشته شده، این حکم قطعی است و عملا مرتضوی برای معرفی شدن به مجلس برای تصدی پست وزارت رفاه مشکل حقوقی و قضایی ندارد. جلسه بررسی صلاحیت صولت مرتضوی در حالی امروز



کامبیز صمدی

کامبیز صمدی قهرمان پرورش اندام به خاطر حمایت از اعتراضات مردم ایران از محل کارش در آتش‌نشانی اخراج شد!

اعتراض کامبیز صمدی و کنار کشیدن وی از تیم منجر به لغو اردوی تیم ملی پرورش اندام ایران شده است. یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید: «ورزشکاران تیم ملی دو دسته شده‌اند. فدراسیون تهدید کرده با انصرافی‌ها «برخورد شدید امنیتی خواهد شد... صمدی یک آتش‌نشان است بعد از انصرافش از تیم ملی از کارش هم اخراج شده و اجازه ندادند به آتش‌نشانی برود!»

پیش از این، یاسر بیگی و امیرحسین نیکو در مسابقات «ان‌پی‌سی» فیلیپین که هفته گذشته برگزار شد با در دست داشتن تصویر مهسا امینی همبستگی خود را با مردم ایران اعلام کردند. هنوز مشخص نیست واکنش حراست وزارت ورزش به این اقدام چه خواهد بود.

یکی از نزدیکان این ورزشکار می‌گوید «اول پاسپورت کامبیز را گرفتند و بعد احضار شد و تهدیدش کردند که باید در رسانه‌ها بگویم علت انصراف پارگی عضله بازو بوده!» مسابقات جهانی اسپانیا قرار است از ۱۱ تا ۱۶ آبان در سانتاسوسانا اسپانیا برگزار شود. مسعود روشنی سخنگوی فدراسیون پرورش اندام با بیان اینکه پوشیدن پیراهن تیم ملی لیاقت می‌خواهد تهدید کرده با ورزشکاران انصرافی برخورد خواهد شد! او ادعا کرده «صمدی پیشتر از ناحیه عضله پشت بازو، دچار پارگی و آسیب‌دیدگی شده و در ضمن، مدارکش برای دریافت ویزای اسپانیا ناقص بوده و احتمالاً مشکل خروج از کشور هم دارد.»

● اعتراض کامبیز صمدی و کنار کشیدن وی از تیم منجر به لغو اردوی تیم ملی پرورش اندام ایران شده است. یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید: «ورزشکاران تیم ملی دو دسته شده‌اند. فدراسیون تهدید کرده با انصرافی‌ها «برخورد شدید امنیتی خواهد شد... صمدی یک آتش‌نشان است بعد از انصرافش از تیم ملی از کارش هم اخراج شده و اجازه ندادند به آتش‌نشانی برود!»

منابع مطلع به کیهان لندن می‌گویند کامبیز صمدی ورزشکار سنگین‌وزن تیم ملی پرورش اندام که در حمایت از اعتراضات مردم ایران از شرکت در مسابقات جهانی اسپانیا انصراف داده بود از محل کارش در آتش‌نشانی اخراج شده است!



تظاهرات ضدحکومتی در تهران

گردآوری امضاء برای اخراج دیپلمات‌های جمهوری اسلامی از کشورهای عضو «گروه هفت»

هستند به شدت در خطر است. اعضای گروه «ایرانیان مدافع عدالت و حقوق بشر» دو خواسته را با مقامات کشورهای گروه هفت مطرح کرده‌اند: آزادی زندانیان سیاسی و معرفی سفیران جمهوری اسلامی یا نمایندگان آنها در سازمان‌های بین‌المللی به عنوان «عصر نامطلوب» و اخراج آنها. این کارزار اینترنتی را کاوه شهروز وکیل و فعال حقوق بشر ساکن کانادا در یکی از شناخته‌شده‌ترین وبسایت‌های بین‌المللی ویژه کارزارهای جمع‌آوری امضا (Change.org) راه‌اندازی کرده و حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های جانب‌اختگان هواپیمای اوکراینی از نخستین افرادیست که با انتشار گسترده فراخوان این کارزار در رسانه‌های اجتماعی، خواهان پیوستن ایرانیان به آن و امضای این درخواست شده است.

را نمی‌خواهند، سفیران و نمایندگان جمهوری اسلامی را از کشورشان اخراج کنند. در متن این کارزار که برای جمع‌آوری امضاء از روز یکشنبه ۲۴ مهرماه (۱۶ اکتبر) در دسترس عموم قرار گرفته و تا کنون نزدیک به ۱۹۹ هزار تن آن را امضا کرده‌اند، تأکید شده واضح است که رژیم اسلامی در ایران می‌خواهد به خشونت غیرانسانی علیه شهروندان ادامه داده و آن را تشدید کند. در این کارزار با اشاره به آتش‌سوزی مشکوک در زندان اوین که شماری کشته و مصدوم برجای گذاشت آمده است «ما نگران هستیم که جان بسیاری از زندانیانی که تنها به علت مخالفت با حکومت زندانی شده‌اند (شامل زندانیان سیاسی، فعالین مدنی، هنرمندان، نمایندگان اقلیت‌های مذهبی و قومی، فعالان کارگری و دیگران که لیستی طولانی خواهد بود) و زندانیان دوتابعیتی که در این زندان و زندان‌های دیگر

● اعضای گروه «ایرانیان مدافع عدالت و حقوق بشر» در یک کارزار اینترنتی از وزرای خارجه هفت کشور صنعتی بریتانیا، کانادا، آمریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه و ایتالیا موسوم به «G7» خواسته‌اند در اعتراض به سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم ایران و رفتار غیرانسانی با معترضان، اخراج سفیران و نمایندگان جمهوری اسلامی را از کشورشان اخراج کنند.

شماری از ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی با عنوان اعضای گروه «ایرانیان مدافع عدالت و حقوق بشر» در یک کارزار اینترنتی از وزرای خارجه هفت کشور صنعتی بریتانیا، کانادا، آمریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه و ایتالیا موسوم به «G7» خواسته‌اند در اعتراض به سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم ایران و رفتار غیرانسانی با معترضان که جمهوری اسلامی

واقعیت‌های میدانی اعتراضات سراسری که حکومت برای پنهان نگه داشتن آنها تلاش می‌کند!



به آتش کشیدن موتورسیکلت نیروهای امنیتی در اعتراضات ضدحکومتی / ۲۰ مهرماه ۱۴۰۱

حتماً کمک الهی همراه ما خواهد بود!»
ساعاتی پس از سخنرانی خامنه‌ای در جمع اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام (چهارشنبه ۲۰ مهرماه) با وجود تهدیدات مکرر مقامات قضایی و امنیتی مردم باز هم در نقاط مختلف کشور به خیابان‌ها آمدند. در تهران تظاهرات آنقدر گسترده بود که به محلات اطراف مجموعه به اصطلاح «بیت» خامنه‌ای رسید. ویدئوها نشان می‌دهد مردم تا نیمه‌های شب در خیابان آذربایجان، مختاری، قزوین و عباسی که محلات مجاور محل سکونت عادی خامنه‌ای است تظاهرات کردند و علیه او و حکومت شعار دادند.
در این میان، روزنامه دولتی «ایران» با تکیه بر مواضع خامنه‌ای به اعتراضات در یادداشتی که نویسنده آن امیرحسین ثابتی از مبلغان حکومتی است با روایت‌سازی دروغ برای کم اهمیت جلوه دادن اعتراضات مدعی شد «برای کسانی که فتنه ۸۸ را از نزدیک دیدند، اتفاقات چند روز گذشته شوخی است!» او نوشته «فتنه سال ۸۸ که از خردادماه آغاز و تا دی‌ماه (مجموعاً ۸ ماه) ادامه داشت فتنه سنگین، فراگیر و پیچیده‌ای بود... اما [اینبار] مردم روی خوشی به تجمعات نشان نمی‌دهند زیرا می‌دانند شورش‌های بی‌سر و بی‌هدف است!» معلوم نیست در اینصورت از یکسو چه نیازی به توضیح است و از سوی دیگر گسیل کردن اینهمه گارد ضد شورش به خیابان‌ها و تهدیدات مکرر چه معنی دارد!

البته استاد نویسنده در این گزارش به موضع‌گیری‌های خامنه‌ای در ارتباط با اعتراضات است که در مقایسه با اعتراضات سال ۸۸ خیلی به آن توجه علنی نشان نداده است. اما واقعیت آنقدر آشکار است که حتی مسئولان نظام هم به آن اعتراف می‌کنند. سید محمد صدر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید: «شعارهای معترضان بطور غیرقابل باوری تند و از روی خشم است.» او همزمان اعتراف می‌کند اعتراضات بطور گسترده به مدارس

می‌گوید: «شعارهای معترضان بطور غیرقابل باوری تند و از روی خشم است.» او همزمان اعتراف می‌کند اعتراضات بطور گسترده به مدارس کشیده شده و محور آن جوانان و نوجوانان هستند.

● یک «مقام امنیتی» به خبرگزاری ایرنا می‌گوید «بدنه دیگری که به این اغتشاش‌ها دامن زد و عمدتاً در شهر تهران هستند جریان سلطنت طلب است.» البته نکته دروغ در روایت این مقام امنیتی این است که حمایت از پهلوی‌ها را محدود به تهران می‌کند!

از روزهای آغازین اعتراضات سراسری در ایران (۲۶ شهریورماه ۱۴۰۱) مقامات و رسانه‌های حکومتی مدام ادعا کرده‌اند «در شهرها آرامش برقرار شده» یا «تجمعات ۹۰ درصد کاهش یافت!» حتی فرمانده نیروی انتظامی از این هم فراتر رفت و در سخنانی عجیب و خنده‌دار مدعی شد، که «طبق نظرسنجی‌های صورت گرفته علاقه مردم به نیروی انتظامی افزایش پیدا کرده است!»

بدیهی است حکومت حتی در مواجهه با شدیدترین اعتراضات برای عقب‌نماندن از «جنگ روانی» بر اساس پروتکل‌های امنیتی با کم اهمیت جلوه دادن تظاهرات و تحقیر معترضان و روایت‌های غلط دست‌کم برای حفظ روحیه نیروهای سرکوب و حامیان خود روش‌های تبلیغاتی مختلف را محک می‌زند.

چنانکه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی با گذشت نزدیک به یک ماه از اعتراضات بدون اشاره به گسترده‌تر شدن آن خطاب به مسئولان نظام می‌گوید، «اغتشاشات پراکنده» و «حوادث جزئی» نباید حواس شما را پرت کند. او تلاش می‌کند با سلیبی صورت خود را سرخ نگه دارد و در کلام و اعتماد کند که خونسرد است و نظام بر اوضاع تسلط کامل دارد و این اعتراضات چیزی نیست که خیال او را مشوش کند! ضمن اینکه او بر اساس نگاه آخرزمانی خود تأکید کرد «ما به وعده الهی مبنی بر پیروزی قطعی یقین داریم و

● نهادهای امنیتی ادعا می‌کنند آنچه در خیابان‌های ایران می‌گذرد ناشی از دخالت «سفارتخانه‌های امان و انگلیس» و «مداخله گروه‌های مسلح کومله و دموکرات‌هاست.» گذشته از اینکه چنین ادعاهایی برای این است تا رژیم مثل همیشه برای سرکوب و حذف معترضان پای «دشمن» خارجی را به میان بکشد و همچنین با حمله به مواضع احزاب گرد در اقلیم کردستان عراق به دنبال بهانه‌ای برای جنگ‌افروزی و انحراف افکار عمومی و بین‌المللی از اعتراضات مردم باشد، اما در متن و محتوای صحبت امنیتی‌ها بر اساس همان مواردی که در رسانه‌های حکومتی منتشر می‌شود نیز می‌توان دریافت که برای آنها هم وضعیت بسیار متفاوت است و با «دشمن خارجی» و «تجزیه‌طلب‌ها» می‌توان اعتراضات را سرکوب کرد چرا که دست بالا را ایران‌گرایان و طرفداران پادشاهی دارند و به این ترتیب هم موضوع «دشمن خارجی» و هم «تجزیه‌طلبی» منتفی می‌شود!

● علی خامنه‌ای در دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام تلاش کرد صورتش را با سلیبی سرخ نگه هدارد و در کلام و سخنانش واهمود کند که خونسرد است و نظام بر اوضاع تسلط کامل دارد! اما ساعاتی بعد در تهران تظاهرات آنقدر گسترده شد که به محلات اطراف مجموعه به اصطلاح «بیت» خامنه‌ای رسید.

● روزنامه دولتی «ایران» با تکیه بر مواضع خامنه‌ای در مورد اعتراضات در یادداشتی که نویسنده آن امیرحسین ثابتی از مبلغان حکومتی است با روایت دروغ برای کم اهمیت جلوه دادن اعتراضات مدعی شد «برای کسانی که فتنه ۸۸ را از نزدیک دیدند، اتفاقات چند روز گذشته شوخی است!» معلوم نیست در اینصورت از یکسو چه نیازی به توضیح است و از سوی دیگر گسیل کردن اینهمه گارد ضد شورش به خیابان‌ها و تهدیدات مکرر چه معنی دارد!
● سید محمد صدر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

تعليق عضويت جشنواره فيلم کوتاه تهران در «کنفرانس فيلم کوتاه» به دليل حمايت از «سرکوب و کشتار»



پوستر جایگزینی که معترضان به کشتار معترضان برای جشنواره فیلم کوتاه طراحی کرده‌اند

او با بیان اینکه انصراف هر فیلمی تلخ است اما برگزار نشدن جشنواره تلخ‌تر افزود: «فیلمسازان را مقابل فیلمسازان قرار ندهیم.»

آذرپندار یکی از وابستگان به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و جشنواره فیلم کوتاه تهران یک رویداد مستقل خواند که نباید با آن برخورد سیاسی کرد!

وی اضافه کرد: «جشنواره را برگزار می‌کنیم چون قولش را داده‌ایم و با کسی لجبازی نداریم. تا دقیقه ۹۰ از حضور فیلمسازانی که انصراف داده‌اند در جشنواره استقبال می‌کنیم.»

وحید حسینی نامی، سعید کشاورز، حامد اصلانی، علی پاک‌نیا و فردین انصاری به نمایندگی از طرف فیلمسازان منتحبی که مخالف برگزاری جشنواره در شرایط فعلی هستند با مهدی آذرپندار دبیر جشنواره فیلم کوتاه جلسه‌ای برگزار کردند با هدف اینکه تاریخ این رویداد به زمان مناسب‌تری موکول شود. با وجود این، دبیر جشنواره تأکید کرده که باید برگزار شود.

به دنبال این اتفاق فردین خلعتیری، حسن حسینی، پویان صدقی و حمید نجفی‌راد که قرار بود در بخش فرعی جشنواره فیلم کوتاه برگزارکننده برخی نشست‌های تخصصی باشند، اعلام کردند که از حضور در این برنامه‌ها انصراف داده‌اند. کاوه مظاهری از فیلمسازان و فعالان فیلم کوتاه هم که قرار بود به عنوان مشاور بین‌الملل با جشنواره فیلم کوتاه تهران همکاری داشته باشد، اعلام کرد حاضر به شرکت در این جشنواره نیست.

محمود کلاری، بهروز افخمی، رسول صدراعلمی، رضا کیانیان و احمدرضا درویش از جمله چهره‌های مطرح سینمایی هستند که سایر نشست‌ها را به عهده داشته و تا زمان تنظیم این گزارش اظهار نظری نداشته‌اند.

وضعیت فیلمسازان شرکت‌کننده پیچیده‌تر است چرا که آنها طبق تعهدات قانونی امکان خارج کردن فیلم‌شان از جشنواره را ندارند و اکنون دوراهی سختی پیش رو خواهند داشت. با این حال، پیمان نعیمی فیلمساز فیلم کوتاه در صفحه اینستاگرام خود با اشاره به گشتار جوانان بی‌گناه و آنچه امروز در ایران می‌گذرد از شرکت‌کنندگان خواسته نسبت به این اتفاق، بی‌تفاوت نباشند.

● نهاد بین‌المللی «کنفرانس فیلم کوتاه» عضویت جشنواره فیلم کوتاه تهران را که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأمین بودجه و برگزار می‌شود به حالت تعلیق در آورد.

● در بیانیه‌ی «کنفرانس فیلم کوتاه» آمده که شواهد و شهادت‌های قانع‌کننده‌ای از فیلمسازان و دست‌اندرکاران صنعت سینما دارند که جشنواره فیلم کوتاه تهران به طرز «شرم‌آوری» از کشتار سیستماتیک کودکان، زنان و مردان حمايت می‌کند.

● مهدی آذرپندار دبیر سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران در نشست مطبوعاتی این جشنواره گفت: «انصراف فیلمسازان از حضور در جشنواره از جانب ما تبعیاتی ندارد.»

نهاد بین‌المللی «کنفرانس فیلم کوتاه» عضویت جشنواره فیلم کوتاه تهران را که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأمین بودجه و برگزار می‌شود، به حالت تعلیق درآورد و علت آن را وجود شواهد حاکی از حمايت از «سرکوب سیستماتیک و کشتار کودکان، زنان و مردان» اعلام کرده است.

نهاد بین‌المللی «کنفرانس فیلم کوتاه» عضویت جشنواره فیلم کوتاه تهران را که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأمین بودجه و برگزار می‌شود به حالت تعلیق در آورد.

در بیانیه‌ی این «کنفرانس فیلم کوتاه» آمده که شواهد و شهادت‌های قانع‌کننده‌ای از فیلمسازان و دست‌اندرکاران صنعت سینما دارند که جشنواره فیلم کوتاه تهران به طرز «شرم‌آوری» از کشتار سیستماتیک کودکان، زنان و مردان حمايت می‌کند.

کنفرانس فیلم کوتاه بر این اساس و همچنین مخالفت مدیران جشنواره فیلم کوتاه در پذیرش انصراف فیلمسازانی که خواستار عدم نمایش فیلم‌هایشان در این رویداد هستند، از تمام فیلمسازان و دست‌اندرکاران سینمای دنیا خواست از نمایش فیلم‌هایشان در جشنواره فیلم کوتاه تهران و همکاری با آن تا زمانی که مدیران جشنواره فیلم کوتاه تهران اقداماتشان را تغییر دهند، خودداری کنند.

در این بیانیه با اشاره به قیام زنان و دختران شجاع و مردان شریف ایران و کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از معترضان شامل دختران و پسران دانش‌آموز توسط نیروهای امنیتی و طرفداران رژیم، آمده است که جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه به حالت تعلیق درآمده است.

این نهاد سینمایی به فیلمسازان توصیه کرده تا از ارسال فیلم و یا نمایش آثارشان در این جشنواره تا زمانی که آنها موضع خود را تغییر دهند، اجتناب بورزند.

در آستانه برگزاری این جشنواره حکومتی، شماری از مستندسازان و برخی از اساتید سینما از شرکت اثرشان و همچنین برگزاری کارگاه آموزشی در آن اعلام انصراف کرده‌اند. برگزارکنندگان این جشنواره که قرار است از ۲۷ مهرماه تا ۲ آبان‌ماه در تهران باشد، اما می‌گویند، در نشست مطبوعاتی دیروز به نوعی تحریم‌کنندگان را تهدید نیز کرده‌اند.

مهدی آذرپندار دبیر سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران در نشست مطبوعاتی این جشنواره گفت: «انصراف فیلمسازان از حضور در جشنواره از جانب ما تبعیاتی ندارد.»

کشیده شده و محور آن جوانان و نوجوانان هستند. در هیچ دوره‌ای از اعتراضات خیابانی مردم تا این حد نسبت به سرکوبگران خشمگین نبودند. تا جایی که از لاک دفاعی بیرون آمدند و برای دفاع مشروع وضعیت تهاجمی به خودشان گرفته‌اند. تلفات در بین نیروهای سرکوبگر به شدت بالاست. طی هفته‌های اخیر بیش از ۳۰ نفر از آنها کشته شده و به گفته مقامات نیروی انتظامی بیشتر از دو هزار نیروی پلیس زخمی و مصدوم شده‌اند. هنوز آمار تلفات سپاه و بسیج و لباس شخصی‌ها در این اعتراضات مشخص نیست.

البته یکی از مسائلی که علی‌خامنه‌ای در سخنان اخیر خود مجبور به اعتراف آن شده، تغییر روش‌های مبارزاتی مردم است. خامنه‌ای در سخنانش به استفاده از کوکتل مولوتوف اشاره کرد که بی‌سابقه است.

دست بالای پادشاهی خواهان در اعتراضات

نهادهای امنیتی ادعا می‌کنند آنچه در خیابان‌های ایران می‌گذرد ناشی از دخالت «سفارتخانه‌های آلمان و انگلیس» و «مداخله گروه‌های مسلح کومله و دموکرات‌هاست». گذشته از اینکه چنین ادعایی برای این است تا رژیم مثل همیشه برای سرکوب و حذف معترضان پای «دشمن» خارجی را به میان بکشد و همچنین با حمله به مواضع احزاب گرد در اقلیم کردستان عراق به دنبال بهانه‌ای برای جنگ‌افروزی و انحراف افکار عمومی و بین‌المللی از اعتراضات مردم باشد، اما در متن و محتوای صحبت امنیتی‌ها بر اساس همان مواردی که در رسانه‌های حکومتی منتشر می‌شود نیز می‌توان دریافت که برای آنها هم وضعیت بسیار متفاوت است و با «دشمن خارجی» و «تجزیه‌طلب»‌ها نمی‌توان اعتراضات را سرکوب کرد چرا که دست بالا را ایران‌گرایان و طرفداران پادشاهی دارند و به این ترتیب هم موضوع «دشمن خارجی» و هم «تجزیه‌طلبی» منتفی می‌شود!

در همین ارتباط یک «مقام امنیتی» روز پنجشنبه ۲۱ مهرماه به خبرگزاری ایرنا می‌گوید «بدنه دیگری که به این اغتشاش‌ها دامن زد و عمدتاً در شهر تهران هستند جریان سلطنت‌طلب است.» او توضیح داده «این یک واقعیت است که بخشی از ساکنان قبل از انقلاب در تهران سلطنت‌طلب بودند. اگر به فیلم‌های قبل از انقلاب، مثلاً حرکت شاه از سعدآباد به مراسم تاجگذاری نگاه کنید، عده‌ای را کنار خیابان می‌بینید که دارند شاه را همراهی می‌کنند. اینها سال ۵۷ که ناگهان متحول نشدند، بالاخره عده‌ای علاقمند به جریان سلطنت‌طلب هم هنوز هستند، به ویژه با پولی که در این سال‌ها خرج کردند.» نکته دروغ در روایت این مقام امنیتی این است که حمايت از پهلوی‌ها را محدود به تهران می‌کند در صورتی که در تمام سال‌های اخیر و همچنین همین سه هفته گذشته در بسیاری از نقاط ایران شعارهای روشنی در حمايت از آنها سر داده شد.

از دیگر موارد کلیدی که حکومت سعی می‌کند در جریان اعتراضات فعلی پنهان نگه داشته شود، ریزش گسترده نیروهای امنیتی است. وضعیت چنان برای نظام بحرانی شده که حتا کار به استفاده از نوجوانان زیر سن قانونی و تطمیع سربازان برای جلوگیری از فرارشان از پادگان‌ها رسیده است. خامنه‌ای برای جبران کمبود نیروی سرکوبگر حتا دستور آزادی تعداد زیادی از مجرمان جنایی زندانی را صادر کرده است. روشی که حکومت در سال ۱۳۸۸ نیز با فرماندهی سردار پاسدار حسین همدانی پیاده کرد. وی اوباش را برای سرکوب مردم از زندان آزاد کرد تا با سلاح سرد و گرم به جان معترضان بیفتند. اما به نظر می‌رسد اینبار خشم مردم چنان شدید است که این تاکتیک هم تا کنون بی‌اثر مانده است.

هشدار امنیتی وزارت اطلاعات به صنایع هوایی در پی تشدید اعتراضات؛ پرواز هواپیماهای شناسایی در اطراف مهرآباد



فرودگاه مهرآباد

● بر اساس ابلاغیه‌ای که تصویر آن به «کیهان لندن» رسیده طبق اعلام نمایندگی «وزارت اطلاعات در امور هوایی» دستور داده شده با توجه به «اتفاقات اخیر در سطح شهرها» و «حساسیت موجود در صنعت هوایی» ضمن تشدید هوشیاری و اقدامات حفاظتی برای جلوگیری از «تحركات مشکوک» و «رخدادهای سوء امنیتی» مراقبت‌های هوایی در حوزه فرودگاه‌هایی از جمله فرودگاه مهرآباد تهران (ایرساید و لندساید) علی‌الخصوص «محدوده مناطق امنیتی» تشدید شود.

● منابع محلی گزارش دادند از روز شنبه ۲۳ مهرماه پروازهای گشتی و شناسایی در محدوده فرودگاه مهرآباد تهران افزایش یافته است.

● این هواپیماها با هدف بررسی وضعیت محلات اطراف فرودگاه مهرآباد پیش از آنکه هواپیماهای مسافربری یا باری روی باند فرود آیند یا پرواز کنند اقدام به شناسایی محدودی پشت حصارهای فرودگاه می‌کنند تا هواپیماها در ارتفاع پایین با مشکلات پیش‌بینی نشده امنیتی روبرو نشوند.

● در تهران اعتراضات ضدحکومتی به محلات «جی»، «امامزاده عبدالله» و «امامزاده حسن» در ضلع شرقی فرودگاه مهرآباد و تهرانسر و شهرک اکباتان در ضلع غربی و شمالی فرودگاه رسیده است.

خیزش سراسری در ایران و گسترش اعتراضات به گوشه و کنار کشور به تهدیدی جدی برای تأسیسات و زیرساخت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی از جمله فرودگاه‌ها بدل شده است. تهدیداتی که حتی می‌تواند پروازهای داخلی و بین‌المللی بر فراز ایران را محدودتر از اکنون کند.

بر اساس ابلاغیه‌ای که تصویر آن به «کیهان لندن» رسیده طبق اعلام نمایندگی «وزارت اطلاعات در امور هوایی» دستور داده شده با توجه به «اتفاقات اخیر در سطح شهرها» و «حساسیت موجود در صنعت هوایی» ضمن تشدید هوشیاری و اقدامات حفاظتی برای جلوگیری از «تحركات مشکوک» و «رخدادهای سوء امنیتی» مراقبت‌های هوایی در حوزه فرودگاه‌هایی از جمله فرودگاه مهرآباد تهران (ایرساید و لندساید) علی‌الخصوص «محدوده مناطق امنیتی» تشدید شود.

طبق تعاریف هوانوردی ایرساید (سطوح پرواز و پارکینگ هواپیما) و لندساید (سطوح غیر پروازی) را شامل می‌شود. همچنین وزارت اطلاعات از نهادهای مرتبط با صنایع هوایی و کمیته حفاظت و مراقبت از پروازها خواسته تا برای مقابله با «عملیات روانی» علیه صنعت هوایی و نهادهای نظامی مرتبط با آن اقدامات لازم انجام گیرد.

این اقدامات علاوه بر تشدید مسائل حفاظتی و امنیتی، در خدمت رصد «اطلاعات مربوط به فراخوان‌ها و کارزارهای اعتراضی» و مقابله با «سیاه‌نمایی و فضا سازی» علیه صنعت هوایی جمهوری اسلامی است.

بر اساس گزارش منابع محلی از روز شنبه ۲۳ مهرماه (۱۵ اکتبر) پروازهای گشتی و شناسایی در محدوده فرودگاه مهرآباد تهران افزایش یافته است.

این هواپیماها با هدف بررسی وضعیت محلات اطراف فرودگاه مهرآباد پیش از آنکه هواپیماهای مسافربری یا باری روی باند فرود آیند یا پرواز کنند اقدام به شناسایی محدودی پشت حصارهای فرودگاه می‌کنند تا هواپیماها در ارتفاع پایین با مشکلات پیش‌بینی نشده امنیتی روبرو نشوند.

در تهران اعتراضات ضدحکومتی به محلات «جی»، «امامزاده عبدالله» و «امامزاده حسن» در ضلع شرقی فرودگاه مهرآباد و تهرانسر و شهرک اکباتان در ضلع غربی و شمالی این فرودگاه رسیده است.

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید «در دو هفته گذشته با ادامه اعتراضات تعداد سربازان اطراف مهرآباد و تعداد گشت‌های خودرویی بیشتر شده است. تعداد پست‌های یگان پاسدار پایگاه یکم شکاری نیروی هوایی ارتش مستقر در فرودگاه و یگان هوانیروز (ترمینال چهار - هدفکش) نیز افزایش یافته است.»

همین منبع گفته پروازهای مشکوک خارج از برنامه به شهرستان‌ها که شرکت‌هایی مثل «پویا ایر» (متعلق به سپاه پاسداران) و «کاسپین» (متعلق به ارتش) انجام می‌دهند نیز زیاد شده است.

همچنین گزارش شده شمار نیروهای امنیتی در مهرآباد و فرودگاه «خمینی» افزایش پیدا کرده. پروازهای خارجی بدون برنامه از فرودگاه «خمینی» نیز در هفته‌های اخیر بیشتر شده. مقصد نهایی خیلی از آنها تفلیس گرجستان یا شهرهای ترکیه بوده است. در مورد پروازهای تفلیس گزارش شده تعداد مسافرینی که سوار هواپیما شدند از میزان ظرفیت هواپیما خیلی کمتر بود. همچنین اغلب مسافران پروازها بدون برنامه از گیت VIP به سالن پرواز رفتند. چنین گزارش‌هایی احتمال خارج شدن وابستگان رژیم و خانواده‌های آنها را از ایران بیشتر می‌کند.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی هشتم مهرماه از خنثی‌سازی دو خرابکاری در هواپیماهای مسافربری در ایران «با هدف سقوط آنها» خبر داد. با اینهمه تمهیدات امنیتی، بدیهی است که هرگونه خرابکاری در هواپیماها با توجه به حفاظت شدید امنیتی در خود فرودگاه‌ها نیز از سوی عناصر داخلی نظام ممکن است و نه مردم و مسافران عادی پروازها که برای سوار به هواپیما از هفت خوان رستم باید بگذرند!

خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی به زندان اوین رسید؛ آتش‌سوزی وسیع، صدای تیراندازی و به صدا در آمدن آژیر زندان

● شامگاه شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱ ماه صدای تیراندازی از زندان به گوش می‌رسد و آتش‌سوزی بزرگی از درون ساختمان زندان مشخص است. همچنین آژیرهای زندان نیز به صدا درآمد.

● اتحادیه آزاد کارگران ایران گزارش داده که حدود ساعت ۹ امشب شنبه ۲۳ مهرماه ۱۴۰۱، زندانیان محبوس در بند ۷ زندان اوین دست به اعتراض و شورش زدند. متعاقب این اتفاق صدای تیراندازی شدید کل فضا را در بر گرفت و تلفن‌های زندان بطور کامل قطع شد.

● خانواده زندانیان و شماری از شهروندان در مقابل زندان تجمع کرده و نگران وضعیت زندانیان محبوس در این زندان هستند.

شامگاه شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱ زندان اوین دچار آتش‌سوزی شده بطوری که شعله‌های بلند آتش از محله‌های مجاور زندان کاملاً مشخص است؛ آژیر زندان اوین به صدا درآمده و صدای تیراندازی از درون زندان به گوش می‌رسد. زندان اوین از روز جمعه ۲۲ مهرماه دچار جو ملتهب بود. در پی انتقال چهار زندانی سیاسی از زندان اوین به زندان «رجایی‌شهر» کرج، زندانیان سیاسی تجمع کرده و شعار سر داده بودند.

از شامگاه شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱ ماه اما صدای تیراندازی از زندان به گوش می‌رسد و آتش‌سوزی بزرگی از درون ساختمان زندان مشخص است. همچنین آژیرهای زندان نیز به صدا درآمده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران گزارش داده که حدود ساعت ۹ امشب شنبه ۲۳ مهرماه ۱۴۰۱، زندانیان محبوس در بند ۷ زندان اوین دست به اعتراض و شورش زدند. متعاقب این اتفاق صدای تیراندازی شدید کل فضا را در بر گرفت و تلفن‌های زندان بطور کامل قطع شد.

تا لحظه تنظیم این گزارش و ساعت ۲۲ به وقت تهران، خانواده زندانیان و شماری از شهروندان در مقابل زندان تجمع کرده و نگران وضعیت زندانیان محبوس در این زندان هستند. مقامات رسمی جمهوری اسلامی نیز تا این لحظه واکنشی به آتش‌سوزی و تیراندازی در زندان نشان نداده‌اند. ویدئوهای منتشر شده نشان می‌دهد در حالی که شعله آتش دود وسیعی در منطقه اوین و درکه ایجاد کرده، نیروهای یگان ویژه به سرعت به سمت زندان در حرکت هستند.

رضا خندان مهابادی، رضا نوروزی، ماهان جلال دوست و مهدی نقوی زندانیان سیاسی محبوس در زندان اوین روز پنجشنبه ۲۱ مهر، به زندان «رجایی‌شهر» کرج منتقل شدند. خبرگزاری «هرانا» به نقل از یک منبع مطلع نوشته





اثری از یک طراح ناشناس

خبرگزاری حقوق بشری «هرانا»: مأموران امنیتی تا کنون دست کم ۲۴۰ معترض را کشته‌اند



بشر سازمان ملل در رابطه با ایران شده است. بر اساس آنچه در این بیانیه آمده در فاصله ۲۹ شهریور تا هشتم مهرماه ۱۴۰۱ دست کم ۲۳ کودک در جریان اعتراضات گسترده در ایران کشته شده‌اند. کودکان قربانی ۲۰ پسر ۱۱ تا ۱۷ ساله هستند و سه دختر که دو تن از آنها ۱۶ ساله‌اند. به گفته سازمان عفو بین‌الملل این کودکان با شلیک از فاصله نزدیک و یا با ضرب و جرح نیروهای امنیتی جان باخته‌اند. ۱۰ تن از آنان در سرکوب «جمعه خونین» در زاهدان کشته شده‌اند که به آنها از ناحیه قلب، سر یا دیگر ارگان‌های حیاتی شلیک شده است.

این سازمان با انتقاد از مصونیت فراگیر مقامات رژیم ایران در برابر جنایات سیستماتیک و نقض حقوق بشر، گفته است که آنها مکرراً همه درخواست‌ها را برای توقف استفاده غیرقانونی از زور نادیده گرفته‌اند.

بر اساس آنچه در بیانیه آمده سازمان عفو بین‌الملل خواستار پیگرد مسئولان قتل‌های غیرقانونی، ناپدید شدن اجباری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها با معترضان شده و گفته است بهای معافیت سیستماتیک مقام‌های ایران به بهای جان انسان‌ها از جمله کودکان تمام می‌شود.

این سازمان همچنین از کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد درخواست کرده برای رسیدگی به سرکوب وحشیانه‌ای که در ایران در جریان است فوراً یک جلسه ویژه برگزار کرده و قطعنامه‌ای برای ایجاد یک مکانیسم مستقل بین‌المللی جهت تحقیق و پاسخگویی درباره جنایات رژیم در ایران اتخاذ کنند.

کشته شدن دست کم ۱۴۴ نفر در فاصله ۲۸ شهریور تا ۱۱ مهر آمار توسط سازمان عفو بین‌الملل مستند شده و اعلام کرده که ۱۶ درصد از آنان کودکان هستند هرچند که رقم واقعی کشته‌شدگان احتمالاً از این بیشتر است.

زکریا خیال ۱۶ ساله پیرانشهر، امین معرفت، ۱۶ ساله اشنویه، عبدالله محمدپور ۱۷ ساله روستای بالو (آذربایجان غربی)، محمدرضا سروری ۱۴ ساله شهر ری، پدرام آذرنوش ۱۶ ساله دهدشت (کهگیلویه و بویراحمد)، سیاوش محمودی ۱۶ ساله تهران، امیرمهدی فرخی‌پور ۱۷ ساله تهران، میرحسین بساطی ۱۵ ساله کرمانشاه، نیمه شفق دوست ۱۶ ساله ارومیه، سارینا اسماعیل زاده ۱۶ ساله گلدشت کرج، نیکا شاکرمی ۱۶ ساله تهران، ستاره تاجیک ۱۷ ساله تهران، مهدی موسوی نیکو ۱۶ ساله زنجان، محمدامین گامشادزهی ۱۷ ساله، جابر شیرزه‌ی ۱۲ ساله، امید صف‌زهی ۱۷ ساله، سامر هاشم زهی ۱۶ ساله مصلا، سدیس‌کشانی ۱۴ ساله، یاسر شاه‌زهی ۱۶ ساله، محمد رخشانی ۱۲ ساله، امید سرانی ۱۳ ساله، علی براهویی ۱۴ ساله، جواد پوشه ۱۱ ساله، هر ۱۰ نفر در زاهدان از اسامی عنوان شده در این بیانیه هستند.

● پایگاه حقوق بشری «هرانا» بر مبنای اطلاعات دریافتی خود، آخرین آمار کشته‌شدگان اعتراضات سراسری کنونی را از ۲۶ شهریورماه تا ۲۳ مهرماه، «۲۴۰ معترض» اعلام کرده است. در بین کشته‌شدگان ۳۲ کودک نیز دیده می‌شوند که به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شده‌اند.

پایگاه حقوق بشری «هرانا» اعلام کرد، در جریان اعتراضات سراسری در ایران، از ۲۶ شهریور تا ۲۳ مهرماه ۱۴۰۱، ۲۴۰ معترض از جمله ۳۲ کودک به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شده‌اند.

پایگاه حقوق بشری «هرانا» بر مبنای اطلاعات دریافتی خود، آخرین آمار کشته‌شدگان اعتراضات جاری را از ۲۶ شهریورماه تا ۲۳ مهرماه، «۲۴۰ معترض» اعلام کرده است. در بین کشته‌شدگان ۳۲ کودک نیز دیده می‌شوند که به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شده‌اند.

«هرانا» روز پنجشنبه ۲۱ مهرماه و جمعه ۲۲ مهر شمار کشته‌شدگان اعتراضات ایران را به ترتیب ۲۰۱ و سپس ۲۳۳ نفر اعلام کرده بود که این امر نشان می‌دهد، آمار کشته‌شدگان روز به روز افزایش می‌یابد و حکومت همچنان به کشتار معترضان دست می‌زند.

طبق گزارش‌های پیشین این پایگاه خبری حقوق بشری، بیشترین کشته‌ها در استان سیستان و بلوچستان و در جریان سرکوب گسترده در «جمعه خونین» (۸ مهر ۱۴۰۱) بوده است. خیرگزاری دولتی «ایرنا» روز سه‌شنبه با انتشار گزارشی آمار کشته‌شدگان نیروهای سرکوبگر بسیج و ماموران نیروی انتظامی را از ابتدای جریان اعتراضات سراسری تا روز شنبه ۱۶ مهرماه، ۲۴ نفر و تعداد زخمی‌شدگان را حدود ۲۰۰۰ نفر اعلام کرد. این در حالیست که آمار رسمی معترضان جانباخته، مجروح و یا بازداشت شده در اعتراضات سراسری اعلام نشده است. وبسایت «هرانا» در گزارش خود بازداشت‌شدگان را حدود ۷ هزار و ۷۹۲ نفر تخمین زده که هویت ۷۳۸ نفر آنان شناسایی شده. ۱۷۵ نفر از بازداشتی‌ها دانشجو هستند.

بر اساس گزارش «هرانا»، تا کنون ۴۵۳ تجمع شهری و دانشگاهی تا ۲۳ مهرماه ۱۴۰۱ برگزار شده است. ۱۱۱ شهر ایران به اعتراض برخاسته‌اند و ۷۳ دانشگاه نیز مرکز اعتراض و تجمع دانشجویان بوده‌اند.

با توجه به اینکه کودک‌کشی در کارنامه جنایات جمهوری اسلامی پیشینه دارد در اعتراضات سراسری کنونی نیز کودکان و نوجوانان و وحشیگری ماموران نیروی انتظامی در امان نمانده و اکنون سازمان عفو بین‌الملل نیز اعلام کرده که دست کم ۲۳ کودک طی روزهای اخیر جان خود را از دست داده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل روز پنجشنبه ۲۱ مهر با اعلام این خبر در بیانیه‌ای، عزم مرگبار حکومت ایران برای سرکوب اعتراضات مردم را محکوم کرده و خواستار نشستی فوری شورای حقوق

→ که «فضای زندان اوین امنیتی شده و امروز نیز گارد ویژه به زندان اوین اعزام شده که برای تحریک مقابل زندانی‌ها حیدر حیدر می‌خوانده‌اند. همچنین جوّ زندان رجایی شهر کرج نیز امنیتی‌تر از قبل شده است.»

کانون نویسندگان ایران نیز با انتشار متنی در کانال تلگرامی این کانون، ضمن اعلام خبر انتقال ناگهانی چهار زندانی سیاسی از زندان اوین به زندان «رجایی شهر» کرج نوشته که «پس از ساعت‌ها بی‌خبری، رضا خندان در تماس با خانواده از انتقالش به زندان رجایی شهر کرج خبر داده است. به خندان فرصت جمع کردن وسایل شخصی‌اش را نیز نداده‌اند و دلیل انتقال ناگهانی او تا این لحظه روشن نیست. رضا خندان (مهابادی) که از بیماری قلبی و مشکل فشار خون رنج می‌برد، اکنون از دسترسی به داروهای خود نیز محروم مانده است. انتقال خندان به زندان شهری خارج از محل سکونت، جان او را به خطر انداخته است و فشار مضاعفی بر خانواده‌اش وارد می‌کند.»

کانون نویسندگان ایران افزوده خبرها حاکی از فضای ملتعب زندان اوین و واکنش و اعتراض زندانیان است. در زندان اوین جوّ شدید امنیتی برقرار است و فشار بر زندانیان افزوده شده است. گارد امنیتی زندان به بند زندانیان سیاسی هجوم برده و زندانیان سیاسی در پاسخ شعار سر داده‌اند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که گارد ویژه زندان اوین به قصد تحریک زندانیان سیاسی و ایجاد درگیری با آنها به بند هجوم برده و «حیدر حیدر» گویان آنها را تهدید کرده است. زندانیان سیاسی هم در پاسخ شعارهایی مثل «می‌کشم می‌کشم، هر آنکه خواهرم کشت» و «اوین شده دانشگاه، تهران شده بازداشتگاه» سر دادند و سرود خواندند.

بسیاری از زندانیان سیاسی از جمله امیرسالار داودی، علی یونس، امیرحسین مرادی، محمد رسول‌اف، جعفر پناهی، مصطفی آل احمد و... در این بند زندانی هستند.

«کانون حقوق بشر ایران» نیز از تجمع و شعار دادن زندانیان سیاسی محبوس در اوین در هواخوری بند ۸ این زندان خبر داده و نوشته که زندانیان همچنانکه شعار سر می‌دادند از هواخوری به سمت سالن‌ها حرکت کردند و در مسیر برخی زندانیان دیگر نیز به آنها پیوستند. همچنین شماری از زندانیان غیرسیاسی با دست زدن از این اقدام اعتراضی حمایت کردند و پس از آن صدای شعارها در کل بند و بندهای اطراف شنیده شده است.

به گزارش «کانون حقوق بشر ایران» این حرکت اعتراضی یک روز پس از انتقال ناگهانی چهار زندانی سیاسی، محمد تقوی، رضا خندان، رضا نوروزی و ماهان جلال‌دوست از زندان اوین صورت گرفته است.

هراس بزرگ جمهوری اسلامی از ریزش در بدنه نیروهای مسلح؛ مأموریت سازمان عقیدتی سیاسی برای «بصیرت‌افزایی» ارتشی‌ها!



سرکوبگران حکومت در خیابان‌ها

خود و نیروهای تحت امر نسبت به حکومت و همچنین زمینه‌چینی برای دریافت امتیازات مالی در آینده‌ای که بسیار تیره و تاریک به نظر می‌رسد، بخشی از آمار تلفات نیروهای خود را بطور عمومی اعلام کنند. در نتیجه لابلای حرف‌های خود، واقعیت‌های میدانی از جمله ضرباتی را که از معترضان خورده‌اند لو می‌دهند.

در چنین شرایطی، ترک خدمت در میان کارکنان وظیفه‌حداً به پادگان‌های ارتش که مستقیم با سرکوب اعتراضات درگیر نیستند نیز کشیده شده است.

امیر سرتیپ خلیان حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی به دست‌اندرکاران نظام هشدار داده «فضای مجازی دارد بیدار می‌کند» و «جوانان این روزها در حال انجام کارهای هیجانی هستند.» او توصیه کرده «پدرها و مادرها باید بر بچه‌های خود نظارت کامل داشته باشند و نگذارند که فرزندان‌شان در دام فضای مجازی بیفتند.»

سازمان عقیدتی سیاسی ارتش نیز برای نگرانی‌ها در نظامی‌ها در حلقه وفاداران به انقلاب اسلامی و رژیم کارزار «بصیرت‌افزایی» به راه انداخته است. فرماندهان ارشد و مسئولان عقیدتی سیاسی ارتش به دیدار خانواده بسیجی‌هایی می‌روند که در اعتراضات کشته شده‌اند. گرچه اطلاعاتی درباره کشته شدن آنها منتشر نمی‌شود و معلوم نیست آنها توسط خودی‌ها و یا معترضان جان خود را از دست داده‌اند. رؤسای سازمان عقیدتی سیاسی ارتش در استان‌ها و نمایندگی‌های علی‌خامنه‌ای مدام در سخنرانی‌ها تکرار می‌کنند «ارتش گوش به فرمان فرمانده کل قواست» و «ستون استوار نیروهای مسلح است.» منظور از فرمانده کل قوا هم سیدعلی خامنه‌ای است! از سوی دیگر، احمد علم‌الهدی نماینده خامنه‌ای در مشهد بر ضرورت توجه به آموزش‌های عقیدتی سیاسی به سربازان تأکید کرده و خواسته «روحانیون و مبلغان سازمان عقیدتی سیاسی با آحاد مختلف سربازان، ارتباط نزدیک و بی‌واسطه برقرار کنند!»

با اوج‌گیری خیزش سراسری در ایران عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی نیز هشدار داده بود «دشمن با توپخانه‌های گوناگون سعی در نفوذ و ایجاد گسست در بدنه نیروهای مسلح و اختلاف بین سازمان‌های ارتش، انتظامی و سپاه دارد.»

---شواهدی که پیدا و پنهان از زبان مقامات مطرح می‌شوند به روشنی حکایت از هراس بزرگ نظام از ریزش نیروهای مسلح و کمبود نیروی سرکوب دارد.

و از شر آن خلاص شوند حالا با سخت‌ترین شرایط روانی و فیزیکی روبرو هستند. هم خودشان و هم خانواده‌های آنها حتماً ویدئوهایی را دیده‌اند که مأموران سرکوبگر چطور به جان مردم بی‌دفاع می‌افتند و حتماً از واکنش مردم نسبت به سرکوبگران که آنها را «بی‌شرف» می‌نامند و گوشمالی آنان می‌ترسند و نمی‌خواهند فرزندانشان قربانی خشم مردم از حکومت و برای رژیم می‌شود که پایشان در چشم‌انداز است.

مأموریت برای سرکوب مردم و شهروندان عادی دستوری نیست که بشود آن را به سادگی پذیرفت و «بله قربان» گفت و پاشنه‌ها را بهم کوبید و راهی خیابان شد تا معترضان را که بیشتر آنها جوانان هستند، کتک زد و گشت! به خصوص آنکه خشم مردم در خیابان در یک ماه گذشته تلفات سنگینی روی دست نیروهای سرکوبگر باقی گذاشته است.

اینهمه گسیل مأمور و مزدور به خیابان‌ها و دستپاچگی در تصمیمات و اقدامات تطمیعی و تبلیغی در حالیست که حمید رسایی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی عضو «جبهه پایداری» مدعی شده معترضان ۱۵۰ نفر هم نیستند! همچنین ابولقاسم طالبی کارگردان انقلابی و حکومتی در برنامه «جهان آرا» مدعی شده در زمان اوج تجمعات در کل کشور تعداد کسانی که به خیابان آمدند بین ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر بودند.

اما واقعیت چیز دیگریست. تعداد تلفات و مصدومان در بین نیروهای امنیتی آنهم مجهز به انواع و اقسام ادوات سرکوب آشکار می‌کند کارزار اعتراضات سراسری گسترده‌تر از آن است که مقامات و دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم بازتاب می‌دهند. به گفته حسن حسن‌زاده فرمانده «سپاه محمد رسول‌الله» تهران فقط در محدوده تهران طی یک ماه گذشته ۸۵۰ بسیجی مصدوم داشت که دست‌کم سه نفر از آنها کشته شدند. البته آمار غیررسمی بیشتر از اینهاست. معاون فرمانده نیروی انتظامی نیز می‌گوید در این مدت دو هزار پلیس مصدوم شدند. تا کنون حدود ۳۰ نفر از سرکوبگران نیز در گوشه و کنار ایران در جریان اعتراضات کشته شدند.

او توضیح داده «در برابر این اغتشاشگران فقط در یک شب ۱۸۵ مجروح دادیم و در میدان الغدیر ۴۵ دقیقه با اغتشاشگران می‌جنگیدیم.»

کم‌شمار خواندن تعداد معترضان و ترساندن آنها از اولویت‌های مختلف حکومت فقط یک جنگ روانی آبروبخته و تکراری برای مهار اعتراضات است آنهم در حالی که فرماندهان نظامی مجبورند برای اثبات میزان «جان‌فدایی»

● مأموریت برای سرکوب مردم و شهروندان عادی دستوری نیست که بشود آن را به سادگی پذیرفت و «بله قربان» گفت و پاشنه‌ها را بهم کوبید و راهی خیابان شد تا معترضان را که بیشتر آنها جوانان هستند، کتک زد و گشت! به خصوص آنکه خشم مردم در خیابان در یک ماه گذشته تلفات سنگینی روی دست نیروهای سرکوبگر باقی گذاشته است.

● گزارش‌های غیررسمی در مورد اینکه بسیاری از خانواده‌ها راضی نیستند فرزندان‌شان برای سرکوب مردم به مأموریت اعزام شوند زیاد است. گذشته از مخالفت خود خانواده‌ها با رژیم جمهوری اسلامی، موضوع ارتباط مستقیم سرکوب با «وجدان» افراد و همچنین ترس آنها از رویارویی با مردم خشمگین نیز نقش مهمی بازی می‌کند.

● سربازانی که مجبورند دو سال خدمت سربازی را طی کنند و از شر آن خلاص شوند حالا با سخت‌ترین شرایط روانی و فیزیکی روبرو هستند. هم خودشان و هم خانواده‌های آنها حتماً ویدئوهایی را دیده‌اند که مأموران سرکوبگر چطور به جان مردم بی‌دفاع می‌افتند و حتماً از واکنش مردم نسبت به سرکوبگران که آنها را «بی‌شرف» می‌نامند و گوشمالی آنان می‌ترسند و نمی‌خواهند فرزندانشان قربانی خشم مردم از حکومت و برای رژیم می‌شود که پایشان در چشم‌انداز است.

یک ماه پس از آغاز خیزش سراسری در ایران نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با بحران ترک خدمت و فرار سربازان وظیفه از پادگان‌ها و کلانتری‌ها مواجه است. مشکلی جدی که به ویژه نیروی انتظامی و بسیج را با کمبود نیرو روبرو کرده است. همزمان حکومت دچار هراس بزرگ و فزاینده از ریزش در بدنه ارتش است.

گزارش‌های غیررسمی در مورد اینکه بسیاری از خانواده‌ها راضی نیستند فرزندان‌شان برای سرکوب مردم به مأموریت اعزام شوند زیاد است. گذشته از مخالفت خود خانواده‌ها با رژیم جمهوری اسلامی، موضوع ارتباط مستقیم سرکوب با «وجدان» افراد و همچنین ترس آنها از رویارویی با مردم خشمگین نیز نقش مهمی بازی می‌کند.

قضیه برای سربازان جوان آنقدر جدی است که با وجود تطمیع سربازان با وعده مرخصی تشویقی، کسر خدمت و پرداخت‌های نقدی و همچنین آگاهی از دردهای قضایی و مجازات ترک خدمت، این روند بطور فزاینده همچنان ادامه دارد.

سربازانی که مجبورند دو سال خدمت سربازی را طی کنند



اصابت پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی به مناطق مسکونی کی یف

افزایش کمک‌های نظامی و اطلاعاتی به اوکراین را دارد. روزنامه «اورشلیم پست» پیش از این گزارش داده بود اسرائیل اطلاعات مربوط به پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی را به اوکراینی‌ها داده است. همچنین یک شرکت خصوصی اسرائیلی تصاویری ماهواره‌ای از مواضع نیروهای روسی را در اختیار مسئولان اوکراینی قرار می‌دهد.

دیمیتری مدودف رئیس جمهوری پیشین روسیه به اسرائیل هشدار داد در صورتی که به اوکراین سامانه تسلیحاتی پیشرفته تحویل دهد، روابط مسکو و تل‌آویو نابود خواهد شد.

جمهوری اسلامی در مورد ارسال پهپاد برای روسیه سیاست دوگانه‌ای در پیش گرفته است. از یکسو مقامات وزارت خارجه رژیم همکاری تسلیحاتی با روسیه را تکذیب می‌کنند از سوی دیگر رسانه‌ها و برخی مقامات حکومتی مدام استفاده از پهپادهای روسی در جنگ اوکراین را به عنوان «اقتدار نظام» تبلیغ می‌کنند!

به این ترتیب مداخله نظامی جمهوری اسلامی در تجاوز روسیه به اوکراین احتمال دارد به مرحله‌ای برسد که مجازاتی فراتر از تحریم‌ها داشته باشد و به واکنش سخت کشورهای غربی و اسرائیل منجر شود.

خیابانی است که جدی‌ترین چالش در سال‌های اخیر برای حکومت به شمار می‌رود. روسیه نیز به دنبال مدیریت جنگی است که در مرداب آن گرفتار شده است. ظهور اتحاد مسکو- تهران پیامدهای بین‌المللی متعددی دارد که بطور بالقوه امکان «توافق اتمی» را از بین می‌برد و باعث شده که اسرائیل سمت اوکراین را در جنگ با روسیه بگیرد.

بر اساس گزارش نهادهای امنیتی غربی شماری از افسران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در روسیه به نیروهای روسی آموزش پهپادی می‌دهند. همچنین مقامات و نهادهای امنیتی آمریکا گزارش داده‌اند که جمهوری اسلامی برای ارسال دو نوع موشک بالستیک زمین به زمین همراه با پهپادهای بیشتر به روسیه آماده می‌شود.

کارین ژان پیر سخنگوی دولت بایدن اعلام کرد انکار جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه این کشور تجهیزات نظامی، شامل پهپاد انتحاری و موشک بالستیک در اختیار روسیه نمی‌گذارد، «دروغ محض» است.

برخی تحلیلگران می‌گویند استفاده روسیه از پهپادهای ساخت ایران ممکن است نشانه‌ای از کمبود سلاح‌های هدایت شونده دقیق در روسیه باشد. آنگاه مقامات اسرائیل می‌گویند این کشور قصد

«پهپادهای انتحاری» نماد اتحاد شوم روسیه و جمهوری اسلامی؛ سرکوبگران در ایران شریک روس‌ها در تجاوز به اوکراین

● روزنامه «نیویورک تایمز» می‌نویسد پهپادهای انتحاری نماد اتحاد جمهوری اسلامی و روسیه هستند که بر اساس دشمنی با ایالات متحده ساخته شده است. رژیم‌های استبدادی در مسکو و تهران هر دو در انزوای بین‌المللی قرار داشته و با بحران داخلی روبرو هستند و همزمان با غرب درگیرند.

● کریم سجادپور کارشناس مسائل ایران در بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی مستقر در واشنگتن می‌گوید: «رابطه عمیقی بین روسیه و جمهوری اسلامی که سال‌هاست در انزوا قرار دارند وجود ندارد اما دو حکومت دیکتاتوری تحت تحریم‌های غرب قرار دارند و ایالات متحده را به عنوان دشمن بزرگ خود و تهدیدی برای تسلط آنها بر قدرت می‌دانند.»

● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سرکوب اعتراضات مردم ایران و منطقه تا شراکت با روسیه در تجاوز به اوکراین مشارکت فعال دارد.

مقامات جمهوری اسلامی ارسال پهپاد انتحاری به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین را رد می‌کنند اما اوکراینی‌ها با استناد به شواهد میدانی اعلام کرده‌اند که پهپادهای انتحاری که روسیه برای بمباران کی‌یف از آنها استفاده کرده همان پهپادهای «شاهد ۱۳۶» ساخته شده در ایران است.

روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی که ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه) منتشر شده می‌نویسد پهپادهای انتحاری نماد اتحاد جمهوری اسلامی و روسیه هستند که بر اساس دشمنی با ایالات متحده ساخته شده است. رژیم‌های استبدادی در مسکو و تهران هر دو در انزوای بین‌المللی قرار داشته و با بحران داخلی روبرو هستند و همزمان با غرب درگیرند.

کریم سجادپور کارشناس مسائل ایران در بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی مستقر در واشنگتن می‌گوید: «رابطه عمیقی بین روسیه و جمهوری اسلامی که سال‌هاست در انزوا قرار دارند وجود ندارد اما دو حکومت دیکتاتوری تحت تحریم‌های غرب قرار دارند و ایالات متحده را به عنوان دشمن بزرگ خود و تهدیدی برای تسلط آنها بر قدرت می‌دانند.»

نیویورک تایمز می‌نویسد رژیم ایران و روسیه عمیقاً در بحران فرو رفته و از نظر اقتصادی و سیاسی با مشکل مواجه‌اند. رژیم ایران در تلاش برای سرکوب اعتراضات



پهپاد انتحاری «شاهد» در آسمان اوکراین

خودکشی برادر اسرا پناهی دانش آموزی که توسط مأموران جمهوری اسلامی کشته شد



آرامگاه اسرا پناهی

کرده و تعدادی از دانش آموزان هم بازداشت می شوند که آمار و اطلاعات دقیقی اعلام نشده است.»
یک منبع آگاه دو روز پس از فاجعه مدرسه شاهد، به کیهان لندن گفته بود که دانش آموزان وحشت زده هستند و جو امنیتی مانع از آگاهی درباره وضعیت دانش آموزان بازداشت شده بوده است. او اما تأیید کرده بود که حدود ۱۰ دانش آموز پس از حمله مأموران به اورژانس بیمارستان فاطمی منتقل و ۷ یا ۸ دانش آموز هم توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند.

او همچنین گفت که «شرایط روحی بچه ها و حتی والدین به شدت بد است. اصلاً بچه ها کاری نکرده بودند که مدیر حتی بخواهد احساس خطر کند و به پلیس یا نهاد امنیتی تماس بگیرد چه برسد به حمله وحشیانه به مدرسه و بازداشت دانش آموزان. جو شهر هم متأثر از این خبر وحشتناک است.»

پس از جان باختن اسرا پناهی اعتراضات گسترده ای در اردبیل شکل گرفت. هرچند مردم این شهر از ابتدای خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی و از هفته آخر شهریور در اعتراضات شرکت داشتند اما پس از جان باختن اسرا و حمله به مدرسه شاهد اعتراضات در این شهر به شدت گسترش یافت. منابع خبری کیهان لندن می گویند جو شهر اردبیل به شدت امنیتی گزارش شده بطوری که مأموران امنیتی حتی بطور سر زده به بیمارستان های شهر وارد شده و برای کادر درمان ایجاد رعب و وحشت می کنند. همچنین مردم به شدت خشمگین هستند و حتی شهروندان تهدید کرده اند که به خانه کاظم موسوی نماینده اردبیل که اطلاعات دروغ درباره اسرا مطرح کرده حمله خواهند کرد.

همین امر موجب شده در اطراف خانه کاظم موسوی، امام جمعه اردبیل و دیگر مقامات امنیتی استان نیروهای ویژه برای نگرانی گذاشته شود.

● محمدرضا پناهی برادر اسرا اقدام به خودکشی کرده و در بیمارستان «خمینی» اردبیل بستری شده است.
● منابع خبری کیهان لندن می گویند جو شهر اردبیل به شدت امنیتی گزارش شده بطوری که مأموران امنیتی حتی بطور سر زده به بیمارستان های شهر وارد شده و برای کادر درمان ایجاد رعب و وحشت می کنند.
● مردم به شدت خشمگین هستند و حتی شهروندان تهدید کرده اند که به خانه کاظم موسوی نماینده اردبیل در مجلس شورای اسلامی که اطلاعات دروغ درباره اسرا پناهی مطرح کرده بود حمله خواهند کرد.

محمدرضا پناهی برادر اسرا پناهی خودکشی و در بیمارستان «خمینی» اردبیل بستری شد. اسرا پناهی دانش آموز اردبیلی هفته گذشته بر اثر ضربات ناشی از ضرب و جرح مأموران جمهوری اسلامی جان باخت.
منابع خبری اعلام کردند محمدرضا پناهی اقدام به خودکشی کرده و در بیمارستان «خمینی» اردبیل بستری شده است. جو این بیمارستان به شدت امنیتی گزارش شده و مأموران اجازه ورود به محل بستری شدن محمدرضا پناهی را نمی دهند.

محمدرضا پناهی در روزهای گذشته ناچار به اعتراف اجباری درباره شیوه جان باختن خواهرش شده بود. او اعتراف اجباری کرده بود که ساعت ۶ بامداد روز چهارشنبه ۲۰ مهرماه خواهرش در خانه بدحال شده و او با موبایل شخصی اش با اورژانس تماس گرفته و خواهرش را به بیمارستان منتقل کردند.

اسرا پناهی دانش آموز دبیرستان شاهد اردبیل چهارشنبه گذشته در پی حمله مأموران امنیتی به دانش آموزان این مدرسه مورد ضرب و جرح قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.

صداسیمای جمهوری اسلامی عمومی اسرا پناهی را نیز وادار به اعتراف اجباری کرد. او گفته بود «بیماری قلبی برادرزاده ام بعد از مرگ پدرش تشدید شده و ۳ شب پیش در خواب حالش بد شد و در بیمارستان فوت کرد.»

پس از اعلام خبر قتل حکومتی این دانش آموز، دوباره موتور سناریوسازی جمهوری اسلامی فعال شد. در ابتدا خبرگزاری فارس مدعی شد که اسرا پناهی اصلاً دانش آموز نبود و به دلیل ناراحتی قلبی در بیمارستان بستری و فوت شده بود.

عمومی اسرا پناهی افزوده بود که «برادر من یک ماه پیش فوت کرده بود و دخترش هم ناراحتی قلبی مادرزادی داشت. متأسفانه سه روز پیش ساعت ۱۲:۳۰ شب حالش خراب شد با آمبولانس به بیمارستان بردنش و آنجا فوت کرد. به هیچ تجمع و شورش ربطی ندارد.»

شهردار اردبیل مدعی شده که پدر اسرا پناهی یک ماه قبل اعدام شده و مادرش نیز از پدرش طلاق گرفته بوده است. علی محمدیان اردی رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی استان اردبیل نیز در توضیحاتی مبهم درباره انتقال اسرا پناهی مدعی شده که «اولین دستور دارویی برای این بیمار در دقیقه ۳۶ بامداد ۲۰ مهرماه بوده و علائم بدو ورود وی به اورژانس بیمارستان استفرغ و افت شدید فشار (فشار ۷) ثبت شده است. در

تأیید قتل اسرا پناهی توسط مأموران جمهوری اسلامی؛ بیانیه کانون صنفی معلمان اردبیل در محکومیت سرکوب دانش آموزان

نالایق آموزش و پرورش استان اردبیل به تهدید و ضرب و شتم مجدد دانش آموزان می پردازند که در این بین یکی از دانش آموزان به نام اسرا پناهی متأسفانه در بیمارستان فوت کرده و تعدادی از دانش آموزان هم بازداشت می شوند که آمار و اطلاعات دقیقی اعلام نشده است.

لذا ما فرهنگیان، دانش آموزان و اولیا، اقدام عوامل اجرایی مدارس شاهد نواحی یک و دو اردبیل مخصوصاً مدیر و معاون مدرسه شاهد راثی نظام، رؤسای ناحیه‌ی یک و دو و مدیرکل آموزش و پرورش استان اردبیل را به جهت رفتار غیرقانونی و اجازهی ورود افراد ناشناس و لباس شخصی به مدارس و وارد شدن صدمات روحی، روانی و جسمی به دانش آموزان و فرهنگیان را شدیداً محکوم می کنیم و خواستار اجرای موارد زیر می باشیم.

اگر در موارد قید شده اقدام عملی و عاجل انجام نگیرد کانون صنفی معلمان اردبیل و فرهنگیان و دانش آموزان سراسر استان به استناد اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی حق اعتصاب و تعطیلی مدارس و حق تجمع اعتراضی را برای خود محفوظ می دارد.

۱- استعفا و یا اخراج مدیر و معاون مدرسه شاهد راثی نظام

۲- عذرخواهی تمامی مدیران ۲۶ مدرسه‌ای که اقدام غیرقانونی انجام داده‌اند با ذکر اسامی و درج در رسانه‌های محلی.

۳- حضور مدیرکل آموزش و پرورش استان اردبیل در صداوسیما و شرح ماجرا و معرفی عوامل و اشخاصی که در به وجود آمدن این حادثه‌ی تلخ نقش داشته‌اند.

۴- استعفا و یا اخراج رئیس آموزش و پرورش ناحیه یک اردبیل جناب توحید مجیدی و عزل مدیرکل آموزش و پرورش استان جناب کلام‌الله صفری.

۵- تعیین مشاوران، روانشناسان و روانپزشکان به صورت رایگان برای دانش آموزان و خانواده‌هایی که دچار ضربه‌های روحی و روانی شده‌اند.

۶- پرهیز از پادگانی کردن و ممانعت از تکرار چنین بی‌قانونی و حفظ امنیت مدارس و کرامت دانش آموزان.

۷- ورود دادستانی کل استان اردبیل به ماجرا به عنوان مدعی العموم و اقدام قضایی نسبت به تمامی افرادی که در این اتفاق ناگوار نقش داشته‌اند.

کانون صنفی معلمان اردبیل

۲۵ مهرماه ۱۴۰۱



اسرا پناهی

زشت به دستور رؤسای مناطق، مدیران کل و با چراغ سبز وزیر بی‌کفایت و نالایق آموزش و پرورش انجام می‌گیرد. در این شرایط ناامن، استفاده‌ی ابزاری از دانش آموزان مدارس دخترانه شاهد اردبیل در مراسم ایدئولوژیک حاکمیت بدون اخذ رضایت‌نامه‌ی کتبی از اولیا، غیرقانونی و محکوم می‌باشد. بطوری که به عناوین مختلف دروغین بازدید از موزه، مراسم هفته‌ی وحدت، اجرای سرود و برپایی همایش و... در مدارس به محل عالی قاپو، مرکز تشنج و اعتراضات خیابانی برده‌اند که حضور دانش آموزان مخصوصاً دختران در آن منطقه غیرعقلانی بوده است.

با شروع مراسم، تعدادی از دانش آموزان شروع به شعار دادن علیه تبعیض و نابرابری حاکمیت کرده و توسط لباس شخصی‌ها و بانوان محجبه‌ی مدعی تامین امنیت، مورد توهین و اهانت و ضرب و شتم قرار می‌گیرند. و بعد از برگشتن دانش آموزان به مدرسه افراد خودسر به رفتار غیرانسانی خود در خیابان قانع نشده و به مدرسه شاهد راثی نظام هجوم برده و در جلوی دید مدیرکل

استفاده‌ی ابزاری از دانش آموزان مدارس دخترانه شاهد اردبیل در مراسم ایدئولوژیک حاکمیت بدون اخذ رضایت‌نامه‌ی کتبی از اولیا، غیرقانونی و محکوم می‌باشد. بطوری که به عناوین مختلف دروغین بازدید از موزه، مراسم هفته‌ی وحدت، اجرای سرود و برپایی همایش و... دانش آموزان را با تهدید و به زور، از مدارس به محل عالی قاپو، مرکز تشنج و اعتراضات خیابانی برده‌اند که حضور دانش آموزان مخصوصاً دختران در آن منطقه غیرعقلانی بوده است.

اگر در موارد قید شده در این بیانیه اقدام عملی و عاجل انجام نگیرد کانون صنفی معلمان اردبیل و فرهنگیان و دانش آموزان سراسر استان به استناد اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی حق اعتصاب و تعطیلی مدارس و حق تجمع اعتراضی را برای خود محفوظ می دارد.

به نام خداوند جان و خرد

«الملک بقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم»

در روزهایی که اکثر شهرهای ایران تبدیل به خشم عمومی نسبت به عملکرد ضعیف و بی‌کفایتی مسئولان حاکم، شده است. جوانان و نوجوانان دانشگاه‌ها و مدارس هم به سیل عظیم معترضان پیوسته و حق قانونی خود را همگام با اقشار مختلف مردم فریاد می‌زنند.

اعتراض مدنی به استناد اصل ۲۷ قانون اساسی نیم بند کشور، حق همه‌ی شهروندان و دانش آموزان می‌باشد و برخورد خشن، غیرانسانی و سرکوب اعتراضات مدنی از طرف نیروهایی که وظیفه‌ی تامین امنیت شهروندان را دارند، محکوم و غیرقانونی است.

متأسفانه دامنه‌ی رفتارهای وحشیانه و غیرانسانی نیروهای خودسر به دانشگاه‌ها، مدارس و فضاهای آموزشی که خانه‌ی امن و دوم برای دانشجویان و دانش آموزان تلقی می‌شود، کشیده شده است که گستاخانه و به صورت غیرقانونی به مدارس ورود کرده و اقدام به تهدید، ضرب و شتم، بازداشت دانش آموزان و حتی پرتاب گاز اشک‌آور به مدارس ابتدایی می‌کنند.

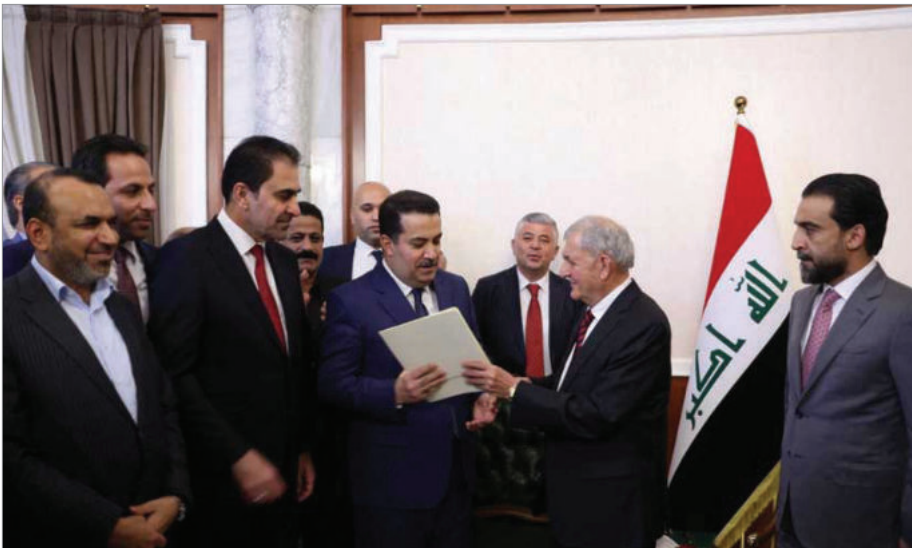
و بدتر اینکه برخی مدیران دست نشانده‌ی مدارس، برخلاف وظیفه‌ی قانونی و انسانی خود با نیروهای سرکوب همکاری کرده و درب مدارس را برای تهدید و بازداشت دانش آموزان به روی نیروهای امنیتی باز و عکس و مشخصات دانش آموزان را تحویل می‌دهند. و این اعمال

می‌کند که قضاوت مردم همیشه درست بوده است، فارغ از اینکه دستگاه‌های مختلف دولتی چه سناریوهایی برای پوشاندن حقیقت و ارائه‌ی روایت‌های کذب تدارک ببینند.» در این بیانیه تأکید شده که «در حال حاضر دانش آموزان مدرسه شاهد ضربه‌ی روحی سنگینی خورده‌اند. والدین آنها در اداره‌ی آموزش و پرورش اردبیل تجمع کردند و ناراضی و خشم خود را علیه سوء استفاده از دانش آموزان در برنامه‌های غیرآموزشی و بی‌ربط به مدرسه اعلام کرده‌اند. این تجمع پس از آنکه مدیر اداره‌ی آموزش و پرورش اردبیل از حرکت مدیر مدرسه و فرستادن اجباری دانش آموزان به برنامه‌های غیردرسی دفاع کرد، به تشنج کشیده شد.»

شاکرمی و سارینا اسماعیل‌زاده دو دختر ۱۶ ساله دیگر هستند که در تهران و کرج توسط مأموران حکومتی کشته شدند. درباره این دو دختر نوجوان هم طی سناریوسازی و اعتراف‌گیری اجباری از اعضای خانواده، ادعای خودکشی مطرح شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با صدور بیانیه‌ای با اشاره به کشته شدن اسرا پناهی نوشته که «موارد متعددی از این دست و عدم پاسخگویی دستگاه و نهادهای مسئول باعث شده است که شفاف سازی در رابطه با این وقایع تراژیک بسیار مشکل شود. در بستر چنین شرایطی مردم ترجیح می‌دهند که به گزارش‌های محلی و مطلعین نزدیک به واقعه اعتماد نکنند. تجارب متعددی که در سال‌های گذشته روی داده است قویاً ثابت

کازم موسوی نماینده اردبیل در مجلس شورای اسلامی ادعا کرده که «موضوع کشته شدن دختر دبیرستانی از کل دروغ است. ماجرا از این قرار است که پدر این دختر، دو سال پیش نامزد این دختر را به قتل می‌رساند و طبق قانون محکوم به اعدام شده که حدوداً یک ماه پیش حکم قصاص اجرا می‌شود. ادعاهایی که آموزش و پرورش و برخی رسانه‌ها درباره این دختر مطرح می‌کنند اصلاً درست نیست. این دختر اصلاً دانش‌آموز نبوده و بر سر اتفاقی که رخ داده، با خوردن قرص خودکشی کرده است. اصلاً به جهنم که قرص خورده و مُرده است!» سناریوسازی علیه نوجوانان به ویژه دختران نوجوان جانباخته در خیزش ملی اخیر کاملاً نخب‌خا شده است. نیکا

نمایش «اقتدار» در عراق برای پوشاندن شکست در ایران



رشید و سودانی، رئیس جمهور و نخست وزیر، هر دو زیر نفوذ جمهوری اسلامی که خودش در ایران با بحران مرگ و زندگی روبروست!

باید انتظار گسترش بحران را داشت. اکثریت عراقی‌ها، و بخش عمده شیعیان عراق، بارها و بارها مخالفت خود را با نفوذ جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند و نفوذ حکومت تهران در عراق را دلیل اصلی گستردگی فساد نیز می‌دانند. دولتی که توسط نیروهای کاملا وابسته به حکومت ایران به عراق تحمیل شده، نمی‌تواند پاسخگوی خواست اصلی مردم ما که کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی است باشد.

انتفاضه قنبر در ادامه می‌افزاید «محمد شیاع سودانی عروسکی بیش در دستان نوری المالکی نیست و نوری المالکی نیز به نوبه خود عروسکی است که بدون اجازه تهران اقدامی نمی‌کند. بنابراین می‌توان گفت که با وجود نه اکثریت عراقی‌ها در انتخابات اکتبر ۲۰۲۱، نیروهای دست نشانده جمهوری اسلامی به قدرت بازگشتند.» این تحلیلگر عراقی ولی در ادامه می‌افزاید «نباید فراموش کرد ساختاری که جمهوری اسلامی و قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس (که ۱۳ دی ۱۳۹۸ در نزدیکی فرودگاه بغداد توسط پهلپادهای آمریکایی ترور شد)، در عراق پیا کردند ترک خورده و ترمیم آن اگر غیرممکن نباشد، بسیار بسیار سخت است.» رشید عرفان نیز معتقد است که «بدون حضور صدی‌ها در دولت آینده که بسیار بعید به نظر می‌آید، دولت محمد شیاع سودانی نخواهد توانست دوام بیاورد و ما به زودی شاهد بازگشت معترضین در سطح گسترده در خیابان‌ها خواهیم بود زیرا در مقابسه با دولت مستعفی مصطفی الکاظمی دولت آینده شکاف‌های موجود را عمیق‌تر خواهد ساخت و عملاً شاهد شکل گرفتن دو عراق خواهیم بود که در مقابل یکدیگر قرار خواهند گرفت. دولت آینده دو راه برای برخورد با این اعتراضات دارد: یا کنار برود و یا مانند جمهوری اسلامی دست به کشتار معترضین در خیابان‌ها بزند.»

رشید عرفان در خاتمه گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «جمهوری اسلامی که در کشورش چهار هفته است بطور جدی از سوی مردم ایران به چالش کشیده شده، با نمایش اقتدار در عراق می‌خواهد پیامی به مردم ایران و جامعه جهانی بفرستد: ما هنوز اهرم‌های قدرت را در داخل و خارج از مرزهای خود در اختیار داریم.»

رئیس جمهور گردن به خواست دیگر جمهوری اسلامی و «چارچوب هماهنگی شیعیان» که گروه‌های وابسته به نیروی قدس را در بر می‌گیرد، نهاد و حکم نخست وزیری را به نام محمد شیاع سودانی نوشت. محمد شیاع سودانی از اعضای سابق حزب الدعوه و از نزدیک‌ترین همکاران نوری المالکی است. نوری المالکی نخست وزیر سابق نیز بدون شک مهره اصلی جمهوری سیاسی در سپهر سیاسی عراق است. البته محمد شیاع سودانی مدت‌ها پیش از حزب الدعوه استعفا داده و گروه ظاهراً مستقلی به نام «الفراتین» تشکیل داده بود. عرفان رشید می‌گوید «این گروه را می‌توان زیر مجموعه حزب نوری المالکی به حساب آورد که تنها با هدف جلوگیری از ریزش قابل پیش‌بینی الدعوه در انتخابات سال پیش اعلام موجودیت کرده بود.»

بلافاصله پس از اعلام نام نخست وزیر آینده، در برخی از شهرهای عراق چون ناصریه، بابل، دیوانیه و واسط، هواداران مقتدی صدر رهبر شیعه که مدت‌هاست حساب خود را از جمهوری اسلامی جدا کرده، به خیابان ریختند و عکس‌های محمد شیاع سودانی و علی خامنه‌ای و نوری المالکی را به آتش کشیدند. چنین به نظر می‌آید که مقتدی صدر هنوز بر استراتژی خیابان در مقابل پارلمان تأکید دارد. البته این استراتژی تا کنون بازنده بوده و اگر آنانکه انتخابات را در اکتبر سال گذشته باختند توانستند اکثریت را در پارلمان به دست گیرند، به خاطر استعفای ۷۳ نماینده هوادار مقتدی صدر است. رشید عرفان معتقد است که «اشتباه استراتژیک صدی‌ها می‌تواند جنگ داخلی در عراق را شعله‌ور سازد زیرا دولتی که محمد شیاع سودانی تشکیل خواهد داد نخواهد توانست هیچکدام از خواست‌های صدی‌ها و همچنین جوانانی را که از اکتبر ۲۰۱۹ در خیابان‌ها حضور دارند برآورده کند، به ویژه قادر به پاسخگویی به دو خواست مهم یعنی مبارزه با فساد گسترده که منشأ بحران اقتصادی و کاهش نفوذ جمهوری اسلامی نخواهد بود.»

انتفاضه قنبر تحلیلگر عراقی در واشنگتن نیز با رشید عرفان هم‌نظر است: «دولتی که محمد شیاع سودانی تشکیل خواهد داد محکوم به شکست است. مشکلات بسیاریند و نه تنها با تشکیل دولت جدید کاهش نخواهند یافت بلکه

● دولت آینده عراق را کسانی که از انتخابات اکتبر سال گذشته بازنده از صندوق رای بیرون آمدند و وابستگی کامل به جمهوری اسلامی دارند تشکیل خواهند داد.

● عبداللطیف رشید رئیس جمهور جدید که وعده ایجاد تعادل در روابط با جمهوری اسلامی را داده بود دو ساعت بعد مجبور شد تحت فشار بیشتر نیروهای وابسته به نیروی قدس سپاه پاسداران توثیت «به الله قول می‌دهم تروریسم و شبه‌نظامیان را ریشه‌کن کنم» را از حساب کاربری خود حذف کند.

● نخست وزیر آینده عراق، محمد شیاع سودانی از اعضای سابق حزب الدعوه و از نزدیک‌ترین همکاران نخست وزیر سابق نوری المالکی است. نوری المالکی مهره اصلی جمهوری سیاسی در سپهر سیاسی عراق است.

● تحلیلگران عراقی معتقدند که با تشکیل دولت محمد شیاع سودانی، معترضین به خیابان‌ها باز خواهند گشت و این دولت باید بین تن دادن به خواست‌های مردم و یا کشتار مخالفان در خیابان‌ها مانند آنچه در جمهوری اسلامی شاهد هستیم، یکی را انتخاب کند.

احمد رأفت - پس از یکسال از برگزاری آخرین انتخابات پارلمانی در عراق، بالاخره مجلس این کشور توانست رئیس جمهور جدیدی انتخاب کند. رئیس جمهور جدید نیز بلافاصله حکمی را برای نخست وزیری صادر کرد. تا اینجا داستان می‌توان از پایان بحرانی که یکسال به طول انجامید سخن گفت. ولی آنچه انتخاب رئیس جمهور و تشکیل دولت جدید را در عراق متمایز می‌کند این است، که دولت آینده را کسانی تشکیل خواهند داد که از انتخابات اکتبر سال گذشته بازنده از صندوق رای بیرون آمدند.

برپایه توافقی نانوشته که در عمل به حکومت فرقه‌ای در عراق تداوم می‌بخشد و نسل‌های جوان عراق مخالف آن هستند، در عراق رئیس جمهور باید گرد، نخست وزیر شیعه و رئیس مجلی سنی باشد. رئیس جمهور جدید عبداللطیف رشید از رهبران قدیمی و با نفوذ «اتحادیه میهنی کردستان» است. عبداللطیف رشید که تا چندی پیش سخنگوی «اتحادیه میهنی کردستان» بود، از این حزب استعفا داد تا به عنوان کاندیدای مستقل در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند. دلیل این استعفا به دست آوردن آرای نمایندگان «حزب دمکرات کردستان» در پارلمان فدرال عراق بود که حاضر نبودند به کاندیدای رسمی «اتحادیه میهنی کردستان»، حزب گردی بسیار نزدیک به جمهوری اسلامی رای دهند.

«استقلال» عبداللطیف رشید از «اتحادیه میهنی کردستان» و وعده او به ایجاد تعادل در روابط با جمهوری اسلامی دو ساعت بیشتر به طول نینجامید. رئیس جمهور جدید که بلافاصله پس از پایان نشست رای‌گیری در پارلمان توثیت زده بود «به الله قول می‌دهم تروریسم و شبه‌نظامیان را ریشه‌کن کنم»، مجبور شد دقیقاً پس از دو ساعت این توثیت را از حساب کاربری خود حذف کند. رشید عرفان تحلیلگر عراقی در بغداد به کیهان لندن می‌گوید «سفارت جمهوری اسلامی در بغداد و احزاب وابسته به ایران که همگی دارای گروه‌های شبه‌نظامی هستند او را مجبور به این کار کردند برای اینکه نشان دهند با وجود شکست در انتخابات سال گذشته و از دست دادن بخش قابل توجهی از حمایت مردمی، هنوز اهرم‌های قدرت را در دست دارند و بدون موافقت تهران در بغداد آب از آب تکان نخواهد خورد.» عبداللطیف رشید بلافاصله پس از گزینش به عنوان



گسترده شدن اعتصابات سراسری؛ مهمترین و بزرگترین مجتمع صنعت گاز به اعتصاب پیوست

تماس با کارگران هنوز تعداد دقیق و اسامی کارگرانی که آزاد شده‌اند در دست نیست. اینهمه در حالیست که اعتصاب کارگران در پروژه‌های نفتی همچنان برقرار است.

روز گذشته همچنین کارگران کارخانه فولاد «غدیر» در نیریز فارس نیز به اعتصاب پیوستند. گزارش‌ها از اعتصاب کارگران در کارخانه لوله‌سازی ماهشهر خبر می‌دهند. جمهوری اسلامی همه تلاش خود را به کار گرفته تا با تهدید و وحشت‌آفرینی و احضار کارگران از سراسری شدن اعتصابات جلوگیری کند.

به عقیده بسیاری از کارشناسان اعتصابات سراسری به عنوان مکمل مهمی برای اعتراضات خیابانی در خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی نقش‌آفرین خواهد بود. اعتصابات سراسری کارگران به مراحل جدیدی رسیده و اعتصاب در واحدهای آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها با تحریم کلاس درس از سوی دانش‌آموزان و دانش‌آموزان نیز از هفته نخست اعتراضات در جریان است.

شاهزاده رضا پهلوی روز دوشنبه ۲۵ مهرماه در پیامی به کارگران اعتصابی صنایع نفت و پتروشیمی و فولاد نوشت: «دستان شما زحمتکشان میهن‌دوست را می‌فشارم و به اراده ستم‌ستیزانه شما درود می‌فرستم.» وی از همه شهروندان خواست تا از اعتصاب‌کنندگان و خانواده‌های آنان پشتیبانی کنند. تشکرها و سندیکاها کارگری در کشورهای مختلف نیز با صدور بیانییهایی از اعتصاب کارگران در ایران و پیوستن آنها به خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند. در یکی از تازه‌ترین حمایت‌ها سازمان مرکزی کارگران سوئد، اتحادیه سراسری کارکنان سوئد و اتحادیه سراسری دانش فراهیختگان سوئد در نامه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی در این کشور نوشتند که به نمایندگی از بیش از ۴ میلیون کارگر در سوئد نگرانی شدید و عمیق‌شان را در مورد کاربرد خشونت و ادامه وحشیگری مقامات ایران نسبت به مردم خود را اعلام می‌کنند.

در این نامه آمده است «ما در کنار همه سوگواران مهسا امینی ایستاده‌ایم و انتظار داریم به این پرونده توسط یک هیئت تحقیق مستقل رسیدگی شود و عاملان آن پاسخگو باشند. ما به مردم فوق‌العاده شجاعی که در برابر حملات خشونت‌بار مقامات جمهوری اسلامی ایستاده‌اند و به مقاومتی که توسط زنان و دخترانی که با در معرض خطر قرار دادن جان خود، می‌خواهند به زن‌ستیزی و انقیاد حقوق اولیه خود در ایران پایان دهند ادای احترام می‌کنیم. ما همچنین بازداشت‌های اخیر فعالین کارگری ایرانی و بین‌المللی را به شدت محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط آنها هستیم.»

صنعت نفت، دست به اعتصاب زده و به سوی اعتصابات سراسری گام برخواهند داشت. طی روزهای گذشته کارفرما برای جلوگیری از اعتصاب در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به کارگران هفت میلیون تومان «پاداش» و در واقع «رشوه» داده بود تا از اعتصاب آنها جلوگیری کند.

کانال مستقل کارگران هفت تپه به نقل از یکی از کارگران اعتصاب‌کننده نوشته که «آغاز اجتماع همکاران مقابل مدیریت. با اون ۷ میلیون حواس‌مون پرت نمیشه. پاداش کشت و مطالبه همسان‌سازی دستمزد و دیگر مطالبات از جمله بازگشت به کار اسماعیل بخشی غیر قابل بحث است.» همچنین صدها تن از کارگران کارخانه «کیان تاپر» نیز از هفته گذشته اعتصاب کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران اعتراض کارگران «کیان تاپر» به پرداخت نشدن حق بیمه‌ها از تیرماه و بسته شدن خدمات درمانی آنها بوده اما با آغاز اعتصاب در چند پروژه صنعت نفت، این کارگران نیز دست به اعتصاب زدند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران افزوده که کارگران اعتصاب‌کننده در کارخانه کیان‌تاپر در «اسلامشهر»، از سوی قرارگاه سپاه پاسداران این شهر و پلیس امنیت تهدید شده‌اند. دوشنبه هفته گذشته، ۱۸ مهر ۱۴۰۱، و همزمان با بیست و پنجمین روز خیزش ملی مردم علیه جمهوری اسلامی، صدها تن از نیروهای شاغل در پروژه‌های نفت و پتروشیمی دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند.

این اعتصاب از نخستین ساعات صبح دوشنبه در پتروشیمی‌های بوشهر و هنگام واقع در عسلویه آغاز شد. ساعتی بعد کارکنان پتروشیمی دماوند و پتروپالایش کنگان و پالایشگاه آبادان نیز دست از کار کشیدند و به اعتصاب پیوستند. بر اساس گزارش‌ها بیش از ۱۰۰۰ کارگر در پتروشیمی‌های بوشهر و دماوند و هنگام تا ظهر دوشنبه ۱۸ مهر اعتصاب کردند.

«امسال سال خونه، سید علی سرنگونه»، «مرگ بر دیکتاتور» و «نترسید نترسید ما همه با هم هستیم» از جمله شعارهایی بود که کارگران اعتصاب‌کننده در تجمعات اعتراضی روزهای گذشته سر دادند.

نیروهای امنیتی بیش از ۱۰۰ کارگر اعتصاب‌کننده در عسلویه را بازداشت کردند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت گزارش داده که «تعدادی از همکاران بازداشتی در عسلویه با سپردن وثیقه، قرار کفالت و جریمه نقدی آزاد شدند اما همچنان بخش زیادی از کارگران در بازداشت بسر می‌برند.

در گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت تأکید شده که به دلیل قطع اینترنت و عدم امکان

● کارکنان کارگاه مرکزی مجتمع گازی پارس جنوبی در عسلویه به عنوان بزرگترین و یکی از مهم‌ترین واحدهای صنعت نفت که به «غول صنعت گاز ایران» معروف است امروز اعتصاب کردند.

● در استان خوزستان و در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نیز کارگران دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند.

● همچنین صدها تن از کارگران کارخانه «کیان تاپر» از هفته گذشته اعتصاب کردند و از سوی قرارگاه سپاه پاسداران «اسلامشهر» و پلیس امنیت زیر فشار امنیتی برای پایان دادن به اعتصاب قرار دارند.

● کارگران کارخانه فولاد «غدیر» در نیریز فارس و کارگران در کارخانه لوله‌سازی ماهشهر نیز در روزهای گذشته به اعتصاب پیوستند.

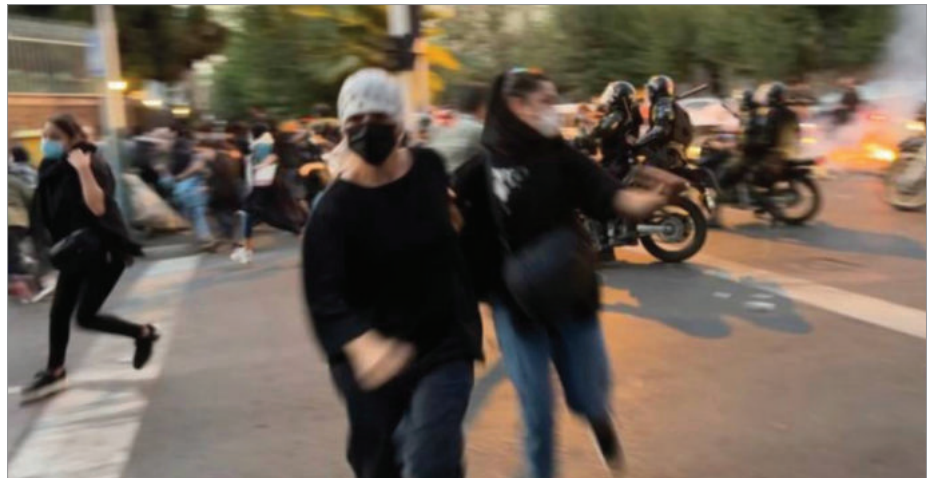
● شاهزاده رضا پهلوی در پیامی به کارگران اعتصابی صنایع نفت و پتروشیمی و فولاد نوشت: «دستان شما زحمتکشان میهن‌دوست را می‌فشارم و به اراده ستم‌ستیزانه شما درود می‌فرستم.» وی از همه شهروندان خواست تا از اعتصاب‌کنندگان و خانواده‌های آنان پشتیبانی کنند.

کارکنان اجرایی و اداری کارگاه مرکزی مجتمع گازی پارس جنوبی در عسلویه به عنوان بزرگترین و یکی از مهم‌ترین واحدهای صنعت نفت امروز اعتصاب کردند. کارگران نیشکر هفت تپه هم دست از کار کشیده و تجمع کردند؛ کارفرما به آنها هفت میلیون پاداش و به عبارتی دیگر رشوه داده بود تا تجمع امروز شکل نگیرد!

اعتصابات سراسری کارگران در ایران که از هفته گذشته و با اعتصاب در چند پالایشگاه و پتروشیمی آغاز شده بود اکنون ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است. منابع کارگری اطلاع دادند که کارکنان کارگاه مرکزی مجتمع گازی پارس جنوبی در عسلویه به عنوان بزرگترین و یکی از مهم‌ترین واحدهای صنعت نفت که به «غول صنعت گاز ایران» معروف است امروز اعتصاب کردند. این کارکنان هم کارگران و مهندسان و هم بخش اداری را شامل می‌شود.

همزمان در استان خوزستان و در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نیز کارگران دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند. این اعتصاب به دو دلیل عقب افتادن پرداخت چند ماه حقوق و حمایت از اعتراضات سراسری مردم و اعتصاب کارکنان صنعت نفت صورت گرفته است. کارکنان مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه پیشتر در بیانیه‌ای اولتیماتوم داده بودند که در صورت ادامه سرکوب معترضان در خیابان و در حمایت از اعتصاب کارکنان

تحریم ۱۵ فرد و نهاد جمهوری اسلامی توسط اتحادیه اروپا به دلیل سرکوب اعتراضات در ایران



اعتراضات ضدحکومتی در ایران مهرماه ۱۴۰۱

● «گشت ارشاد اسلامی»، «واحد سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، «سازمان بسیج» و «فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی» نهادهایی هستند که اتحادیه اروپا آنها را تحریم کرده است.

● عیسی زارع پور وزیر ارتباطات، احمد میرزایی رئیس گشت ارشاد تهران، محمد رستمی رئیس پلیس امنیت اخلاقی نیروی انتظامی، حسین رحیمی فرمانده پلیس تهران، عباس عبدی فرمانده نیروی انتظامی دیواندره استان کردستان، علی آزادی فرمانده نیروی انتظامی استان کردستان، علی صفری فرمانده نیروی انتظامی سقز، محمدحسین سپهر فرمانده قرارگاه مرکزی مهارت آموزی ستاد کل نیروهای مسلح، علیرضا ادیانی رئیس عقیدتی سیاسی فراجا، محمدزمان شالیکار فرمانده نیروی انتظامی بابل و سلمان حیدری فرمانده نیروی انتظامی بوکان نیز در فهرست تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا قرار گرفته‌اند.

اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۱۷ اکتبر (۲۵ مهرماه) ۱۵ فرد و نهاد جمهوری اسلامی را در رابطه با قتل مهسا امینی و سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات سراسری و نقض حقوق بشر تحریم کرد.

«گشت ارشاد اسلامی»، «واحد سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، «سازمان بسیج» و «فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی» نهادهایی هستند که اتحادیه اروپا آنها را تحریم کرده است.

عیسی زارع پور وزیر ارتباطات، احمد میرزایی رئیس گشت ارشاد اسلامی تهران، محمد رستمی رئیس پلیس امنیت اخلاقی نیروی انتظامی، حسین رحیمی فرمانده پلیس تهران، عباس عبدی فرمانده نیروی انتظامی دیواندره استان کردستان، علی آزادی فرمانده نیروی انتظامی استان کردستان، علی صفری فرمانده نیروی انتظامی سقز، محمدحسین سپهر فرمانده قرارگاه مرکزی مهارت آموزی ستاد کل نیروهای مسلح، علیرضا ادیانی رئیس عقیدتی سیاسی فراجا، محمدزمان شالیکار فرمانده نیروی انتظامی بابل و سلمان حیدری فرمانده نیروی انتظامی بوکان نیز در فهرست تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا قرار گرفته‌اند.

لاف در غریبی! زیان‌های اقتصاد داخلی به دلیل قطع اینترنت و دعوت از سرمایه‌گذاران تکنولوژی برای ورود به ایران!

● بر اساس گزارش نت بلاکس طی هفته‌های گذشته شدیدترین فیلترینگ جهان در ایران رخ داده بطوری که طبق آمارهای ماه‌های قبل ۸۰ درصد از مردم به اینترنت آزاد دسترسی ندارند.

● وسعت بازاری که در پی قطع اینترنت دچار زیان شده برابر با تجارتی معادل ۷۵۰ بازار سنتی کشور مانند بازار تجریش است و ۹ میلیون نفر طی ماه گذشته کرکره کسب و کار آنلاین خود را پایین کشیده‌اند.

● معاملات بازارهای ارز دیجیتال نیز در ایران با حدود ۱۲ میلیون معامله‌گر تعطیل شده و فعالیت معامله‌گران بازار بورس کشور هم با اختلال روبروست.

● در چنین شرایطی، محمدمبین آقامیری معاون وزیر ارتباطات ایران از سرمایه‌گذاران سایر کشورها برای سرمایه‌گذاری در ایران دعوت کرده و ایران را دارای فرصت‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری دانسته است!

حدود یک ماه است که دسترسی به اینترنت در ایران محدودتر از قبل شده و کاربرها برای استفاده از اینستاگرام و واتس‌آپ همچون تلگرام مجبور به نصب فیلترشکن هستند. با وجود زیان گسترده‌ای که این اقدام ضداجتماعی و ضداقتصادی به کسب و کارهای داخلی وارد کرده، معاون وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی در کمال وقاحت در نمایشگاه جیتکس ۲۰۲۲ دبی سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری در بخش تکنولوژی ایران دعوت کرده است! با آغاز خیزش ملی اخیر در ایران، جمهوری اسلامی اینترنت داخلی معروف به «اینترنت ملی» را فعال کرده، پلتفرم‌های مختلف را فیلتر و اینترنت موبایل را در بسیاری از ساعات شبانه‌روز قطع می‌کند. سرعت اینترنت ثابت یا خانگی در ایران هم به شدت کاهش و با قطع و وصل روبروست. بر اساس گزارش نت بلاکس طی هفته‌های گذشته شدیدترین فیلترینگ جهان در ایران رخ داده بطوری که طبق آمارهای ماه‌های قبل ۸۰ درصد از مردم به اینترنت آزاد دسترسی ندارند.

بر اساس گزارش‌هایی که تا کنون منتشر شده حدود ۳۰۰ هزار فروشگاه آنلاین در پی قطع اینترنت تعطیل شدند و زیان گسترده‌ای به تجارت الکترونیک ایران وارد شده است. وسعت بازاری که در پی قطع اینترنت دچار زیان شده برابر با تجارتی معادل ۷۵۰ بازار سنتی کشور مانند بازار تجریش است بطوری که ۹ میلیون نفر طی ماه گذشته کرکره کسب و کار آنلاین خود را پایین کشیده‌اند.

زیان قطع اینترنت فقط به کسب و کارهای آنلاین خلاصه نمی‌شود. معاملات بازارهای ارز دیجیتال در ایران با حدود ۱۲ میلیون معامله‌گر تعطیل شده و فعالیت معامله‌گران

پیش از این وزارت خارجه بریتانیا نیز مقامات «گشت ارشاد» و همچنین غلامرضا سلیمانی رئیس بسیج، حسین کرمی فرمانده یگان ویژه نیروی انتظامی و حسین اشتری فرمانده کل نیروی انتظامی، را تحریم کرده بود.

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در همین ارتباط در توییتی نوشت که «بسته تحریمی علیه جمهوری اسلامی در نشست شورای وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا به اتفاق آراء تصویب شد... اتحادیه اروپا همیشه علیه نقض جدی حقوق بشر اقدام خواهد کرد.» تحریم‌های اتحادیه اروپا ممنوعیت سفر و مسدود کردن دارایی‌های این افراد و نهادها را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، شهروندان و شرکت‌های اتحادیه اروپا از دسترس قرار دادن وجوه در اختیار افراد و نهادهای تحریم شده منع شده‌اند.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به این تحریم‌ها هشدار داد: «ما آنها را به پرهیز از رفتارهای مداخله‌گرایانه دعوت می‌کنیم اما در صورت رفتارهای مداخله‌گرایانه، ایران واکنش متقابل و متناسب نشان خواهد داد و در مورد تمام کشورهای اروپایی صدق می‌کند.»

شماری از مقامات اتحادیه اروپا در نظر دارند تحریم‌های جدید دیگری را نیز به خاطر فروش پهپاد از سوی جمهوری اسلامی به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین اعمال کنند.

دمیترو کولبا وزیر خارجه اوکراین در سخنرانی خود از طریق ویدئوکنفرانس خواستار تحریم رژیم ایران به دلیل فروش پهپادهای انتحاری به روسیه شد. گابریلیوس لندسبرگی وزیرخارجه لیتوانی نیز گفته بود که رژیم ایران با فروش پهپاد به روسیه مانند بلاروس در جنگ علیه اوکراین شریک می‌شود.

پیش از این نشریه پولیتیکو گزارش داده بود که جمهوری اسلامی در نامه‌ای به دیپلمات‌های اتحادیه اروپا تهدید کرده اگر اروپا تحریم‌هایی را علیه تهران به دلیل سرکوب اعتراضات اعمال کند، روابط دوجانبه ممکن است ادامه پیدا نکند و «عواقب جدی» داشته باشد.

برادر دادخواه آمنة شهبازی فرد:

صدای خانواده‌های آبان در گلوئی میلیون‌ها معترض است که فریاد نه به جمهوری اسلامی را به گوش جهان رساندند



و پیر و جوان و دانش‌آموزی است که فریاد نه به جمهوری اسلامی را به گوش جهان رساندند.»

برادر آمنة شهبازی فرد در سخنانش تأکید کرد: «امروز از هر قطره خون پویا، پژمان، مهدی سلمانزاده، محسن جعفرپناه، فرزاد انصاری فرد، آمنة شهبازی و نوید افکاری و جان‌باختگان آبان میلیون‌ها جوانه روییده است. تا فرقه تبهکار را برای همیشه به زباله‌دان بنیدازند.»

آمنة شهبازی فرد شهروند ۳۳ ساله اهل کرج، دارای سه فرزند، دو پسر ۱۴ و ۱۲ ساله و یک دختر ۴ ساله بود که ۲۷ آبان‌ماه ۹۸ هنگامی که برای خریداری دارو برای فرزند بیمار از خانه خارج شد، در جریان کمک‌رسانی به مجروحان، هدف گلوله مأموران حکومتی قرار گرفت و کشته شد.

اواخر تیرماه امسال دست‌کم ۱۱ نفر از خانواده‌های آبان‌ماه در یک برنامه سازمان‌یافته و ایجاد فضای سرکوب «دهه شصتی» توسط حکومت بازداشت شدند و خبرگزاری فارس خانواده‌های دادخواه را «اغتشاشگر» معرفی و مدعی شد آنها از «عناصر وابسته به سرویس‌های بیگانه» پول می‌گرفتند. محبوبه رضانی مادر پژمان قلبی‌پور از کشته‌شدگان آبان به تازگی در حساب اینستاگرام خود در پیام کوتاهی با انتشار تصویر پسرش نوشت: «عزیزم می‌بینی تمام روزهای هفته سیاه شده، دورت بگردم می‌بینی چقدر مادر شبیه مامانت شدند. دردت به قلبم.»

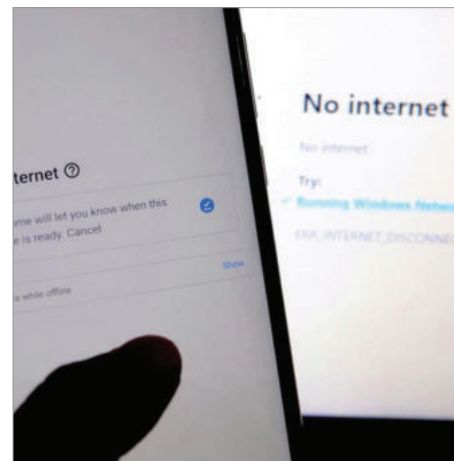
جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات سراسری آبان سال ۱۳۹۸، دست‌کم ۱۵۰۰ نفر را در خیابان‌ها، کوچه‌ها و بازداشتگاه‌ها با شلیک مستقیم گلوله به سر و سینه به قتل رساند. خانواده‌های کشته‌شدگان که دادخواه خون فرزندان‌شان هستند، در طول این سال‌ها، همواره پاسخی جز احضار، بازداشت و احکام زندان و جریمه دریافت نکردند. بگیر و ببند خانواده‌های آبان اما نتوانست مانع اعتراضاتی شود که در هر حال در بطن جامعه همواره می‌جوشیده و دیر یا زود به خیابان‌ها سرازیر می‌شد. اکنون با کشته ده‌ها جوان و کودک در اعتراضات شهریور و مهر ۱۴۰۱، بر شمار خانواده‌های دادخواه و همچنین حجم خشم و انزجار مردم از رژیم جمهوری اسلامی افزوده شده است.

● مهدی شهبازی فرد برادر دادخواه آمنة شهبازی فرد طی پیامی از طرف خانواده‌های دادخواه آبان گفت: «شاید خیلی از مردم سوالشان این باشد که خانواده‌های آبان کجا هستند و چرا امروز سکوت کردند. خانواده‌های آبان یا در زندان هستند مثل منوچهر بختیاری، ناهید شیرپیشه، رضا سلمانزاده و یا مثل مهرداد بختیاری، سعید دامور، محبوبه رضانی، سمیه جعفرپناه، فرزانه انصاری فرد زیر حبس خانگی و شدیدترین فشار امنیتی هستند.»

● او افزود: «جمهوری اسلامی جان فرزندان خانواده‌های آبان را گرفت به خاطر اینکه حق این ملت را در خیابان فریاد زدند. خانواده‌های آبان سه سال صدای ملت ایران بودند و امروز صدایشان تکثیر شده است. امروز صدای خانواده‌های آبان در گلوئی میلیون‌ها دختر و پسر، زن و مرد و پیر و جوان و دانش‌آموزی است که فریاد نه به جمهوری اسلامی را به گوش جهان رساندند.»

مهدی شهبازی فرد برادر دادخواه آمنة شهبازی فرد از کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ با انتشار پیام تصویری از تداوم زندان و حبس خانگی خانواده‌های دادخواه خبر داد و گفت که امروز صدای خانواده‌های آبان در گلوئی میلیون‌ها دختر و پسر، زن و مرد و پیر و جوان و دانش‌آموزی است که فریاد نه به جمهوری اسلامی را به گوش جهان رساندند. مهدی شهبازی فرد برادر دادخواه آمنة شهبازی فرد طی پیامی از طرف خانواده‌های دادخواه آبان گفت: «شاید خیلی از مردم سوالشان این باشد که خانواده‌های آبان کجا هستند و چرا امروز سکوت کردند. خانواده‌های آبان یا در زندان هستند مثل منوچهر بختیاری، ناهید شیرپیشه، رضا سلمانزاده و یا مثل مهرداد بختیاری، سعید دامور، محبوبه رضانی، سمیه جعفرپناه، فرزانه انصاری فرد زیر حبس خانگی و شدیدترین فشار امنیتی هستند.»

او افزود: «جمهوری اسلامی جان فرزندان خانواده‌های آبان را گرفت به خاطر اینکه حق این ملت را در خیابان فریاد زدند. خانواده‌های آبان سه سال صدای ملت ایران بودند و امروز صدایشان تکثیر شده است. امروز صدای خانواده‌های آبان در گلوئی میلیون‌ها دختر و پسر، زن و مرد



→ بازار بورس کشور نیز با اختلال روبرو است. پزشکان هم می‌گویند که برای نسخه‌نویسی الکترونیک گرفتار قطعی اینترنت هستند و بسیاری از بیماران ناچار هستند داروهای خود را از بازار آزاد و با قیمت‌های گرانتر تهیه کنند.

به گفته نایب رییس اتاق بازرگانی ایران، به دلیل سهم حوزه IT در تولید ناخالص ملی هر ساعت قطعی اینترنت حدود ۱.۵ میلیون دلار ضرر اقتصادی برای کشور به همراه می‌آورد که این رقم برای ۲۴ ساعت معادل ۳۶ میلیون دلار است. آنطور که مشخص است با وجود همه اعتراضات کارشناسان و فعالان اقتصادی، فعلا قرار نیست اینترنت به حالت عادی برگردد. در یکی از آخرین اظهارنظرها درباره وضعیت اینترنت، مهدی اسماعیلی عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه محدودیت‌های اینترنت به طرح صیانت ارتباطی ندارد گفته که «تا زمانی که مسائل امنیتی برطرف نشود، محدودیت فضای مجازی ادامه دارد.» هرچند بهانه جمهوری اسلامی برای قطع و محدود ساختن بیشتر اینترنت جلوگیری از تظاهرات مردم و ارسال تصاویر و ویدئوها در شبکه‌های اجتماعی است اما همچنان اعتراضات پس از یک ماه ادامه دارد و ویدئوها و تصاویر نیز در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های آزاد منتشر می‌شوند.

جمهوری اسلامی در حالی با قطع اینترنت زبان گسترده‌ای به بخش‌های مختلف اقتصاد کشور و کارآفرینان وارد کرده که در نمایشگاه جیتکس ۲۰۲۲ که بزرگترین رویداد فناوری است و در دومی برگزار می‌شود، معاون فناوری وزارت ارتباطات جمهوری اسلامی خواستار سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در حوزه تکنولوژی ایران شده است!

محمدامین آقامیری معاون وزیر ارتباطات ایران از سرمایه‌گذاران سایر کشورها برای سرمایه‌گذاری در ایران دعوت کرده و ایران را دارای فرصت‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری دانسته است! این در حالیست که محدودیت‌های اینترنت که اخیراً در کشور اعمال شده، سرمایه‌گذاران داخلی را هم برای ادامه فعالیت دلسرد کرده است. این مقام مسئول در سخنانی غیرواقعی، در کنار شرکت‌های خارجی کوچک و مستقل، صاحبان کسب و کارهای اکوسیستم استارت‌آپی ایران را مخاطب قرار داده و با توجه به انحصار ایجاد شده از تحریم‌ها و عدم فعالیت رقبای خارجی به فعالان داخلی اعلام کرده که این فضا برای رسیدن آنها به یک بازار ۸۰ میلیون نفری و قابلیت صادرات محصولات‌شان در پی همکاری با شرکت‌های مستقل خارجی، فراهم است! او گفته نه تنها از حمایت‌های ویژه دولتی در این مسیر بهره‌مند می‌شوند بلکه با کمک‌های وزارتخانه‌ای، امکان توسعه بین‌المللی برای این کنسرسیوم‌های بین‌المللی هم قابل توسعه است!

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به دادخواهی از خون جانباختگان خیزش ملی سه روز عزای عمومی اعلام کرد



● شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به دادخواهی از خونهای به ناحق ریخته عدالتخواهان خصوصاً قتل فجیع دانش‌آموزان ایران زمین روزهای پنجشنبه و جمعه این هفته، ۲۸ و ۲۹ مهر، و شنبه ۳۰ مهر را «عزای عمومی» اعلام می‌کند، و از دانش‌آموزان، فرهنگیان و ملت شریف ایران می‌خواهد به هر روش ممکن ما را در این برهه شرف‌آفرین یاری رسانند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که این شورا به دادخواهی از خونهای به ناحق ریخته عدالتخواهان خصوصاً قتل فجیع دانش‌آموزان ایران‌زمین روزهای پنجشنبه تا شنبه، ۲۸ تا ۳۰ مهرماه را «عزای عمومی» اعلام کرده و از «دانش‌آموزان، فرهنگیان و ملت شریف ایران» خواسته به هر روش ممکن ما را در این «برهه‌ی شرف‌آفرین» یاری رسانند.

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:
ملت شریف ایران، دانش‌آموزان و معلمان گرامی، از خون جوانان وطن می‌نوشند!

قتل ژینا امینی توسط ماشین سرکوب پلیس امنیت! رخدادی تکین در ایران و جهان شکل داد، رخدادی که به خلق جهان پس از خود پرداخته و انسان، ادبیات، هنر، فلسفه و گفت‌وگویش را باز تولید می‌کند؛ امری که حاکمیت قطعاً قدرت فهم آن را نخواهد داشت.

به دنبال این قتل، خانه و خیابان و دانشگاه و کارگاه و کارخانه و مدرسه محملی برای اندیشه و عمل انسانی شد: «داستانی»

همه‌ی انسانیت قیام کرد، چه! نشستن آوردن خویش به خون نام گرفت. حاکمیت نیز ننشست! اما، نه به دادگری که به

استخوان‌های پیدا شده در کوه‌های شیراز متعلق به امین بزرگر دوست نوید افکاری است

● امین بزرگر از تیرماه ۱۴۰۰ ناپدید شد. او بارها به دوستانش گفته بود به دلیل سکوت نکردن درباره قتل حکومتی و سازمانیافته نوید افکاری مورد تهدید قرار گرفته است.

● مراسم خاکسپاری پیکر امین بزرگر روز دوشنبه، ۲۵ مهر، در «دارالرحمه سعدی شیراز» برگزار می‌شود.

چند ماه پس از اعلام ناپدید شدن امین بزرگر دوست صمیمی نوید افکاری، اعلام شده استخوان‌هایی که چند هفته پیش در کوه‌های اطراف شیراز پیدا شده، متعلق به این جوان کشتی‌گیر است. مراسم خاکسپاری پیکر امین بزرگر روز دوشنبه ۲۵ مهر در «دارالرحمه سعدی شیراز» برگزار می‌شود. حساب کاربری «۱۵۰۰ تصویر» از پیدا شدن بقایای پیکر امین بزرگر کشتی‌گیر و دوست نوید افکاری در کوهی در شیراز خبر داد. این حساب کاربری نوشته به زودی درباره شیوه قتل این کشتی‌گیر جوان توضیحاتی منتشر خواهد کرد. امین بزرگر از تیرماه ۱۴۰۰ ناپدید شد. او بارها به دوستانش گفته بود به دلیل سکوت نکردن درباره قتل حکومتی و سازمانیافته نوید افکاری مورد تهدید قرار گرفته. حالا حدس زده می‌شود که این جوان توسط مأموران امنیتی ربوده شده و پس از به قتل رسیدن در کوهی در نزدیکی شیراز رها شده بدون اینکه به اعضای خانواده و دوستانش اطلاع داده شود. بقایای پیکر امین بزرگر چند ماه پیش پیدا شد و حالا جواب آزمایش دی‌ان‌ای تأیید کرده استخوان‌های پیدا شده متعلق به او است.

بر اساس اطلاع‌رسانی صورت گرفته مراسم خاکسپاری امین بزرگر روز دوشنبه، ۲۵ مهر، در «دارالرحمه سعدی شیراز» برگزار خواهد شد.

خبر ناپدید شدن او در بهمن سال گذشته رسانه‌ای شد. سردار پاشایی کشتی‌گیر پیشین تیم ملی ایران در توییتری نوشته بود که «بزرگر همین چند ماه پیش در مسابقات بین‌المللی مدال گرفت. او یک ورزشکار ملی و کشتی‌گیری شناخته شده است. از خانواده‌ای فقیر، و بدون پدر. مأموران لباس شخصی در یک مورد به هیئت کشتی استان دنبال او رفته بودند. اکنون نزدیکانش می‌گویند او ۶ ماه است ناپدید شده است.»

حساب کاربری «۱۵۰۰ تصویر» که اخبار کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ را در شبکه‌های اجتماعی پوشش داده روز جمعه، ۲۲ مهر، اعلام کرد که آزمایش‌های صورت‌گرفته روی استخوان‌های پیدا شده در کوهی در شیراز تأیید کرده است که این استخوان‌ها متعلق به امین بزرگر است.

این حساب کاربری زمستان گذشته در توضیحاتی درباره ناپدید شدن این کشتی‌گیر نوشته بود «امین متولد ۱۳۷۴، کشتی‌گیر و برنده‌ی مدال برنز مسابقات بین‌المللی

خونریزی آشکار و قساوت رفتار!

خون را نه در خیابان، که سیرایش نساخت، بلکه در «کلاس درس» که شاید عطش خود را خاموش سازد، بهای بقای خود ساخته، ارباب و پورش را از خیابان به دانشگاه و شنیع‌تر به مدارس کشانده و به این سعیت افتخار می‌کند!

شما حاکمان، دستان خود را به خون جوانان و کودکان دانش‌آموز ما بی‌رحمانه آغشته کردید. اذهان مردم، خاصه دانش‌آموزان، پُر است از یک پرسش: چرا ما را می‌کشید؟ مگر ما جز «زندگی» چه می‌خواهیم؟ و جواب شما بنا به ذاتی که تاریخ دارد، یک کلیشه بیش نبوده و نیست: «چون جز کشتن نمی‌دانیم!»

شما آمران و عاملان سرکوب سیستماتیک، در این روزهای تاریخ‌ساز مردم جان به لب رسیده، تعدادی از دانش‌آموزان بی‌گناه این مملکت را با دل‌هایی پر از کینه و دستان به خون آغشته کشتید و به آن می‌بالید. قهقهه خنده مستانه‌تان به گوش همه می‌رسد.

ایران خونین است، ایران داغدار است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به دادخواهی از خونهای به ناحق ریخته عدالتخواهان خصوصاً قتل فجیع دانش‌آموزان ایران زمین روزهای پنجشنبه و جمعه این هفته، ۲۸ و ۲۹ مهر، و شنبه ۳۰ مهر را «عزای عمومی» اعلام می‌کند، و از دانش‌آموزان، فرهنگیان و ملت شریف ایران می‌خواهد به هر روش ممکن ما را در این برهه شرف‌آفرین یاری رسانند.

یادآوری این نکته ضروریست که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران برای روزهای آتی کنش‌های دیگری در دستور کار دارد که متعاقباً اعلام خواهد شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران
چهارشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۱

رجزخوانی علی خامنه‌ای علیه مردم: غلط می‌کند کسی فکر کردن درخت تناور جمهوری اسلامی را بکند!



سخنرانی علی خامنه‌ای در جمع مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس «وحدت اسلامی»

ساعاتی بعد از سخنرانی علی خامنه‌ای، مردم زاهدان با وجود سرکوب گسترده در «جمعه خونین» بار دیگر پس از نماز جمعه به خیابان‌ها آمده و علیه حکومت و سرکوبگران مزدبگیرش شعار دادند.

در این میان، هرچند مقامات امنیتی رژیم هر روز ادعا می‌کنند اعتراضات تمام شده اما پس از حدود یک ماه تظاهرات در شهرهای مختلف ایران همچنان ادامه دارد. تنها در یک نمونه، پنجشنبه شب ۲۱ مهرماه جوانان در نیشابور مجسمه خمینی را تخریب کردند.

از سوی دیگر، در اعتراضات پنجشنبه شب در لارستان (استان فارس) یک سرگرد سپاهی و یک آخوند بسیجی کشته شدند. خبرگزاری فارس گزارش داده این مأموران هنگام روبرو شدن با دو نفر که در حال نوشتن «شعارهای هنجارشکنانه» بودند با اسلحه کمری کلت کشته شدند.

امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اظهاراتی با اشاره به اعتراضات گفته «ما اکنون درگیر یک جنگ ترکیبی در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و امنیتی هستیم و دشمنان امروز امنیت ما را نشانه گرفته‌اند.» امامان جمعه در ایران در خطی مشترک همگی علیه اعتراضات موضع گرفتند و آن را نقشه‌های آمریکا و اسرائیل برای «براندازی و از بین بردن انقلاب اسلامی» خواندند. البته موضوع «براندازی» و از بین بردن جمهوری اسلامی که از انقلاب اسلامی ۵۷ به دنیا آمد دور واقعیت نیست اما ربطی به آمریکا و اسرائیل ندارد بلکه مردم هستند که این نظام را نمی‌خواهند.

دادرسی انسانی در آن رعایت نمی‌شود، این سه برادر با نوشتن نامه و انتشار فایل صوتی گفتند که اعتراضات اجباری آنها زیر شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی گرفته شده. همچنین روند دادرسی و محاکمه این سه برادر به شدت ناعادلانه و حتا خارج از چهارچوب قوانین مسئله‌دار خود جمهوری اسلامی بوده است.

نوید افکاری با وجود اعتراضات داخلی و خارجی سحرگاه شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ بدون اطلاع خانواده اعدام شد. حبیب افکاری اسفند گذشته پس از تحمل سه سال زندان و بیش از ۵۵۰ روز انفرادی از زندان آزاد شد اما وحید همچنان در زندان است.

● رهبر جمهوری اسلامی در جمع کارگزاران نظام گفته «پیش از این آمریکا و شوروی در مسئله ضدیت با جمهوری اسلامی متفق بودند و خیال می‌کردند این نهال را می‌توانند از ریشه بکنند... نهال جمهوری اسلامی امروز به یک درخت تناور تبدیل شده!»

● ساعاتی بعد از سخنرانی علی خامنه‌ای، مردم زاهدان با وجود سرکوب گسترده در «جمعه خونین» بار دیگر پس از نماز جمعه به خیابان‌ها آمدند و علیه حکومت و سرکوبگران مزدبگیرش شعار دادند.

● پنجشنبه شب ۲۱ مهرماه جوانان در نیشابور مجسمه خمینی را تخریب کردند.

● در اعتراضات پنجشنبه شب در لارستان (استان فارس) یک سرگرد سپاهی و یک آخوند بسیجی کشته شدند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی که این روزها مرتب سخنرانی می‌کند، جمعه ۲۲ مهرماه نیز با اشاره تلویحی به اعتراضات در ایران خطاب به معترضان گفت که «پیش از این آمریکا و شوروی در مسئله ضدیت با جمهوری اسلامی متفق بودند و خیال می‌کردند این نهال را می‌توانند از ریشه بکنند... نهال جمهوری اسلامی امروز به یک درخت تناور تبدیل شده است؛ غلط می‌کند کسی فکر کردن آن را هم بکند.»

در همین جلسه ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» هم طبق معمول با دادن وعده اصلاحات اقتصادی و کاهش تورم گفت: «دشمنان ایران در اغتشاشات اخیر به دنبال ایجاد زحمت برای کشور بودند اما مردم با صبر و ایستادگی همچون گذشته آنها را ناکام کردند!»

شرکت در اعتراضات تابستان ۹۷ در شیراز بازداشت و پس از دستکاری پرونده توسط نهادهای امنیتی به قتل عمد حسن ترکمان کارمند حراست اداره آبفای شیراز متهم شدند.

نوید افکاری به عنوان متهم ردیف اول به اتهام محاربه و همچنین قتل یک مأمور امنیتی به دو بار اعدام، ۶ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. وحید به تحمل ۵۴ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق و حبیب نیز به تحمل ۲۷ سال و ۳ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

نوید افکاری و دو برادرش هرگز اتهامات وارد شده را نپذیرفتند. قاضی اما بر اساس اعتراضات اجباری آنها چنین حکم سنگینی را صادر کرد. پس از دادگاهی که هیچ اصول



امین بزرگر

→ است. امین پیش از ناپدید شدنش بارها از سوی نهادهای امنیتی تهدید شده بود و او را مجبور کرده بودند پست‌هایش راجعه نوید را از صفحه‌اش پاک کند. یکی از پست‌هایی که او را مجبور به پاک کردن آن کردند فیلمی بود از مزار نوید در روزهای پس از اعدام که بازخورد زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت.»

در ادامه این توضیحات آمده بود که «اوایل تیر ۱۴۰۰ برادرش به دوستان امین می‌گوید ده روز است امین غیب شده. پدر امین فوت کرده و او با مادرش زندگی می‌کرده است. امین کارگر نجاری است و هنگامی که غیب شده مشغول به کار بوده است. اما نه دستمزدش را از صاحب کار گرفته و نه وسایل نجاری‌اش را از آنجا برده است.»

سعید افکاری برادر نوید اوایل شهریور پارسال مدتی پس از غیبت امین، از فشار نیروهای امنیتی به اطرافیان نوید نوشته بود. سعید دو روز پس از نوشتن این موضوع بازداشت می‌شود و در حین بازجویی مدام از او که اطلاعی از غیبت امین نداشته می‌پرسیده‌اند: «در متنی که نوشته‌ای منظورت دقیقاً فشار به چه کسانیست؟»

حساب کاربری «۱۵۰۰ تصویر» زمستان گذشته با بیان توضیحاتی درباره ناپدید شدن امین، نوشته بود که «با توجه به همزمانی بازجویی سعید افکاری و غیبت امین بزرگر و تاکید بر روی یک سوال مشخص در حین بازجویی، احتمال آنکه نیروهای امنیتی از آنچه برای امین اتفاق افتاده مطلع بوده‌اند بیشتر می‌شود.»

شاهین ناصری شاهد شکنجه نوید افکاری نیز ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۰ در سلول انفرادی زندان تهران بزرگ (فشافویه) به طرز مشکوکی جان سپرد. شاهین ناصری در فایل صوتی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد گفته بود، پس از ارائه جزئیات آگاهی‌اش از شکنجه نوید افکاری در آگاهی به بازپرس امنیتی، توسط او تهدید شده که گفته، در پرونده‌ای امنیتی دخالت کرده و او را «ذوب می‌کند!»

شاهین ناصری از زندانیان جرائم مالی بوده که پس از ارائه شهادت در خصوص شکنجه نوید افکاری، به زندان «تهران بزرگ» تعیند شد و در حالی که در سلول انفرادی بسر می‌برد به طرز مشکوکی جان سپرد.

یک منبع آگاه درباره قتل شاهین ناصری به سازمان حقوق بشر ایران گفته بود که «شاهین ناصری چند روز پیش از سالگرد اعدام نوید افکاری از بند عمومی فشافویه به سلول انفرادی منتقل شده بود تا از تماس تلفنی محروم باشد و نتواند با خبرنگارهایها مصاحبه کند اما بعد از چند روز خبر درگذشت او منتشر و زندانیان پیکر بی‌جان او را در بهداری دیدند.»

نوید افکاری کشتی‌گیر و نایب‌قهرمان کشتی جوانان ایران شهریور ۱۳۹۸ به همراه دو برادرش وحید و حبیب به دلیل

گفتگوی کیهان لندن با سپاهی مخالف جمهوری اسلامی: باور کنید ما هم مثل شما مخالف این رژیم هستیم! زندانیان سیاسی را پاکسازی می‌کنند!



مراسم رژه یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

خروج از سپاه آسان باشد بعد از ۱۰ تا ۱۲ سال کار خیلی سخت و خطرناکی است؛ به همین دلیل ما سعی می‌کنیم مثل بقیه معترضان به براندازی کمک کنیم.

-چطور؟

-من مسئول بخشی از همین لباس شخصی‌ها هستم. به آنها گفتیم «معتضان رو گرفتید اذیت نکنید چند تا کوچه آت‌طرف‌تر آزادشان کنید». یا خودم اگر در خیابان باشم مقابل نیروهای دیگر، معترضین را می‌گیرم و بعد آنها را آزاد می‌کنم. برادرم هم به نیروهای لباس شخصی زیر دستش گفته «بچه‌های زیر ۱۸ سال فریب خورده‌اند اگر ما بازداشت‌شان کنیم از ما متنفر می‌شوند». به این بهانه آنها را آزاد می‌کند وگرنه به او شک می‌کنند. البته در نیروی انتظامی مأمورانی هستند که علنی مخالفت کردند که به مردم تیراندازی کنند اما در سپاه هنوز کسی جرأت این کار را ندارد؛ به همین دلیل اگر جمهوری اسلامی سرنگون نشود، بعداً تمام این نیروهایی را که در نیروی انتظامی نافرمانی کردند به بهانه‌های مختلف ترور و حذف می‌کنند.

-گفته می‌شود بخشی از نیروهای سرکوب در خیزش سراسری اخیر از لبنان وارد ایران شده‌اند؟

-بله، در حال حاضر جمهوری اسلامی تعدادی نیرو عضو حشدالشعبی و حزب‌الله را به ایران آورده و بقیه را در عراق و لبنان نگه داشته به همین دلیل حزب‌الله در ارتباط با اسرائیل کمی نرمش نشان داده. چون نیرو کم دارند؛ از طرف دیگر نیروهای عراق، لبنان و ایران در سوریه کج دار و مریز رفتار می‌کنند بر سر میدان گازی «کاریش» که خط قرمز حسن نصرالله است. حسن نصرالله در اینباره اخطار داده.

-گفته می‌شود بخش دیگری از نیروهای سرکوب هم مجرمان خطرناک هستند...

می‌کنیم. البته مادرم تا قبل از رفتن پدرم به اوکراین، پنهانی به ما سر می‌زد. من با پدرم تماس نداشتم تا اینکه از طریق مادرم متوجه شدم حدود ۲ ماه پیش به اوکراین اعزام شده. او با درجه سرهنگی به عنوان تیپ نیرو مخصوص سپاه [یگان صابرین] به اوکراین اعزام شده. او به سوریه هم رفته بود و به جنگ‌های اینطوری آشناست.

-سپاه حدوداً چه تعداد نیرو به اوکراین اعزام کرده؟

-کل نیروهای جمهوری اسلامی در سپاه حدود ۱۸۰ هزار نفرند که تعدادی از آنها را به روسیه اعزام کردند. روسیه از حزب‌الله و حشدالشعبی نیرو نخواست به خاطر اینکه رمضان قدریوف و چچنی‌ها با نیروهای حزب‌الله و حشدالشعبی مشکل دارند. این تعداد نیرویی که از سپاه در روسیه هستند تا روشن شدن وضعیت اوکراین برنخواهند گشت. البته تعدادی از آنها در اوکراین کشته شدند. شاید دوباره از این نیروهای سپاه به روسیه اعزام کنند. ابتدا سپاه به روسیه موشک و پهپاد فرستاد. بعد گروهی را با عنوان مستشار اعزام کردند. بعد از سراسر کشور، سپاهیان را جمع کردند و به جنگ اوکراین اعزام کردند. پدرم در تماس با مادرم گفته بود که در جبهه غربی هستند و تعدادی از آنها هم در خاک اوکراین و در نقاط اشغال شده توسط روسیه مستقر هستند.

-از دستمزد کسانی که به جبهه اوکراین اعزام شده‌اند خبر دارید؟

-بین ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ هزار دلار که به توجه به درجه آنها این مبلغ تغییر می‌کند.

-گفتید که شما و برادران از مخالفان جمهوری اسلامی هستید؛ چطور نتوانستید از سپاه خارج شوید؟

-به این راحتی که فکر می‌کنید نیست. من و برادرم از جوانی وارد این کار شده‌ایم؛ بعد از دو سال خدمت شاید

● کل نیروهای جمهوری اسلامی در سپاه حدود ۱۸۰ هزار نفرند که تعدادی از آنها را به روسیه اعزام کردند. روسیه از حزب‌الله و حشدالشعبی نیرو نخواست به خاطر اینکه رمضان قدریوف و چچنی‌ها با نیروهای حزب‌الله و حشدالشعبی مشکل دارند. این تعداد نیرویی که از سپاه در روسیه هستند تا روشن شدن وضعیت اوکراین برنخواهند گشت... اگر مردم براندازی می‌خواهند الان بهترین فرصت است روسیه به عنوان پشتیبان همیشگی جمهوری اسلامی الان در اوکراین گیر افتاده و بهترین فرصت است؛ یا الان یا هیچوقت! الان جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین وضعیت خود قرار دارد.

● در نیروی انتظامی مأمورانی هستند که علنی مخالفت کردند که به مردم تیراندازی کنند اما در سپاه هنوز کسی جرأت این کار را ندارد؛ به همین دلیل اگر جمهوری اسلامی سرنگون نشود، بعداً تمام این نیروهایی را که در نیروی انتظامی نافرمانی کردند به بهانه‌های مختلف ترور و حذف می‌کنند.

● بسیاری از گرمخانه‌های شهرداری و مدارس متروکه و اوقافی به محل بازداشت زندانی‌ها تبدیل شده‌اند؛ بچه‌های مردم را در اینجاها نگه می‌دارند؛ مردم می‌توانند به راحتی فرزندان خود را از این مراکز نجات بدهند.

● حداقل بین ۷۰ و ۸۰ زندانی اوین را کشته‌اند؛ یک عده از زندانیان سیاسی قدیمی و جدید که برخی را تیرباران کردند و بعدها اعلام می‌کنند مفقود شده‌اند. بسیاری از کشته‌های اوین کسانی هستند که اسمی از آنها برده نشده. عده‌ای را هم در یک قسمت مثل کتابخانه محبوس کردند تا خفه شوند، البته فقط هم اوین نیست؛ این روش را می‌خواهند در سایر زندان‌ها هم اجرا کنند چون نه نیروی نگهداری از آنها را دارند و نه جایی دارند که آنها را نگه دارند؛ به روش دهه ۶۰ در حال پاکسازی فعالان سیاسی هستند. بنابراین اهمیت زیادی دارد که با خبرسانی گسترده جلوی تکرار این جنایت گرفته شود.

فیروزه نوردستروم - علی عضو یک خانواده فعال در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که از سال‌ها پیش به همراه شماری از اعضای خانواده‌اش مخالف جمهوری اسلامی شدند. او می‌گوید: «بسیاری از خانواده‌هایی که به عنوان سپاهی در این نظام فعالیت می‌کنند مخالف رژیم‌اند» و می‌افزاید: «موضوعی که این چند روز ما را ناراحت کرده این است که دائم در شبکه‌های مجازی می‌گویند «بریزید خانواده سپاهی‌ها رو هم بگشاید!» ما اما سال‌هاست مخالف این نظام هستیم. باور کنید ما هم مثل شما مخالف این رژیم هستیم!»

-شما چطور شد که اصلاً به این نهاد پیوستید؟

-پدرم از ۱۸ سالگی در سپاه بود، یکی از دایی‌هایم هم از آخوندهای مدرس در حوزه علمیه قم است، یکی دیگر از عموهای من هم سپاهی است. برادرم هم در سپاه است اما با من هم عقیده است. پدرم را از ۵ سال پیش ندیده‌ام، چون من و برادرم را از خانه‌اش بیرون کرد به خاطر توهین ما به خامنه‌ای و سپاه. پدرم عاشق خامنه‌ایست و بارها به ما گفته بود که «لازم باشد شما را هم فدای نظام می‌کنم». پدر و مادرم در کرمانشاه زندگی می‌کنند، ما در تهران زندگی

تقاضای ۸۰ نام آشنای ورزش ایران از ملی پوشان فوتبال برای تحریم جام جهانی ۲۰۲۲ قطر



آندرانیک اسکندریان، دکتر احرابی فرد، محمود اعتمادی، ایرج ادیب زاده، محمود ابراهیم زاده، علیرضا اسماعیلی، مهرداد امین شیرازی، اصغر ادیبی، محمود بیاتی، محمد بیاتی، احمد بیاتی، سعید باغوردانی، محمود بهرامی، احمد بهنام، مهرداد بدیعی، امیر برادران، علی بشیری، تونیا ولی اوغلی، عباس پهلوان، ارشیا پیربازاری، علی پورجانکی، علی تازرونی، دکتر تورج رفعی، کارو حوق وردیان، علیرضا حیدری، حسین خونساری، جعفر دهقان، ستار دلدار، میترا دانایی فرد، داریوش ذهاب، حبیب روشن زاده، بیژن رفیعی، محمد رزمجو، دکتر حسن رهنوردی، ژولیت گنورگیان، دکتر ستاری، علی سجادی، علی سرشار، بهروز سرشار، پرویز شیخان، فریدون شبیانی، هدایت شعارغفار، ژنیک شهبازیان، شهریار شفیع، اصغر صدری، منوچهر طیورچی، احمد طوسی، علی عمادی، علی عابدی، کریم غیاثی، مهدی غزال، حسین فداکار، مسلم اسکندر فیلابی، پرویز قلیچ خانی، منصور قلمی، محمد قربانی، حمید لواسانی، حسین کلانی، مسعود مژدهی، ناصر مسلمی، توقیق ممتاز، عباس مژدهی، مانوئل آغاسی، ارشادیر ملکی، مجید مشتری، مجتبی مددی، بهرام مودت، عبدالله موحد، منصور مهدیزاده، حسن نظری، حمید نبی، حسن نایب اقا، امید غازی، احمد نقوی، محمود نقوی، ناصر وثوق، همایون هوشیارنژاد، شهرام همایون فر، محسن هوشنگی، پروفسور یلدایی، مجید یحیاحیان

● ما با پشتیبانی کامل از جوانان دختر و پسر انقلابی ایران در راه سرنگونی جمهوری اسلامی، وظیفه داریم از ملی پوشان تیم ملی فوتبال تقاضا کنیم تا با تحریم جام جهانی ۲۰۲۲ قطر در کنار ملت خود بایستند و وظیفه ملی و انسانی خود را اجرا کنند.

در روزهایی که نسل جسور و شجاع امروز ایران با تمام توان و جان بر کف به دنبال آن است تا رژیم اهریمنی جمهوری اسلامی را سرنگون سازد و راهی زباله دان تاریخ کند، هر ایرانی شرافتمند وظیفه و مسئولیت دارد تا در هر مقام و جایگاه پشتیبان این نسل بزرگ و تاریخ ساز باشد. ما یعنی هشتاد نام آشنای ورزش ایران با پشتیبانی کامل از جوانان دختر و پسر انقلابی ایران در راه سرنگونی جمهوری اسلامی، وظیفه داریم از ملی پوشان تیم ملی فوتبال تقاضا کنیم تا با تحریم جام جهانی ۲۰۲۲ قطر در کنار ملت خود بایستند و وظیفه ملی و انسانی خود را اجرا کنند.

البته تقاضای تحریم جام جهانی در صورتی پابرجا خواهد بود که جمهوری اسلامی تا زمان برگزاری این مسابقات سرنگون نشده و انقلاب همچنان در کف خیابان های ایران برقرار باشد. زنده باد ایران و پیروز باد نسل دلیر و شجاع امروز سرزمین کهن ما.

بله، به تازگی به تعدادی از زندانیان قزل حصار آموزش داده اند که بیشتر آنها جرم شان قتل بود و حبس ابد دارند؛ به همه آنها عفو دادند اما نباید فرار کنند. باید حتماً مردم را سرکوب کنند؛ پشت موهای آنها را هم تراشیده اند تا یکدست شده و برای اینها قابل شناسایی باشند چون همانطور که گفتیم به شدت دچار کمبود نیرو هستند.

از موضوع خانه های تیمی سپاه چه اطلاعاتی دارید؟

-بجز خانه هایی که از همان سال های اول انقلاب در اختیار داشتند، با شروع اعتراضات اخیر، سپاه یکسری مدارس را تخلیه و به اسم اوقاف مصادره کرده و دانش آموزان این مدارس را به مدارس دیگر فرستاده؛ بعلاوه بسیاری از گرمخانه های شهرداری و مدارس متروکه و اوقافی به محل بازداشت زندانی ها تبدیل شده اند؛ بچه های مردم را در اینجاها نگه می دارند؛ مردم می توانند به راحتی فرزندان خود را از این مراکز نجات بدهند.

اعتراضات کردستان را چقدر دنبال می کنید؟

-به موضوع مهمی اشاره کردید، به نیروهای خودشان لباس کردهای کومله پوشانده اند که جنگ وحشتناکی در استان کردستان راه بیندازند، این نیروها سپاهی هستند و نه کومله، با عنوان گروه های تجزیه طلب می خواهند مردم کردستان را سلاخی کنند. به این جنگ نیاز دارند تا بتوانند غائله اعتراضات را بخوابانند، این خبر بسیار مهمی است و باید حتما اطلاع رسانی شود.

در مورد ریزش نیروی های سپاه چقدر اطلاع دارید؟

-بله، ریزش زیادی داشته اند، آنها آنقدر نیرو کم دارند که رسماً از کودکان استفاده می کنند، برادرم می گوید چندین نفر از همکارانش از وضعیت موجود راضی نیستند؛ یکی از آنها خودم، البته چندین سال است که من و همسرم از آنها بریده ایم، اما امثال عموم که فقط بنده پول هستند در بین سپاهی ها زیاد هستند و تعداد امثال پدر من که احمق هستند کمتر است. جمهوری اسلامی اگر دستمزد این نیروهای باقیمانده را ندهد، ریزش بیشتر خواهد شد. اما در سپاه و نظام، امثال ما زیاد هستند؛ فقط باید مردم همت کنند لگد آخر را بزنند. اگر مردم براندازی می خواهند الان بهترین فرصت است روسیه به عنوان پشتیبان همیشگی جمهوری اسلامی الان در اوکراین گیر افتاده و بهترین فرصت است؛ یا الان یا هیچوقت! الان جمهوری اسلامی در ضعیف ترین وضعیت خود قرار دارد.

در مورد مرگ مشکوک و پیاپی چند تن از اعضای سپاه چه اطلاعی دارید؟

-آنها یا توسط دیگران شناسایی و کشته می شوند یا اینکه در تظاهرات و تجمعات کشته می شوند. البته هر کسی که قصد خروج از سپاه را داشته باشد نیز از طرف حکومت به شکلی حذف می شود.

از جزییات آتش سوزی زندان اوین خبر دارید که چه تعداد کشته شدند؟

-آمار ۴۰ تا نیست؛ حداقل بین ۷۰ و ۸۰ زندانی اوین را کشته اند؛ یک عده از زندانیان سیاسی قدیمی و جدید که برخی را تیرباران کردند و بعدها اعلام می کنند مفقود شده اند. بسیاری از کشته های اوین کسانی هستند که اسمی از آنها برده نشده. عده ای را هم در یک قسمت مثل کتابخانه محبوس کردند تا خفه شوند، البته فقط هم اوین نیست؛ این روش را می خواهند در سایر زندان ها هم اجرا کنند چون نه نیروی نگهداری از آنها را دارند و نه جایی دارند که آنها را نگه دارند؛ به روش دهه ۶۰ در حال پاکسازی فعالان سیاسی هستند. بنابراین اهمیت زیادی دارد که با خبررسانی گسترده جلوی تکرار این جنایت گرفته شود.

ایران از فحش ویران نیست



● بجای حمله به معترضینی که زیر گلوله، فحشی زشت نثار سرکوبگران می‌کنند، می‌توان به این فکر کرد که در ایران آزاد چگونه می‌شود نظام آموزشی را مدرن کرد و زبان فارسی را از شرّ حداد عادل‌ها نجات داد و به صورت علمی آن را پاس داشت.

● فحش و ناسزا مصداق آن چیز است که ما در زبان‌شناسی می‌گوییم «کاری را صرفاً به وسیله لغات انجام دادن». آدمیزاد بطور معمول فحش برای فحش می‌دهد. کمتر کسی تحت فشار یا در حال درد تصمیم می‌گیرد که از زبان فاخر استفاده کند و یا با کنایه و حسن تعبیر به وضعیت فعلی اعتراض کند. می‌توانید به چند سناریو در مورد خودتان فکر کنید: وقتی مچ پای شما پیچ خورده و تحت درد شدید هستید فحش می‌دهید یا کنایه می‌زنید؟ یا فردی حق شما را خورده، با ندنه عقب به ماشین شما کوبیده، آیا به نفرین و فحش دست می‌زنید یا حسن تعبیر؟ فرد برای تخلیه احساس یا بیان عمق حس خود در آن لحظه به فحش اتکا می‌کند.

رضا عرب - عنوان این مطلب اشاره دارد به مقاله‌ای که وحید دستگردی دقیقاً ۱۰۰ سال پیش در شماره‌ی مهر ۱۳۰۱ در مجله‌ی ایرمغان نوشت با عنوان «ایران از فحش ویران است». او ادعا کرد که «علت اللعل اضمحلال ایران میکروبی است بنام فحش»، و حتی به برخی ادیبان و داستان‌نویسان ایراد می‌گیرد که الفاظ رکیک و کوچه‌خیابانی را وارد ادبیات فارسی کرده‌اند.

درآمد

در چند روز اخیر برخی از فعالین سیاسی و اجتماعی از شنیدن فحش و الفاظ رکیک در قالب شعار در اعتراضات خیابانی برآشفته‌اند. استدلال این افراد بر سه محور استوار است:

بی ادبی و دور از شأن بودن این الفاظ،

سکسیستی و ضدزن بودن آنها،
و منحرف کردن مسیر از شعار پیرو همچون «زن زندگی آزادی».

من به عنوان زبان‌شناسی که اندکی در حوزه طنز و ناسزا کار کرده، در این متن قصد دارم اول یک تعریف زبان‌شناختی از فحش و کارکرد آن بدهم، دوم وضع ایران و زبان فارسی را با دیگر زبان‌ها و کشورها مقایسه کنم، سوم کارکرد اجتماعی فحش در تاریخ ایران را مختصر مرور کنم.

و در آخر چند نکته در تعریض به استدلالات یادشده در بالا ارائه کنم.

فحش در زبان

زبان فارسی از آن زبان‌هاست که نه تنها دامنه لغات گسترده‌ای از الفاظ رکیک و فحش دارد بلکه چندین ضرب‌المثل یا اصطلاح (به مثابه‌ی حکمت‌عامیانه) هم در باب فحاشی و ناسزا دارد: «فحش باد هواست»، «فحش لقلقه‌ی لسان است»، «فلانی فحش خورش خوبه» و از این دست. یعنی هم انواع فحش در معانی متنوع خلق شده و هم مکانیزم دفاعی و توجیهی برای استفاده از آنها.

این برآشفتن از شنیدن فحش، اما، امر غریبی نیست. لیونگ (۲۰۱۰) در کتابش تعاریف مختلف زبان‌شناسان از فحش و ناسزا را در چهار ویژگی خلاصه می‌کند:

(الف) استفاده از کلمات تابو (زشت)،

(ب) این کلمات تابو در معنای غیرلفظی‌شان استفاده می‌شوند،

(ج) معمولاً شکل ثابت واژگانی، نحوی و معنایی دارند و در زمره‌ی زبان فرمولی‌شده (formulaic) قرار می‌گیرند،

(د) فحش، زبان احساسی است به این معنی که کارکرد

اصلی‌اش بروز عواطف و عقاید گوینده است.

برای مثال «مادر... ده...» حاوی یک کلمه‌ی تابوست که در معنای غیرلفظی‌اش به کار می‌رود (یعنی فرد دشنام دهنده دقیقاً منظور این نیست که مادر طرف مقابل ج... ده است). این واژه‌ی ترکیبی، مثل اکثریت فحش‌ها، فرمولی‌شده است و از یک الگوی ثابت پیروی می‌کند. کارکرد آنهم می‌تواند بیان خشم گوینده باشد یا حمله‌ی شخصی به مخاطب.

فحش و الفاظ رکیک کارکردهایی دارند که علت کاربرد آنها توسط افراد است: گاهی کاملاً شوخی هستند و گاهی جدی و عینی. گاهی نمود زبانی برای ابراز هویت یک گروه اجتماعی‌اند (مثلاً همه‌ی اعضای یک گروه خلاقکار از نوع خاصی از فحش‌ها به عنوان یکی از عناصر هویتی‌شان بهره می‌برند). اما احتمالاً مهمترین کارکرد برای فحش دادن همان مکانیزم تخلیه احساسات است: وقتی شست پای‌تان محکم به پایه‌ی میز می‌خورد و از ته دل فحش می‌دهید!

فحش و ناسزا فقط یک نوع از آن چیز است که ما بدزبانی می‌نامیم. همان مضامین در قالب نفرین، لعنت، توهین، طعنه و کنایه زیاد نگرانی برمی‌انگیزاند. ناسزا خودش می‌تواند بی‌ادبی باشد، یا هتاک باشد برای حمله به یک نفر، بددهنی باشد که در بعضی جوامع معمولاً نشان‌دهنده «مردانه بودن» و «کول بودن» است، تاکیدی باشد مثل اضافه کردن «فاک» قبل از اسامی، یا فقط برای تخلیه احساسات (همان مثال شست پا و پایه‌ی میز).

فارسی در قیاس با دیگر زبان‌ها

شعراهای خیابانی در فارسی بطور غالب با رعایت وزن و قافیه خاص ساخته می‌شوند. برای مثال از زمانی که به یاد دارم، «توپ تانک فشفشه، داور ما... کشه» در ورزشگاه‌های فوتبال و علیه داور استفاده می‌شد. امروز نوک حمله‌ی همان شعر تغییر پیدا کرده به سمت خامنه‌ای و از طرف



➔ دیگر شعاری مثل «سبزی پلو با ماهی؛ ک... نهات سپاهی» یا «نه انوری، نه اونوری، ک...رم تو بیت رهبری» در موقعیتی خاص در خیابان خلق شده‌اند و همگی مبتنی بر فرمول‌های زبانی فارسی هستند در باب کاربرد و خلق فحش. سه ایراد از حیث انتخاب واژگان به این شعارهای فحش‌دار وارد است:

یک، واژگان تابو (زشت) در آن به کار رفته است. دو، آلت تناسلی- بخصوص زن- در آنها استفاده می‌شود. سه، این قبیل شعارها سکسیستی و ضدزن هستند. به اعتقاد من هم هر سه این ایرادات درست است. اما چند نکته را از حیث زبانشناسی معرفی می‌کنم که فقط نشان دهم این لزوماً بیانگر وضع اسفناک زبان فارسی یا جامعه ایرانی نیست و در بسیاری از جوامع و زبان‌ها هم وجود دارد. یک نکته اینجاست که الفاظ با معنای نسبتاً یکسان، حس متفاوتی در مخاطب برمی‌انگیزانند. مثلاً اگر کسی به خامنه‌ای بگوید دیوث، جاکش، و یا قرمساق آنقدر خاطر را نمی‌آزارد که...کش می‌آزارد. علاوه بر این، اگر با حسن تعبیر یا کنایه (مثلاً در طنز یا کاریکاتور) همین معنا را تصویر کنیم، باز هم آنقدر باعث رنجش برخی از هم‌زبانان نمی‌شود. پس احتمالاً دلیل رنجش خاطر می‌تواند از استفاده‌ی بی‌پروا از کلمات تابو بخصوص اسامی آلت تناسلی باشد. این درست است که در زبان فارسی واژگان مربوط به اندام‌های جنسی هم بسامد بالایی در فحش دارند و هم قدرت زایش بالایی در ترکیب با واژگان و تکواژه‌های دیگر. اما زبان‌های دیگر هم هستند که به تواتر از واژگان اندام جنسی در فحش استفاده می‌کنند. در انگلیسی بطور خاص Cunt و Prick، در اسپانیایی Coño و Carajo، در روسی Pizdá و Xúj، در زبان سوئدی اندام‌های جنسی به عنوان فحش به کار می‌روند؛ اما در قیاس، در زبان‌های همسایه و هم‌خویش سوئدی همچون دانمارکی و نروژی این کلمات کاربرد فحاشانه ندارند (لیونگ، ۲۰۱۰ بخش ۲.۲.۳).

از طرف دیگر، یک مشکل دیگر زبان فارسی فحش‌هایی هستند که مستقیم به اقوام درجه یک، بطور ویژه مادر و خواهر (ناموس)، ارجاع می‌دهند. این یک مشاهده‌ی درست است و تواتر چنین فحش‌هایی در فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی زیاد است. اما اینهم منحصر به زبان فارسی نیست. فحش به مادر در تعدادی از زبان‌های اروپایی (مثلاً انگلیسی) بسیار کاربرد دارد. در یک نمونه، استنتروم در تحقیق ۲۰۲۰ خود نشان می‌دهد که دو فحش motherfucker و cunt در میان نوجوانان و جوانان انگلیسی بسیار کاربرد دارد و در یک روند جالب توجه از حیث معنایی از شدت معنای زنده‌شان کاسته شده و اکنون بیشتر فقط به عنوان یک اضافه‌ی تاکیدی در جمله به کار می‌روند. این را هم باید اضافه کنم که سردمدار فحش مادر، در زبان‌های با جمعیت‌های میلیونی زبان روسی است که فرمول زبانی غالب فحش‌های آن به سوی مادر، مادر بزرگ یا خواهر است و پربسامدترین فحش در روسی هم 'Yob tvoju mat' (مادرت رو گا...دن) است که از حیث زبانی انعطاف‌پذیری قرار گرفتن در نقاط مختلف عبارت یا جمله را دارد.

من مطمئن نیستم که بتوان بطور علمی اثبات کرد که میزان زبانی یک زبان برای تولید فحش جنسیتی و یا کاربرد فحش سکسیستی در یک جامعه بیانگر عقب افتاده بودن یا لزوماً سکسیست بودن آن جامعه است. جدول زیر یک مطالعه پیکره‌ای است که گوئیر و همکاران در سال ۲۰۱۵ انجام دادند. عددها در یک میلیون هستند و ستون آخر نشان می‌دهد که زن‌ها یا مرد‌های بریتانیایی در توییتر به ترتیب بیشترین استفاده‌کننده از کدام فحش هستند. مثلاً زنان بیشتر از هر فحشی از bitch استفاده می‌کنند و کمتر کسی بر این مبنا از

سکسیستی بودن جامعه بریتانیا سخن می‌گوید. البته طبیعتاً تبعیض علیه زنان از مباحث روز بریتانیا است اما نه با اتکا به داده‌های فحش‌نگار.

فحش در تاریخ زبان فارسی

فحش و ناسزا مصداق آن چیز است که ما در زبانشناسی می‌گوییم «کاری را صرفاً به وسیله لغات انجام دادن». آدمیزاد بطور معمول فحش برای فحش نمی‌دهد. کمتر کسی تحت فشار یا در حال درد تصمیم می‌گیرد که از زبان فاخر استفاده کند و یا با کنایه و حسن تعبیر به وضعیت فعلی اعتراض کند. می‌توانید به چند سناریو در مورد خودتان فکر کنید: وقتی مچ پای شما پیچ خورده و تحت درد شدید هستید فحش می‌دهید یا کنایه می‌زنید؟ یا فردی حق شما را خورده، با دنده عقب به ماشین شما کوبیده، آیا به نفرین و فحش دست می‌زنید یا حسن تعبیر؟ فرد برای تخلیه احساس یا بیان عمق حس خود در آن لحظه به فحش اتکا می‌کند. بعلاوه، فحش‌ها در یک بافتار تاریخی معنا، در یک بستر زمانی- بر اساس فرمول‌های زبانی برای فحش دادن- شکل می‌گیرند. اگر سیر شعارها در این چهار هفته را بررسی کنیم، معترضین کم کم به این حد از عصبانیت رسیده‌اند که جز با فحش بغض فروخورده را نمی‌توانند فریاد کنند. بدینگونه و در هماهنگی این شعارها با الگوی زبانی و وزن مناسب، وقتی یک نفر چنین شعاری را در یک گوشه از یک میدان سر می‌دهد، توسط بقیه حاضرین پذیرفته می‌شود و شهر به شهر و اکانت به اکانت در فضای مجازی منتقل می‌شود. احتمالاً ویدئوهایی را دیده‌اید که برخی شعارها در جمع معترضان «می‌گیرد». اینجا لازم است تاکید کنم فحش در مبارزات تاریخ معاصر ایران جایگاه خاص خودش را داشته و با وجود اینکه به دلایل فرهنگی، کمتر روشنفکر، جامعه‌شناس یا زبانشناسی به بررسی آن دست زده است.

جعفر شهری در تاریخ اجتماعی تهران از آمدن «روزنامه» در دوره مشروطه می‌گوید و اینکه دعوای فکری آنقدر بالا بود که با الهام از «روزنامه» انتشار «فحش‌نامه» هم باب شده بود (شهری، جلد ۵ ص ۶۴۷-۶۵۱). این خود شاید یکی از دلایلی است که به نظر وحید دستگردی «ایران از فحش ویران است». ممکن است کلمه‌ی «فحش‌نامه» هم از همان زمان وارد فرهنگ سیاسی ایران شده باشد. الول ساتون (۱۹۶۸) هم در مرور مطبوعات دهه‌ی بیست خورشیدی از مجدداً باب شدن انتشار فحش‌نامه‌ها می‌گوید. به تعبیری فحاشی‌های توییتری در این روزها خود شکل به‌روزشده‌ی فحش‌نامه‌ها در مبارزات سیاسی تاریخ معاصر ایران است. چندین کاربر توییتر اخیراً دست به انتشار فحش‌هایی که در شعارهای انقلاب ۵۷ متداول بود نیز زدند. فحش سکسیستی نسبت به ملکه و خواهر شاه بخش قابل توجهی از شعارها و شایعات در میان حامیان انقلاب ضدزن ۵۷ بود.

اگر بازگردیم به مقاله‌ی وحید دستگردی در صد سال پیش، او مثلاً به شکوه ایران داریوش اشاره می‌کند و معتقد است که ایران بعد از حمله‌ی اسلام به ملتی فحاش تبدیل شد. نه تنها او شواهد تاریخی و زبانی خاصی ارائه نمی‌کند که واقعاً شواهد زیادی هم برای این ادعا وجود ندارد، علاوه بر این، معتقدین به اسلام می‌توانند شواهد متعددی از قرآن و حدیث رو کنند که مسلمانان از ناسزا و بدزبانی برحذر داشته شده‌اند. با وجود اینکه در دین زرتشت بر گفتار نیک تاکید شده، زبان‌های پیش از اسلام همچون پهلوی و اوستایی عاری از لغاتی برای نفرین و ناسزا نبوده‌اند (ببینید فرهنگ لغت پهلوی نوشته‌ی مکنزی ۱۳۷۳) و همچنین روایت‌هایی از نفرین و ناسزا گفتن در داستان‌های ایران پیش از اسلام موجود است؛ برای نمونه «افراسیاب تورانی بسیار زورمند از دریای فراخترت بیرون آمد

سخن ناسزا به زبان راند» (یشت‌ها، جلد ۲، ص ۳۴۲). شهری، شاملو (در کتاب کوچه) و ویلم فلور هم با استناد به شواهد تاریخی و هم آثار دیگران ادعا می‌کنند که فحش مختص یک طبقه، قوم و گروه نبوده و همه طبقات اجتماعی ایران- از شاهان تا مردم کوچه- فحش می‌داده‌اند.

به نوشته‌ی امیدسالار و همچنین ویلم فلور، اروپایی‌هایی که از ایران صفوی و قاجار دیدن کرده‌اند نوشته‌اند که «فحاشی یک معضل اجتماعی در ایران است». فلور روایت‌هایی را نقل می‌کند که نشان می‌دهد فقط مسلمانان ایران در فحاشی قهار نبودند بلکه ارمنی‌های ایران هم همینقدر زبان‌شان با فحش آشنا بود.

در میان علما و اهل دانش هم ما توصیه‌های غزالی یا مثلاً قلیوس‌نامه را داریم که صریحاً در ذم بدزبانی نوشته‌اند و ناصر خسرو که می‌نویسد: مکن فحش و دروغ و هزل پیشه/ مزن بر پای خود زنهار تیشه. با اینهمه، در همان تاریخ ادب چهره‌های جنجالی از حیث بدزبانی داریم چون عبید زاکانی، سوزنی سمرقندی، و ایرج میرزا. حتی سعدی، استاد سخن، نیز بخشی در آثارش دارد به نام هزلیات یا خبیثات که وقتی صنعت چاپ به ایران وارد شد، مشمول سانسور دولتی شد. برخی معتقدند شواهدی هم هست که فحش در شعر فارسی از هجو عربی آمده که نوعی شعر توهین‌آمیز در دعوای قبایل عرب پیش از اسلام بود. فردوسی می‌گوید: چو شاعر برنجد بگوید هجا/ ماند هجا تا قیامت بجا. این بیت بر درکی استوار است که اگر شاعر نرنجد، دست به هجا نمی‌برد. «تاریخ برامکه» در عصر عباسی هم از آثار است که الفاظ زشت در میان همبستری را مکتوب کرده است.

در تاریخ معاصر هم اساس طنزهای سطح پایین ایرانی چه به صورت نقالی، روحوضی، یا هر نوع مجلس گرمکنی (مثلاً جوک گفتن برای رفقا) بر اساس شوخی‌های فیزیکی و جوک‌های زیر شکم است.

فحش و انقلاب ملی

این کاملاً قابل درک است که انقلابی که با شعار محوری «زن زندگی آزادی» شروع شده، وقتی به فحش می‌رسد، برخی را می‌رنجانند. جدا از نقش تاریخی فحش در اعتراضات ایران معاصر، کارکرد فحش در تخلیه احساسات و خشم، و تحلیل زبانشناسانه‌ی فحش در زبان‌های دیگر، سه نکته اضافی دیگر را هم باید در نظر گرفت:

اول اینکه این مسئله خیلی پیچیده نیست: هر چه شما خشمگین‌تر باشید، غلیظ‌تر فحش می‌دهید. هر چه ظلم بزرگتری دیده باشید، از ته‌دل‌تر نفرین می‌کنید. پس طبیعتاً نباید شگفت زده شد که هرچه جنایت سرکوب فجیع‌تر می‌شود، و هرچه مردم خشمگین‌تر می‌شوند، فحش به میان شعارها آید. هفته‌ی اول اعتراضات شاید «بی‌شرف» دل معترضین را خنک می‌کرد (همزمان کارکرد مکانیزم تخلیه احساسات و کارکرد توهین/ هتاک مستقیم به سرکوبگر) اما الان در موقعیتی یکسان، سطح فحش به بالاترین حد در دامنه لغات فارسی («ناموس» بسیجی) رسیده است. در بررسی زبانشناختی شاید فقط درگیر ساخت معنایی فحش شویم اما در بررسی جامعه‌شناختی فحاشی، فقط به فحش یا فحش‌دهنده اتکا نمی‌شود بلکه به دینامیزم موقعیت، دریافت کننده‌ی فحش و پاسخ به فحش هم باید فکر کرد.

علاوه بر این، گروه‌های اجتماعی مختلف منابع زبانی متفاوتی برای فحش دادن دارند. تحصیلات بالاتر معمولاً باعث کمتر فحش دادن در سطح علنی می‌شود. تحصیلکرده‌ترها معمولاً وضع مالی بهتری دارند، در محله‌های بالاتر می‌نشینند یا کلاً خارجه هستند. اغلب به یک زبان دیگر هم مسلط‌اند. لذا وقتی خشمگین می‌شوند، از ته دل «فاک»، «شت»

کانادا به دلیل نقض حقوق بشر، شورای نگهبان و مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام را تحریم کرد



پاسدار عزت‌الله ضرغامی (وزیر میراث فرهنگی جمهوری اسلامی و رئیس پیشین صداوسیما رژیم)، سردار پاسدار سید مجید میراحمدی (معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور) و عباسعلی کدخدایی (عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع تشخیص و سخنگوی سابق قوه قضائیه) در این فهرست قرار دارند.

همچنین شورای نگهبان، مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. ملانی جولی وزیر خارجه کانادا در بیانیه‌ای گفت: «کانادا با استفاده از تمام ابزارهایی که در اختیار دارد به نقض حقوق بشر توسط رژیم ایران و تهدیدات آن علیه صلح و امنیت منطقه واکنش نشان می‌دهد و به حمایت از مردم ایران ادامه خواهد داد.»

این سومین دور از تحریم‌های کانادا از شروع خیزش سراسری مردم در ایران است. این کشور پیش از این نیز ۵۱ فرد و نهاد جمهوری اسلامی را به اتهام نقض حقوق بشر و سرکوب اعتراضات تحریم کرده بود.

در هفته‌های اخیر شمار زیادی از نمایندگان مجلس خبرگان که بسیاری از آنها نمایندگان علی‌خامنه‌ای در استان‌ها هستند از سرکوب اعتراضات حمایت کرده‌اند.

● شورای نگهبان، مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تحریم‌های کانادا قرار گرفته‌اند.

● حشمت‌الله فلاحت‌پیشه (رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس)، سردار پاسدار محمد کرمی (فرمانده قرارگاه قدس جنوب شرق نیروی زمینی سپاه) در سیستم و بلوچستان، صغری خدادادی (رئیس جدید زندان قرچک ورامین)، سردار پاسدار عزت‌الله ضرغامی (وزیر میراث فرهنگی جمهوری اسلامی و رئیس پیشین صداوسیما رژیم)، سردار پاسدار سید مجید میراحمدی (معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور) و عباسعلی کدخدایی (عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع تشخیص و سخنگوی سابق قوه قضائیه) در فهرست تحریم‌های جدید کانادا قرار دارند.

دولت کانادا چهارشنبه ۱۹ اکتبر (۲۷ مهرماه) شش شخص و چهار نهاد جمهوری اسلامی را به دلیل نقض حقوق بشر در ایران و سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم تحریم کرد.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه (رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس)، سردار پاسدار محمد کرمی (فرمانده قرارگاه قدس جنوب شرق نیروی زمینی سپاه) در سیستم و بلوچستان، صغری خدادادی (رئیس جدید زندان قرچک ورامین)، سردار

و یا «مادرفاکر» می‌گویند که دل‌شان خنک شود. برخی‌شان احساس می‌کنند وقتی از منابع زبان‌دوم‌شان بهره می‌گیرند، دیگر از سکسیسم خبری نیست. اما به حاشیه‌تر که بروید می‌بینید فحش‌ها سنتی‌تر و مردانه‌ترند. ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که همه به خیابان بیایند، بالای شهر و پایین شهر، پایتخت و شهرستان چندهزار نفره، بعد از تنوع شعارها غافلگیر شویم.

دوم اینکه تمام فحش‌هایی که در شعارها بوده به اندام جنسی زنانه یا مادرخامنه‌ای (برای مثال) اشاره نداشته‌اند. شعاری مثل «ک...رم تو بیت رهبری»، یا صفاتی چون «ک...ری» هم به چشم می‌خورد. برای اینکه بفهمیم کدام یک بسامد بیشتری دارد، می‌توان یک پیکره زبانی ساخت و از آن مطمئن شد. اما بطور شهودی کسی مخالفت نخواهد کرد که فحش‌های مردم‌محور و «ناموسی» تکرار بیشتری دارند.

در بالا گفتم که این مختص فارسی یا خاورمیانه‌ی اسلامی نیست. بطور تاریخی هم، فحش‌خواهر و مادر حداقل از زمان صفویه حتی در دربار هم بسیار به کار می‌رفته است. مفاهیمی مثل «ناموس» و «غیرت» اساس معتادار بودن فحش‌های خواهر و مادر هستند. هر دو مفهوم برساخته‌ی یک فرهنگ سنتی مردم‌محور و مردسالارند که تصلب فکری اسلامی هم طی سده‌ها در آن دمیده است. جمهوری اسلامی نماینده‌ی بی‌مثال این ضدفرهنگ است که به روایت بزرگان‌ش زن عورت است و باید پوشیده شود. بیشتر اینگونه ناسازها و فحش‌ها، آنچه‌ی را هدف می‌گیرند که ما همه (به‌خصوص زنان) با آن به نوبی درگیریم و بعد از جمهوری اسلامی هم از مسائل فرهنگی مهم خواهد بود. جعفر شهری در «طهران قدیم» می‌نویسد که تا اواخر دوره قاجار در «خانواده اصیل» اسم زن و دختر را نباید می‌گفتند. تلاش برای برابری و حقوق زنان ادامه خواهد داشت.

برآمد

آیا زبان فارسی مشکل فحش سکسیستی دارد؟ از نگاه جامعه‌شناختی، بله. اما از طرفی دیگر ما در زبان فارسی ضمیر جنسیتی نداریم (مثل he و she در انگلیسی). بالاخره باید تکلیف‌مان مشخص باشد که به اعتقاد ما زبان فارسی یا شهروند ایرانی پیشروست چون از معدود زبان‌هاست که ضمیر جنسیتی ندارد یا عقب افتاده است چون مثل تعدادی از زبان‌ها فحش ناموسی دارد!

تغییر و اصلاح زبان یک پروسه‌ی زمانبر و جامعه‌محور است. معمولاً از بالا هم نمی‌تواند اعمال شود مگر در شرایطی که دولت ملی حاکم است. اگر می‌خواهید زبان فارسی از این فحش‌ها عاری شود، نیاز به یک انقلاب فرهنگی-اجتماعی داریم که بتواند جایگزین‌های زبانی مناسب و معنی‌دار تولید کند، وگرنه سعدی هم باشی گاهی علنی یا در خفا خبیثات منتشر می‌کنی! باید ابتدا انقلاب سیاسی کرد و جمهوری اسلامی را که پاشنه‌ی آشیل‌اش همین جدایی جنسیتی، حجاب اجباری و ضدیت با آزادی زن است سرنگون شود. انقلابی که زن ایرانی را آزاد کند و در عینیت اجتماعی زن را از ناموس به سطح شهروند برساند، در طی زمان نمود خود را در سطح گفتمانی و ساختار زبان فارسی، به مدد دولت ملی و نهادهای مدنی، بروز خواهد داد.

ایران صرفاً از فحش ویران نبوده و نیست، اما پس از جمهوری اسلامی کار برای انجام زیاد است. به گمان من، بجای حمله به معترضینی که زیر گلوله، فحشی زشت نثار سرکوبگران می‌کنند، می‌توان به این فکر کرد که در ایران آزاد چگونه می‌شود نظام آموزشی را مدرن کرد و زبان فارسی را از شرّ حدادعدالها نجات داد و به صورت علمی آن را پاس داشت.

* دکتر رضا عرب پژوهشگر مقیم در مرکز مطالعات فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه گریفیث استرالیاست. حوزه پژوهشی او زبان‌شناسی اجتماعی، زبان‌شناسی پیکره‌ای، و کاربردشناسی زبان است.

Swearing: A cross-cultural linguistic study. Springer. ۲۰۱۰. Ljung, M. English-and Spanish-speaking teenagers' use of rude vocatives. In Swearing and Cursing (pp. ۲۰۲۰-۲۰۲۸). Stenström, A. B De Gruyter Mouton. (۲۰۲۰-۲۸۱)

Text mining and Twitter to analyze British swearing habits. In Handbook of Twitter for ۲۰۱۵. Gauthier, M., et al EMLYON Press. (۴۲-۲۷. Research (pp

۱۰۴-۶۵ pp. ۶. In Iran. ۱۹۴۷-۱۹۴۱ The Iranian Press. ۱۹۶۸. Elwell-Sutton, L.P

The practice of cursing and bad language in Iran. Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen. ۲۰۱۵. Floor, W ۱۸۴-۱۵۵. pp. (۱)۱۶۵. Gesellschaft

یشتها. ۱۳۷۷. تفسیر و تالیف ابراهیم پورداوود. ۲. جلد. انتشارات اساطیر

جعفر شهری. ۱۳۶۸. تاریخ اجتماعی تهران. انتشارات رسا. تهران

وحید دستگردی. ۱۳۰۱. ایران از فحش ویران است. ارمغان ۲/۶. ص ۲۳۲-۲۳۵

محمود امیدسالار. ۱۳۸۱. نکاتی درباره فحش و فحاشی در زبان فارسی. ایران‌شناسی سال ۱۴ شماره ۲. ص ۳۴۹-۳۴۱

دیوید نیل مکنزی. ۱۳۷۳. فرهنگ کوچک زبان پهلوی. برگردان مهشید میرفرخایی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«احکام تحقیری» علیه سینماگران معترض؛ ساخت فیلم کوتاه درباره «شهدای امنیت» و برگزاری اجباری کارگاه فیلمسازی!



#زن_زندگی_آزادی_فکر_کن»

در پی ریزش ساختمان «متروپل» آبادان و سرکوب وحشیانه مردم معترض از سوی مأموران حکومتی، صدها تن از فیلمسازان و اهالی سینما با انتشار بیانیه «تفنگت را زمین بگذار» خطاب به نیروهای یگان ویژه خواستار کنار گذاشتن اسلحه‌ها و بازگشت به صف مردم شده بودند.

محمد رسول‌اف، مصطفی آل‌احمد و جعفر پناهی چندی پس از انتشار این بیانیه بازداشت شدند. رسول‌اف و پناهی همچنان در زندان بسر می‌برند. آل‌احمد که به قید وثیقه آزاد است، به تازگی از سوی دادگاه انقلاب اسلامی به ۶ سال و چهار ماه حبس تعزیری، ممنوعیت خروج از کشور و ممنوعیت از فعالیت در فضای مجازی محکوم شده است.

لیلا نقدی‌پری همسر مجید برزگر در صفحه اینستاگرام خود اعلام کرد در شرایطی که همسرش از سوی دادگاه انقلاب به یکسال حبس تعزیری محکوم شده، در جشنواره تحریم‌شده «فیلم کوتاه تهران» به او کارگاه آموزشی داده‌اند و قصد دارند برای او بزرگداشت نیز برگزار کنند!

این طراح صحنه و لباس دعوت از همسرش به جشنواره «فیلم کوتاه» را «کمال وقاحت» و وضعیت را «کمدی بخرنجی» توصیف کرد و نوشت: «می‌دانم بخندم یا گریه کنم به این می‌گویند کمدی سیاه!»

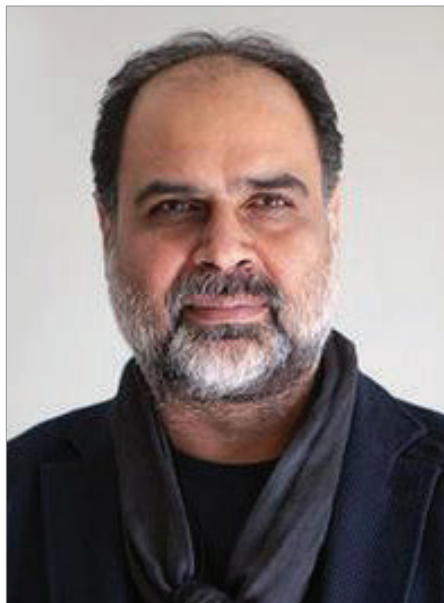
طبق توضیح نقدی‌پری، درحالی این برنامه‌ریزی برای برزگر صورت گرفته که او «از حضور در هر جمعی غیر از خانواده ممنوع شده» و کارگاه آموزشی وی از سوی انجمن سینمای جوان لغو و نامش از فیلم‌هایی که تهیه کرده، حذف شده است.

جشنواره «فیلم کوتاه تهران» این روزها توسط عده بسیاری از سینماگران محکوم و تحریم شده و به واسطه حمایت این جشنواره از سرکوب و کشتار کودکان و معترضان، عضویت آن در «کنفرانس فیلم کوتاه» به حالت تعلیق درآمده است.



بترسانند»

این فیلمساز در اعتراض به این احکام قضایی نوشت: «از اینجا، من مجتبا میرتهماسب فیلمساز، خطاب به مجتبی میرتهماسب محکوم می‌نویسم: این نوع احکام قضایی-فرمایشی، با تعبیر من درآوردی من، «احکام تحقیری» است؛ تجویز شده از سوی نهادهای امنیتی، آفتابه انداختن بر گردن اهل فرهنگ و هنر است. تحقیر و توهین به شعور و ساخت سینما و سینماگر ایرانی است. تحمل یک‌سال زندان



مجتبا میرتهماسب

شرافتمندانه‌تر است یا تحمل پنج سال (بخوانید یک عمر) تحقیر؟ به خودت و یسنا و دایره‌ی عزیزانت فکر نکن. به

● میرتهماسب به یکسال حبس تعزیری و پرداخت جریمه ۱۵ میلیون تومان به صندوق دولت محکوم شده ولی حکم وی به مدت ۵ سال معلق می‌ماند و این فیلمساز تحت تعلیق «مراقبتی» موظف به «تهیه یک پژوهشنامه پیرامون ادب و آسیب‌رسانی به افکار عمومی»، «کسب مجوز برای خروج از دستگاه قضا»، «تولید فیلم کوتاه با موضوع خانواده و فرزندان شهدای امنیت و اقتدار زیر نظر بنیاد شهید» و «منع ارتباط، حضور و عضویت در گروه‌های سیاسی و اجتماعی» (شامل فضای مجازی) است!

● لیلا نقدی‌پری همسر مجید برزگر در صفحه اینستاگرام خود اعلام کرد در شرایطی که همسرش از سوی دادگاه انقلاب به یکسال حبس تعزیری محکوم شده، در جشنواره تحریم‌شده «فیلم کوتاه تهران» به او کارگاه آموزشی داده‌اند و قصد دارند برای او بزرگداشت نیز برگزار کنند!

در حالی که اعتراضات سراسری مردم ایران علیه نظام جمهوری اسلامی وارد دومین ماه خود شده، مقامات قضایی برای مجتبا میرتهماسب و مجید برزگر سینماگران امضاکننده بیانیه «تفنگت را زمین بگذار»، «احکام تحقیری» چون ساخت فیلم کوتاه درباره «شهدای امنیت» و برگزاری کارگاه آموزشی در جشنواره تحریم‌شده «فیلم کوتاه تهران» صادر کرده‌اند!

مجتبا میرتهماسب مستندساز و از امضاکنندگان بیانیه «تفنگت را زمین بگذار» در حساب اینستاگرامش از صدور احکام قضایی خبر داده که آن را «احکام تحقیری» حکومت علیه سینماگران و فعالان هنری توصیف کرده است.

میرتهماسب شهرومراه پس از تفهیم اتهام در دادسرای اوین، با قرار وثیقه آزاد شد. دادگاه رسیدگی به پرونده این سینماگر ۱۲ مهرماه با عناوین اتهامی «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی در ماهیت نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» برگزار و حکم این دادگاه روز شنبه ۲۳ مهرماه صادر شد.

بر این مبنای میرتهماسب به یکسال حبس تعزیری و پرداخت جریمه ۱۵ میلیون تومان به صندوق دولت محکوم شده ولی حکم وی به مدت ۵ سال معلق می‌ماند و این فیلمساز تحت تعلیق «مراقبتی» موظف به «تهیه یک پژوهشنامه پیرامون ادب و آسیب‌رسانی به افکار عمومی»، «کسب مجوز برای خروج از دستگاه قضا»، «تولید فیلم کوتاه با موضوع خانواده و فرزندان شهدای امنیت و اقتدار زیر نظر بنیاد شهید» و «منع ارتباط، حضور و عضویت در گروه‌های سیاسی و اجتماعی» (شامل فضای مجازی) است.

در این حکم عجیب او موظف است، «پژوهش» مربوطه را «با اقتباس از کتاب‌های «نوزده پله الهی به سوی آرامش»، «نظم، آنچه همه دوست دارند، ولی...»، «۵۳ سال حکومت پهلوی به روایت دربار» و «ابراهیم در آتش» به نحوی که در هر صفحه یک مطلب با ذکر آدرس از کتب یادشده درج گردد» بنویسد!

مجتبا میرتهماسب در ادامه اشاره می‌کند که «بر خلاف تصور، همه چیز از بیانیه تفنگت را زمین بگذار شروع نشده بلکه این بیانیه بهانه‌ای شد که تسویه حساب‌ها با اهالی سینما شروع شود و محملی شود تا شاید دیگران را

